

کیمهان

۳۷۲

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۷ تا ۱۳ مردادماه ۱۴۰۱ خورشیدی

سال سی و نهم - شماره ۱۸۳۸

اروپا نگران گسترش شبکه تروریستی جمهوری اسلامی





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton
Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۳۸ (۳۷۲)

جمعه ۷ تا ۱۳ مرداد ماه ۱۴۰۱

۲۹ ژوئیه تا ۶ اوت ۲۰۲۲



اروپا
نگران گسترش
شبکه تروریستی
جمهوری اسلامی

مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب سقوط بهشت بودند
می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی
در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضاتی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی،
تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne
Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر

** فهرست مطالب **

- ۳ مقاله - تقابل دو سیستم فکری فئودالی و دمکراتیک / ال‌لاه بقراط
- ۳ و ۴ اروپا نگران گسترش شبکه تروریستی جمهوری اسلامی... / احمد رافت
- ۵ «بمب اتم» هم «تضمین امنیتی» نمی‌آورد!... / حامد محمدی
- ۴ شهبانو فرح پهلوی: شاهنشاهی، ملت ایران شمار از یاد نبرده است... /
- ۶-۷ پنجم امر داد و گز امیداشت دومین پادشاه پهلوی و سفر شهبانو فرح به مصر... /
- ۸-۹ هشدار کارشناسان اقتصاد درباره اعتراضاتی بزرگتر از آبان... /
- ۹ دور تازه و پُر شتاب اعداها در جمهوری اسلامی... /
- ۱۰ سوء استفاده روسیه از ایران برای دور زدن تحریم‌های خودش... /
- ۱۱ کالبدشکافی یک طغیان (۱۰)... / احمد احرار
- ۱۲ درباره ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ روز آزادی زن... / خیر خواه
- ۱۳ هشتک # دختر مریضه و تداوم اعتراض‌ها علیه حجاب اجباری... /
- ۱۴-۱۶ بیانیه ۵۰ فعال سیاسی و مدنی در ایران درباره بازداشت دادخواهان... /
- ۱۶-۱۷ گزارش ویژه: شبکه تروریستی جمهوری اسلامی در آلبانی... / احمد رافت
- ۱۸ نشانه‌های چرخش در جنگ اوکراین به زیان روسیه... /
- ۱۹ تازه‌ترین فیلم جعفر پناهی در بخش رقابتی هفتاد و نهمین... / احمد رافت
- ۲۰-۲۱ ایرانستان، یکی از ایالت‌های امپراتوری روسیه ی پوتین؟!... / اعلی صدر زاده (ایران ژورنال)
- ۲۲ نبرد از سوریه به قراست اوکراین هم «عمق استراتژیک» جمهوری... /
- ۲۳ بیکه تازی مافیای داروی زیر نظر خامنه‌ای و تجارت و کسب و کار بیماری‌دری... /
- ۲۴-۲۵ درباره شعر مشروطیت ایران (۴)... / محمد جلالی چیمه (م. سحر)
- ۲۶ اعتراف به غنی‌سازی ۹۰ درصدی اورانیوم و انتقاد از «سنگ اندازی» رافائل گروسی... /
- ۲۷ پنج خطر موجود ناشی از عملکرد جمهوری اسلامی برای نسل‌های... /
- ۲۸-۲۹ ممنوعیت کسب و کار زنان در تبلیغات: رد پای کبری خزعلی در اجرای قانون... /
- ۲۹ انتقال و گردآوری زندانیان سیاسی از قشاقو به اوین... /
- ۳۰ پشت جلد - عکس هفته



سرمقاله

تقابل دو سیستم فکری فئودالی و دمکراتیک

جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام منحصر به فرد ویژگی‌هایی دارد که زیربنای آن را تشکیل می‌دهند از جمله یک سیستم فکری مشخص برای کسب و حفظ قدرت و همچنین مناسبات به شدت انحصارطلبانه که آن را به مجموعه‌ای از گروه‌های مافیایی تبدیل کرده است.

سیستم فکری مذهبی و فرقه‌ای، گذشته از رسالت‌های آن‌جهانی که ادیان ابراهیمی برای خود قائل‌اند، در این جهان به هیچی برای رسیدن به هدف خود پایبند نیست و با خون و شمشیر پیش می‌رود. خون و شمشیر و انحصارطلبی همدیگر را بازتولید می‌کنند و این از نظر اجتماعی تنها در یک نظام طایفه‌ای دوران فئودالی ممکن است: طایفه‌ای که در آن همه با هم بطور نسبی و سببی فامیل هستند! البته این نکته تازه‌ای نیست و به این ویژگی جمهوری اسلامی در کیهان لندن بارها و بارها اشاره و بر اهمیت آن در حفظ نظام و مقابله با جامعه تأکید شده است.

این سیستم یا نظام فکری سرکوبگر و خونریز با مناسبات ویژه‌ی خود توانسته جمهوری اسلامی را هم به قدرت برساند و هم آن را تا زمانی که بی‌تردید به پایان خواهد رسید، نگه دارد. اینهمه سوء مدیریت و ناکارآمدی و فجایع ریز و درشت و گسترش فلاکت اقتصادی و انواع ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی جز در چنین سیستمی ممکن نیست! اما آنسو و در برابر این رژیم کدام سیستم فکری شکل گرفته تا آن را نه تنها به زانو درآورد بلکه بدیلی را جانشین آن سازد که علاوه بر بازسازی ویرانی‌ها، دورانی از امنیت و آرامش و رفاه داخلی و صلح با کشورهای منطقه و جهان برای مردم به ارمغان بیاورد؟! آیا تکرار مشکلات و مصیبت‌هایی که جامعه در عمل با آنها دست به گریبان است، و ستایش آزادی و دمکراسی و حقوق بشر در چارچوب ایران یکپارچه و همچنین تبلیغ و اعلام طرفداری از «جمهوری» یا «پادشاهی» به معنی یک «سیستم فکری» است؟! نه! همه اینها فقط «نظر» و «عقیده» هستند!

سیستم فکری حکومت اسلامی با زیربنای خون و شمشیر و انحصارطلبی طایفه‌ای تا کنون به سود آن و علیه ایران و ایرانیان پاسخ داده است.

سیستم فکری بدیل این حکومت فئودالی می‌بایست درک اهمیت خدمتگزاری و خیر همگانی، درک مسئولیت و تقسیم کار تخصصی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، عدم مداخله در مسئولیت‌های دیگران، دیگرانی که همگی باید در رشته و کار خود تخصص و شایستگی لازم و کافی داشته باشند و همچنین شفافیت و صداقت و فضای باز گفتگو و انتقاد و پرهیز از هرگونه پارتی‌بازی و دوستی و روابط شخصی و خانوادگی در کارها و مسئولیت‌های مربوطه شکل بگیرد. بدیل حکومت دینی و طایفه‌ای مبتنی بر شمشیر و خون و پنهانکاری و دروغ چیزی جز حکومت عرفی بجای دینی، ملت بجای طایفه، تخصص بجای شمشیر، حقوق بجای خون، شفافیت بجای پنهانکاری و صداقت و راستگویی بجای دروغ نمی‌تواند باشد.

مخالفان جمهوری اسلامی نه در حرف بلکه در عمل و نه فقط در مباحث سیاسی بلکه در شغل و زندگی روزانه خود می‌بایست به این سیستم فکری مدرن که دموکراسی‌های موجود بر اساس آن شکل گرفته‌اند، مجهز باشند.

اروپا نگران گسترش شبکه تروریستی جمهوری اسلامی



● در چهار دهه گذشته جمهوری اسلامی دست کم ۳۶۰ عملیات تروریستی در ۴۰ کشور جهان انجام داده است. به این رقم باید کلیه اقداماتی را که به رسانه‌ها درز نکردند و در هاله سکوت قرار گرفتند نیز اضافه کرد.

اسلامی خواهان حمله پهلپادی و موشکی به مقر سازمان مجاهدین در آلبانی شد. در این دعوت به اقدامات تروریستی علیه آلبانی که در بسیاری از رسانه‌های حکومتی بازنشر شد، آمده است «چنانچه دولت‌های میزبان منافقین از اخراج و استرداد آنان شانه خالی کردند، باید با یادآوری دکترین امنیتی جمهوری اسلامی در جهت مبارزه با منشأ تهدیدات امنیتی علیه ایران و در مسیر مبارزه با تروریسم، دولت‌های میزبان به انجام اقدام متقابل تهدید شوند.»

خبرگزاری فارس برای توجیه این عملیات نظامی که مصداق تروریسم دولتی است دست به دامان منشور سازمان ملل متحد نیز می‌شود: «جمهوری اسلامی بایستی با استناد به اصل «مسئولیت حمایت» در جهت حمایت از آحاد ملت ایران و ذیل ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، اقدام نظامی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را در دستور کار قرار دهد. درواقع قواعد حقوق بین‌الملل به جمهوری اسلامی ایران این مجوز را می‌دهد که برای مقابله با یک فرقه تروریستی و حمایت از شهروندانش، از قدرت سخت علیه تروریست‌ها استفاده نماید. ظرفیت پهلپادهای تهاجمی و موشک‌های بالستیک ایران برای ضربه زدن به مقر منافقین در آلبانی هیچ منع حقوقی ندارد و مقامات تهران باید پس از اعلام هشدار لازم به دولت آلبانی، اقدام نظامی را در دستور کار قرار دهند.»

شاید نویسنده این خبرگزاری جمهوری اسلامی اطلاع نداشته باشد که آلبانی عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است و هرگونه اقدام نظامی علیه این کشور می‌تواند واکنش دیگر اعضا از جمله یکی از همسایگان ایران یعنی ترکیه را همراه داشته باشد. در هر حال این پیشنهاد تهدیدی آشکار و مهم برای اقدامات شاید نه نظامی ولی تروریستی است که مقامات آلبانیایی و دیگر کشورهای غربی بسیار جدی گرفته‌اند. سفارت آمریکا در تیرانا نیز از شهروندانش خواسته است نه تنها در نشست‌های مجاهدین به دلیل خطرات امنیتی شرکت نکنند، بلکه در تمام مدت حضور خود در این کشور بالکان تعقیب و مراقبت‌های ویژه انجام دهند.

تهدید علیه سوئد به اقدامات تروریستی

آلبانی تنها کشور اروپایی نیست که زنگ خطر اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در آن به صدا درآمده است. در سوئد نیز که اخیراً حمید نوری، دادیار زندان

جمهوری اسلامی از بدو تاسیس در ۴۳ سال پیش، همیشه از تروریسم به عنوان حربه‌ای برای قتل مخالفان نظام و تهدید دیگر کشورها استفاده کرده است. در هر زمانی که جمهوری اسلامی احساس کند مخالفت‌ها با نظام در داخل و خارج از مرزهایش در حال گسترش است و یا حلقه انزوای بین‌المللی‌اش تنگ‌تر می‌شود، استفاده از این حربه را در دستور کار قرار می‌دهد. هفته‌هاست که نیروهای امنیتی بسیاری از کشورها، از اروپا تا آسیا، نگران رشد شبکه تروریستی جمهوری اسلامی هستند و تمام کسانی را که به نوعی با این شبکه در ارتباطند زیر نظر گرفته‌اند.

آخرین کشوری که در این روزها سخت نگران فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی در خاک خود است، آلبانی است که میزبان بیش از دوهزار نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق است که از عراق به این کشور منتقل و در اردوگاهی در نزدیکی شهر دورس مستقر شده‌اند. این سازمان که همه ساله نشست‌های با حضور ده‌ها شخصیت سیاسی غیرایرانی برگزار می‌کند، امسال به خواست دولت آلبانی، آن را که قرار بود در دو روز اول مردادماه برگزار شود به زمان دیگری موکول کرد.

در روزهای قبل از زمان تعیین شده برای برگزاری این نشست، مامورین اداره مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم (SPAK) به خواست دادستانی جرائم سنگین (GJKKO) به خانه‌های ۲۰ نفر از اعضای سابق مجاهدین که نهادی را با نام «انجمن حمایت از ایرانیان مقیم آلبانی» (آسیلا) تشکیل داده‌اند و ظن همکاری آنها با نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات می‌رود، یورش بردند. این افراد ساعت‌ها مورد بازجویی قرار گرفتند و مأموران آلبانیایی از بازرسی منازل آنها شواهدی بر تماس آنها با نهادهای امنیتی در ایران یافتند. اداره مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم آلبانی معتقد است این افراد سرگرم جمع‌آوری اطلاعاتی در مورد مخالفان جمهوری اسلامی و فعالیت‌های آنها در این کشور بودند. اطلاعاتی که می‌توانست برای اقدامات تروریستی مورد استفاده قرار گیرد.

تهدید علیه آلبانی به حملات موشکی و پهلپادی

همزمان با این عملیات پلیسی علیه شبکه امنیتی جمهوری اسلامی، خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب



سرخان شهبانو فرح به مناسبت سالگرد درگذشت دومین پادشاه پهلوی:

شاهنشاه، ملت ایران شما را از یاد نبرده است



شاهنشاه،

سیاهی و دخالت چند کشور خارجی روی داد و عده زیادی از هم‌میهنان را گمراه کرد، نبود امروز جایگاه ایران بجای اینکه در انزوای بین‌المللی در تحریم‌های کمرشکن دست و پا بزند در صف اول کشورهای پیشرفته منطقه می‌بود. پس از ۴۳ سال که از آن روزهای تاریک می‌گذرد، ملت ایران شما را از یاد نبرده است. برای من، فرزندانان، اکثر ایرانیان و تاریخ ایران، جاودانی شما، در بیان شیوای حافظ شیراز، در جریده عالم ثبت است: هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق.

شما همیشه زنده‌اید و به شما اطمینان می‌دهم که کشور عزیزمان از این مهلکه نجات خواهد یافت و نور بر تاریکی پیروز خواهد شد.

قاهره / پنجم مرداد ۱۴۰۱

آنرا در اختیار کشورهایی که اسدالله اسدی به آنها سفر کرده و ملاقات‌هایی داشته، قرار داد. ایتالیا در کنار فرانسه، آلمان، جمهوری چک، مجارستان، بلژیک، هلند و البته اتریش که این دیپلمات- تروریست در آن اقامت داشت، یکی از این کشورهاست. مقامات امنیتی ایتالیا توانستند دو نفر از افرادی را که با اسدالله اسدی در تماس بودند و برای او اخباری از فعالیت‌های مخالفین را جمع‌آوری می‌کردند، شناسایی کرده و با اولین پرواز بدون حتی بازجویی به تهران برگرداند. بسیاری از کشورهای اروپایی تصور می‌کنند که با وارد نشدن به پرونده اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی می‌توانند به حفظ امنیت خود کمک کنند. اما بیش از ۳۶۰ عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در ۴۰ کشور در چهار دهه گذشته خلاف این تصور را ثابت می‌کند. به این رقم باید تمام اقداماتی را که رسانه‌ای نشدند و در سکوت کامل قرار گرفتند نیز اضافه کرد. بر خلاف کشورهای اروپایی و غیراروپایی، جمهوری اسلامی این سکوت و مداخلات را مشوقی برای انجام فعالیت‌های جاسوسی و اقدامات تروریستی ارزیابی می‌کند. برای جمهوری اسلامی استفاده از حربه تروریسم به بخش جدایی‌ناپذیری از سیاست خارجی‌اش جهت فشار و تاثیرگذاری تبدیل شده و تا زمانی که پاسخی جدی و محکم دریافت نکند دلیلی برای تغییر این سیاست نخواهد دید.

احمد رأفت

سکوت کشورهای اروپایی یعنی تشویق تروریسم

بازداشت و اخراج شهروندان جمهوری اسلامی متهم به طراحی و یا اجرای اقدامات تروریستی، در سکوت خبری، یکی از سیاست‌های بسیاری از کشورها است. در سال ۲۰۲۱ پلیس سوئد فرشته صناعی فرید و مهدی رضایی را که خود را افغان معرفی کرده بودند و تقاضای پناهندگی آنها با نام‌های جعلی سلما خرمائی و فواد ملک‌شاهی قبول شده و پس از سال‌ها اقامت در این کشور اروپایی شناسائی و متهم به فعالیت‌های تروریستی شده بودند، ولی دولت سوئد از محاکمه آنها با تراشیدن بهانه‌هایی طفره رفت، به ایران بازگرداند.

در پی دستگیری اسدالله اسدی دیپلمات تروریستی که در بلژیک به حبس ابد محکوم شده و دولت بروکسل امروز تلاش برای بازگرداندن او به تهران دارد، پلیس آلمان به دفترچه‌ای دست یافت که حکایت از گستردگی شبکه جاسوسی و تروریستی جمهوری اسلامی در اروپا دارد. اسدالله اسدی که به گفته مقامات امنیتی اروپا رابط عوامل تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی با وزارت اطلاعات در تهران بوده، در این دفترچه نام بسیاری از این عوامل و وجوه پرداختی به آنها را البته به صورت رمز ثبت می‌کرده است. پلیس آلمان پس از دستگیری اسدالله اسدی در اتوبانی در ایالت بایرن، با رمزگشائی از محتویات این دفترچه، محتوای

گوهردشت در تابستان خونین ۶۷ به اتهام جنایات جنگی و قتل عمد به حبس ابد محکوم شده، تهدیدهای تهران را بسیار جدی گرفته‌اند و نیروهای امنیتی و ضدتروریسم خود را در حالت آماده‌باش قرار داده‌اند. جمهوری اسلامی از آنجا که از اقدامات تروریستی در خاک دیگر کشورها ابائی ندارد، رسماً آنها را تهدید می‌کند. در مورد مشخص سوئد، پس از اعلام حکم حبس ابد برای حمید نوری نیز تهدیدات تکرار شد. کاظم غریب‌آبادی، معاون امور بین‌المللی قوه قضائیه روز ۳۰ تیر در یک پیام توئیتری نوشت «ایران بیکار نخواهد نشست» و در واکنش به محکومیت حبس ابد برای حمید نوری «چندین گزینه روی میز دارد!»

یکی از کشورهایی که تروریسم جمهوری اسلامی از آغاز در آن فعالیت گسترده دارد، ترکیه است. در ماه ژوئن و در روزهای گذشته ده نفر در این کشور به اتهام طراحی برای قتل چند توریست اسرائیلی و سفیر سابق اسرائیل در آنکارا و همسرش بازداشت شدند. رسانه‌های محلی که تصاویری از چند توریست در حال آماده ساختن این اقدامات تروریستی منتشر ساخته‌اند، می‌نویسند قرار بوده است که در این اقدامات از عوامل محلی استفاده شود و به آنها وعده پرداخت ۳۵ هزار دلار در ازای ترور هر شهروند اسرائیلی داده شده بود. ۱۵ تیرماه نیز دادگاهی در ترکیه چند نفر از بزهکاران ترک را به اتهام ترور مسعود مولوی وردنجانی، گرداننده کانال تلگرامی «جعبه سیاه»، به زندان‌های طولانی محکوم کرد، در حالی که قرار است به اتهامات شهروندان ایرانی این ترور، از جمله محمدرضا ناصر زاده کارمند کنسولگری سفارت جمهوری اسلامی در آنکارا نیز در دادگاه دیگری رسیدگی شود.

شبکه تروریستی جمهوری اسلامی در آسیای جنوب شرقی خربهایی که از چند کشور آسیایی می‌رسد نیز نگران‌کننده هستند. قاسم صابری گیل‌چالان که خرداد سال گذشته در اندونزی دستگیر و به دو سال زندان محکوم شد، اطلاعات گسترده‌ای در مورد شبکه تروریستی جمهوری اسلامی در کشورهای آسیای جنوب شرقی (اندونزی، تایلند و مالزی) در اختیار نهادهای امنیتی جاکارتا قرار داده است. به گفته قاسم صابری گیل‌چالان سرخ شبکه تروریستی جمهوری اسلامی در جنوب شرق آسیا در دست یک دیپلمات- تروریست ایرانی است که در سفارت این کشور در مالزی خدمت می‌کند. بر مبنای اطلاعاتی که قاسم صابری گیل‌چالان در اختیار نهادهای امنیتی اندونزی قرار داده است، هدف او از حضور در این کشور جمع‌آوری اطلاعات برای اقدامات تروریستی همزمان با نشست آینده اوپک بوده است. اجلاس آینده کشورهای صادرکننده نفت قرار است در پائیز ۲۰۲۲ در اندونزی برگزار شود.

در تایلند در ماه فروردین امسال یک مامور امنیتی جمهوری اسلامی که به اسم جهانگرد وارد بانکوک شده بود توسط پلیس این کشور برای چند روزی بازداشت و سپس بی‌سرودا به ایران بازگردانده شد. این فرد که نام او فاش نشده، لیست بیش از ۳۰ مسلمان افراطی تایلندی را همراه داشت که گمان می‌رود قرار بوده از آنها برای اقدامات تروریستی علیه جهانگردان اسرائیلی استفاده شود. در سال ۱۳۹۰ نیز تیمی تروریستی سه نفره‌ای که از ایران با هدف ترور شهروندان اسرائیلی به بانکوک سفر کرده بود، در پیامد انفجار بمبی که در حال ساختن آن بودند، زخمی و دستگیر و محاکمه شدند. آنها در مرداد ۱۳۹۹ بر مبنای توافقی مانند آنچه اخیراً در بروکسل به تصویب مجلس عوام بلژیک رسیده است، برای گذراندن دوران محکومیت خود به جمهوری اسلامی فرستاده شدند.

«مب اتم» هم «تضمین امنیتی» نمی آورد!

● اتفاقاً روسیه که زمامداران رژیم ولایت فقیه فکر می کنند دوست آنهاست، یکی از مخالفان جدی هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی است. اگر کره شمالی از پشتوانه تمام و کمال چین برخوردار است اما تهران چنین حمایتی را از سوی روسیه ندارد

به بن بست رسیدن مذاکرات برای «احیای برجام» مقامات جمهوری اسلامی را آتقذر نگران کرده که مجبور شدند برای تهدید غربی‌ها دست به اسلحه‌ای ببرند که رهبر نظام قبلاً نه تنها استفاده از آن بلکه ساختن‌اش را نیز «حرام» اعلام کرده بود.

تهدیدات صریح و مکرر

در کمتر از یک هفته کمال خرازی رئیس شورای راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و محمد جواد لاریجانی دبیر پیشین ستاد حقوق بشر قوه قضائیه تهدید کردند که ایران توانایی ساخت سلاح اتمی را دارد اما قصدی برای انجامش ندارد. عطاءالله مهاجرانی وزیر سابق ارشاد اسلامی در دولت محمد خاچی نیز اظهارات خرازی را تأیید کرد و در مقاله‌ای نوشت توانایی ساخت سلاح هسته‌ای نقطه پایان بر تهدیدات علیه جمهوری اسلامی است ولی نمی‌خواهیم بسازیم!

پس از این اظهارات بود که محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی نیز تهدید کرد در صورت ادامه فشارها بقیه دوربین‌های نظارتی آژانس نیز خاموش خواهد شد. وی برای نخستین بار اعتراف کرد با سانتریفیوژهای پیشرفته غنی‌سازی اورانیوم تا ۹۰ درصد هم تست شده است. سطحی از غنی‌سازی که به گفته کارشناسان تسلیحات اتمی نه برای مصارف صلح‌آمیز بلکه برای تولید بمب اتم نیاز است.

هر چند غربی‌ها همچنان به دنبال «دیپلماسی» برای مهار تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی هستند اما جمهوری اسلامی چهار نعل به سمتی حرکت می‌کند که به گفته‌ی رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «با ادعای صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی ایران در تضاد است.»

قابل توجه اینکه هر قدر غربی‌ها اصرار دارند در مورد «ابعاد نظامی» برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی کمتر حرف بزنند، به همان اندازه مقامات رژیم ابایی از تکرار تهدیدات اتمی ندارند! چنانکه محمود علوی وزیر اطلاعات پیشین جمهوری اسلامی نیز پیش از تهدیدات جدید گفته بود «مقام معظم رهبری فتوا داده که سلاح هسته‌ای حرام است اما اگر گربه را در گوشه‌ای گیر بیندازند، ممکن است رفتارش با وقتی که گربه آزاد است فرق کند!»

بر اساس اظهارات محمد اسلامی حکومت ایران قبل از آنکه غربی‌ها سراغ «طرح B» بروند تصمیم گرفت نسخه نهایی را به اجرا بگذارد و سطح غنی‌سازی اورانیوم را تا درصدی که برای ساخت سلاح لازم است برساند. اواسط بهمن‌ماه ۱۴۰۰ سعید جلیلی دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در نامه‌ای از علی خامنه‌ای خواست که نظام از برجام خارج شود و سطح غنی‌سازی اورانیوم را به ۹۰ درصد برساند و بعد با آمریکا وارد مذاکره مستقیم شود. همان راهی که رژیم ایران از مدت‌ها پیش در پیش گرفته است.

مب اتم به مثابه منجی نظام!؟

یکی از جریان‌های اصلی قدرت در جمهوری اسلامی بقای نظام را در دستیابی به سلاح اتمی می‌دانند و همواره با افزایش فشارهای بین‌المللی می‌گویند «چرا مثل کره شمالی نباشیم؟»



عکس یادگاری با موشک «ذوالفقار»

به نظر می‌رسد آنها تصور می‌کنند که در این مسیر از حمایت «شرق» به ویژه روسیه برخوردار خواهند بود.

البته برای کیم جونگ اون رهبر کره شمالی که از حمایت جمهوری خلق چین و دولت کمونیست آن برخوردار است، «سلاح اتمی» یکی از اصلی‌ترین عوامل بقای رژیم اوست. اما شرایط کره شمالی از نظر تاریخی و جغرافیایی و سیاسی و جنبش‌های اجتماعی از بنیان با ایران قابل مقایسه نیست!

مایک پمپئو تیرماه ۱۳۹۶ وقتی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا (CIA) بود نسبت به تغییر رژیم در کره شمالی به عنوان راهی برای خلع سلاح اتمی شبه جزیره کره ابراز تمایل کرد اما یک سال و نیم بعد پس از برکناری رگس تیلرسون در دولت دونالد ترامپ وقتی به عنوان وزیر خارجه منصوب شد رسماً اعلام کرد به دنبال تغییر رژیم در کره شمالی نیست. پمپئو حتی بعدها اعلام کرد در صورت خلع سلاح اتمی کره شمالی به پیونگ یانگ تضمین امنیتی می‌دهیم.

حسین موسویان که در زمان ترور فبیج مخالفان رژیم در رستوران میکونوس در برلین سفیر جمهوری اسلامی در آلمان بود در شهریور ۱۳۹۸ در یک مصاحبه گفته بود «اگر در دوره احمدی‌نژاد من تصمیم‌گیر بودم و می‌دیدم هزینه‌ای که من داده‌ام بالاتر از ساخت بمب است، بمب هم می‌ساختم و بعد مذاکره می‌کردم؛ چون من [منظورش جمهوری اسلامی] بدون بمب هزینه‌ای دادم بالاتر از هزینه کره شمالی. باید غنی‌سازی را بالا می‌بردیم نه فقط ۲۰، بلکه ۶۰ درصد چون ایران چیزی برای از دست دادن نداشت. در آن مرحله باید قدرت چانه‌زنی را بالا می‌بردیم!»

کاملاً روشن است که آنچه مقامات جمهوری اسلامی از غرب و آمریکا به عنوان «تضمین» می‌خواهند بیش از آنکه «تضمین برای عدم خروج مجدد از برجام» و «مسائل اقتصادی» باشد، کاملاً ساده‌لوحانه یک «تضمین امنیتی» برای بقای نظام است. تضمینی که هیچ دولت و هیچ ابرقدرتی نمی‌تواند به حکومتی دیگر بدهد چرا که سرنوشت حکومت‌ها همواره در داخل کشورها و توسط مردم آنها رقم می‌خورد!

در این میان، اگر نگرانی مقامات جمهوری اسلامی فقط دریافت تضمین برای عدم خروج آمریکا از توافق احتمالی می‌بود حتا در صورتی که آمریکا به هر دلیلی از برجام جدید خارج می‌شدند، تهران می‌توانست بار دیگر برنامه‌های اتمی خود را از سر بگیرد! چنانکه توافق اتمی سال ۲۰۱۵ موسوم به برجام نیز در زمان باراک اوباما نه تنها برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی را محدود نکرد بلکه میلیاردها دلار پول به جیب آیت‌الله‌ها سرازیر کرد که صرف توسعه برنامه‌های اتمی و تقویت شبه‌نظامیان و برنامه‌های موشکی جمهوری اسلامی

شد. ضمن اینکه چه در زمان آن مذاکرات و چه پس از آن، رژیم ایران، بنا بر اعتراف مقاماتش، همچنان به فعالیت‌های مخفی اتمی ادامه داد.

«تضمین امنیتی» برای بقا و مقابله با مردم

سردار پاسدار حسین دهقان مشاور علی خامنه‌ای اواخر آذرماه سال ۱۳۹۹ به آسوشیتدپرس گفت آمریکا و اسرائیل به دنبال دو چیزند: براندازی یا تسلیم نظام. او خواست آنها با «نظام کارکنند» و «به دنبال حذف موجودیت آن» نباشند. دهقان به روشنی گفت اگر آمریکا تغییر رویکرد بدهد و ایران و قدرتش را در منطقه به رسمیت بشناسند، هیچ مشکلی برای آنان ایجاد نمی‌شود.

حتا پیش از توافق اتمی در سال ۲۰۱۵ نیز منابع روسی گزارش دادند که جمهوری اسلامی از غرب «تضمین امنیتی» خواسته اما مقامات جمهوری اسلامی این خبر را رد کردند.

با در نظر گرفتن اینکه از نظر فنی اورانیوم ۹۰ درصدی به تنهایی برای ساخت سلاح اتمی کافی نیست و مراحل اساسی دیگر آن حمل کلاهک اتمی با موشک و همچنین هدایت آن است، جمهوری اسلامی برای گرفتن «تضمین امنیتی» جهت بقای خود با برگ «مب اتم» با چند مانع اساسی روبروست:

(۱) اختلاف میان جریان‌های قدرتمند نظام بر سر ساخت بمب اتم: فریدون عباسی دوانی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی نقل می‌کند محسن فخری‌زاده از متخصصان موشکی و اتمی جمهوری اسلامی برای سلاح اتمی سیستم ایجاد کرد اما جریان بین سال ۸۲ و ۹۲ نمی‌خواست او ادامه دهد و ایستایی به وجود آمد و سازمان انرژی اتمی نخواست به فخری‌زاده کمک کند و گفتند «ما می‌خواهیم برویم و با دنیا صلح کنیم.»

(۲) تفاوت موقعیت ژئوپلیتیک ایران با کره شمالی: کشورهای خاورمیانه در رقابت تسلیحاتی و مستعد هسته‌ای شدن هستند و دستیابی رژیم ایران به سلاح اتمی تحمل نمی‌شود. اتفاقاً روسیه یکی از مخالفان جدی هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی است. اگر کره شمالی از پشتوانه تمام و کمال چین کمونیست برخوردار است اما تهران چنین حمایتی را از سوی روسیه ندارد. دیمیتری مدودف رئیس جمهوری پیشین روسیه نیز در دوره‌ای که احمدی‌نژاد رئیس جمهور بود نسبت به نزدیک شدن جمهوری اسلامی به ساخت سلاح اتمی هشدار داده بود.

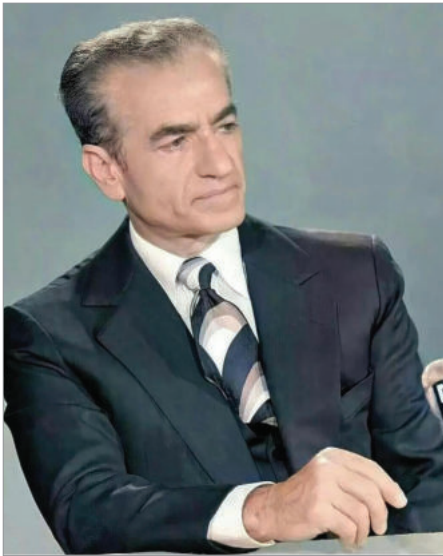
(۳) حفره‌های عمیق در ساختار امنیتی نظام: دست مأموران کشورهایایی که در معرض تهدیدات جمهوری اسلامی قرار دارند برای ترور عاملان اتمی یا خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای و استراتژیک نظام و عقب‌انداختن یا مختل کردن بخشی از آن کاملاً باز است و برگ «مب اتمی» را پیشاپیش می‌سوزاند.

(۴) شرایط اجتماعی کاملاً متفاوت ایران و کره شمالی: جمهوری اسلامی در صورت دستیابی احتمالی به بمب اتم حتا اگر بتواند تضمین امنیتی از قدرت‌های خارجی بگیرد اما در داخل با بحران‌های شدید اجتماعی و اقتصادی روبروست که بمب اتم پاسخگویی آن نیست چنانکه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به عنوان «ابرقدرت اتمی» فروپاشید. فروپاشی از درون همراه با اعتراضات گسترده اجتماعی اصلی‌ترین تهدید برای جمهوری اسلامی است که زمامدارانش نیز به آن اعتراف می‌کنند.

به این ترتیب به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی بیشتر «دچار یک خطای محاسباتی» برای تأمین امنیت و تضمین بقای خود شده است. با اینهمه گذشت زمان مشخص خواهد کرد که آیا قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به «گربه کنج فقس» اجازه «دستیابی به سلاح اتمی» می‌دهند یا نه! سلاحی که هرگز جمهوری اسلامی را در برابر عزم و اراده مردم و سپرده شدن به تاریخ، نجات نخواهد داد.

پنجم امرداد و گرامیداشت دومین پادشاه پهلوی و سفر شهبانو فرح به مصر

چگونه «جهاد تبیین» علی خامنه‌ای به ضد خود تبدیل می‌شود!



جمهوری اسلامی همواره بر آن متمرکز بوده است، بیشتر از آنکه جنبه سیاسی داشته باشد فرهنگی و اجتماعی بوده است. سفر سالانه‌ی این بانوی محبوب ایرانیان به قاهره نیز فرهنگی و اجتماعی است و اتفاقاً همین است که در بالاترین رده‌های نظام در مورد آن ابراز نگرانی می‌کنند و



علی خامنه‌ای و کارگزارانش از آن به عنوان «نفوذ فرهنگی» نام برده‌اند.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور پنجم امرداد در گردهمایی سراسری ائمه جمعه با تأکید بر اینکه دشمن جنگ فرهنگی عظیمی را همراه با جنگ امنیتی به راه انداخته است هشدار داد «دشمنان تلاش می‌کنند نفوذ خود را با سرپله‌های جدید بر ما تحمیل کنند».

او در این سخنرانی با اشاره به افزایش ناراضی‌ها به خاطر مشکلات اقتصادی گفت: «امروز دشمن در کنار جنگ

امنیتی یک جنگ فرهنگی بزرگ را به راه انداخته

سلطنت به ایران» را جدی دانست و هشدار داد «کسانی که می‌خواهند ارزش‌های دوره سلطنت از جمله بی‌حجابی را ترویج کنند از جمله کسانی هستند که می‌خواهند ارزش‌های طاغوت را احیا کنند».

شهبانو فرح کمی پیش از این سفر در بیانیه‌ای با حمایت از مبارزه آزادیخواهان مردم ضد حکومت جمهوری اسلامی از بازداشت شدگان حمایت کرد و بر حق مردم برای داشتن آزادی در انتخاب سبک زندگی، عقیده و پوشش حمایت کرد. کمتر از یک ماه بعد از اعلام شکست مذاکرات اتمی میان نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا در دوحه با بالا گرفتن تنش‌های سیاسی و امنیتی میان جمهوری اسلامی و اسرائیل دولت مصر رسماً به جمهوری اسلامی در مورد هرگونه اقدام مخفیانه در این کشور به ویژه علیه شهروندان اسرائیلی هشدار داد.

هشدار به رژیم ایران در مورد اقدامات ضدامنیتی در خاک مصر در شرایطی صورت گرفت که گزارش شده بود نمایندگان جمهوری اسلامی و مصر در مسقط در دیداری محرمانه برای بهبود روابط دوجانبه توافق کرده‌اند.

مقامات امنیتی مصر به تهران اعلام کردند که کشورشان در گذشته در هیچ ائتلاف و اتحادی علیه جمهوری اسلامی حضور نداشته، اما اگر حکومت ایران قصد حمله به اسرائیل را داشته باشد، مصر نیز در سیاست قبلی خود تجدید نظر خواهد کرد. در این میان، روشن است که معامله با غربی‌ها برای رژیم

هرچند سفر سالیانه شهبانو فرح به مصر غیرسیاسی و شخصی به شمار می‌رود اما وی در همه دولت‌های مصر که پس از ترور انور سادات روی کار آمدند نیز همواره مورد عزت و احترام و تکریم قرار گرفته است. همین موضوع برای مقامات جمهوری اسلامی اصلاً خوشایند نیست به ویژه در شرایطی که به فرمان علی خامنه‌ای، نهادها و دستگاه‌های عریض و طویل مغزشویی و تبلیغاتی علیه پهلوی‌ها «جهاد تبیین» به راه انداخته‌اند تا مردم را قانع کنند که پهلوی‌ها «خوب» نبودند و جمهوری اسلامی برای مردمی که کمرشان زیر انواع فشارها خم شده است، برکت آورده است!

شهبانو فرح پهلوی که برای یادبود سالگرد درگذشت همسر خویش محمدرضا شاه پهلوی به قاهره سفر کرده بود ۲۶ ژوئیه (۴ امرداد) بر مزار انور سادات رئیس جمهور فقید مصر و همسرش جهان سادات حاضر شد و با نثار تاج گل یاد آنها را نیز که همواره دوست و یار دومین پادشاه پهلوی و ایران شاهنشاهی بودند گرامی داشت.

هرچند سفر سالیانه شهبانو فرح به مصر غیرسیاسی و شخصی به شمار می‌رود اما وی در همه دولت‌های مصر که پس از ترور انور سادات روی کار آمدند نیز همواره مورد عزت و احترام و تکریم قرار گرفته است. همین موضوع برای مقامات جمهوری اسلامی اصلاً خوشایند نیست به ویژه در شرایطی که به فرمان علی خامنه‌ای، نهادها و دستگاه‌های



شهبانو فرح در مراسم یادبود شاه فقید / قاهره / پنجم امرداد / ۱۴۰۱ / ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۲

ایران حیاتی است و با هر ترفندی به دنبال توافق با غرب است تا شریان‌های خشک‌شده‌ی نظام را از بی‌پولی نجات دهد. در مقابل اما مخالفان جمهوری اسلامی از جمله شاهزاده رضا پهلوی معتقدند چنین توافقی «بخشیدن حیات دوباره به رژیم است».

مقامات جمهوری اسلامی یکی از اصلی‌ترین موانع معامله با غرب را مانع‌تراشی‌های اسرائیل می‌دانند. آنها حتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را متهم می‌کنند که تحت تأثیر «لابی صهیونیست‌ها» به جمهوری اسلامی فشار می‌آورد.

اما آنچه شهبانو فرح پهلوی برای تقویت صدای مخالفان

عریض و طویل مغزشویی و تبلیغاتی علیه پهلوی‌ها «جهاد تبیین» به راه انداخته‌اند تا مردم را قانع کنند که پهلوی‌ها «خوب» نبودند و جمهوری اسلامی برای مردمی که کمرشان زیر انواع فشارها خم شده است، برکت آورده است! اما امسال نیز شهبانو فرح در سفر به مصر با استقبال روبرو شد و نظامی‌های این کشور کنار شهبانو وی برای گرفتن عکس یادگاری صف کشیدند.

درست همزمان با اینکه اکانت توئیتری شهبانو فرح پهلوی تصویری از سفرش به مصر را منتشر کرد، احمد خاتمی امام جمعه موقت تهران در سخنرانی در اصفهان «خطر بازگشت

از سوی دیگر نظام جمهوری اسلامی در تنگنایی گیر افتاده که محور آن را نارضایتی‌های عمومی داخلی از ناکارآمدی نظام تشکیل می‌دهد که همزمان در ورشکستگی سیاست خارجی آن نیز بازتاب می‌یابد.

فریدون مجلسی تحلیلگر سیاسی و از دیپلمات‌های پیشین جمهوری اسلامی در مورد دلایل «بن‌بست مذاکرات اتمی»

گفت «در زمان شاه لباس ما لباس غربی شد و فرهنگ غربی را به کشور آوردند، همچنین جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را با کارهای ضداخلاقی، سلطنتی و تاجگذاری اجرا کردند.»

مقامات جمهوری اسلامی به این باور رسیده‌اند که بخش عظیمی از فشارهایی که از داخل و بیرون کشور با آن مواجهه‌اند با تکیه بر پهلوی‌هاست اما واقعیت این است

است که این جنگ مربوط به مبانی فکری و نگرش ماست... برای مثال در موضوع عفاف و حجاب، نگاه انسان‌گرایانه را به نگاه کالبدگرایانه و جسدگرایانه تغییر داده‌اند!

سردار پاسدار محمد قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در جلسه با وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی و مدیران



ویدئو

به روزنامه «شرق» می‌گوید آنچه شرایط کنونی را برای احیانشدن برجام رقم زده است، به شرایط سیاسی داخلی در ایران بازمی‌گردد، نه تحولات جهانی. او تأکید می‌کند که به‌واقع باید پذیرفت پس از انتخابات ۱۴۰۰ و یکدست‌سازی قدرت عملاً سیاست خارجی ایران و هم سیاست داخلی

که این مردم هستند که در داخل کشور و با شعارهای خود از پهلوی‌ها حمایت می‌کنند و آن دوران و خدمات آنها را الگویی بهتر برای کشور و رشد زندگی خود می‌دانند.

پیوند زدن اقبال مردم به پهلوی‌ها با «برنامه‌ریزی نظام سلطه» درواقع خطی است که نهادهای امنیتی برای



این وزارتخانه نسبت به «جنگ شناختی» دشمنان هشدار داد و گفت آنها در حال اجرای سناریویی هستند که هدف آن از بین بردن امید مردم به خصوص جوانان و القای حس بن‌بست به آنهاست. وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی نیز هشدار داد برنامه دشمن برای ضربه زدن به نظام اقداماتی



عکس یادگاری نظامیان مصری با شهبانو فرح پهلوی

دچار یک دگرگونی اساسی شد. ترجمه صریح این نظر این است که مردم ایران با تحریم انتخابات مایشی ۱۴۰۰ میدان بازی «اصلاح‌طلب- اصولگرا» را از نظام گرفتند و با روی کار آمدن سیدابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» چهره و ماهیت واقعی جمهوری اسلامی بیش از همیشه نشان داده می‌شود. این در حالیست که یکی از اصلی‌ترین عوامل تحریم انتخابات مایشی ۱۴۰۰، کارزار بزرگی بود که حامیان پهلوی‌ها در داخل و خارج از کشور از جمله با «نه به جمهوری اسلامی» به راه انداختند و اثرات آن امروز نه فقط در داخل کشور بلکه در ابعاد بین‌المللی نیز دیده می‌شود.

موج‌سازی در کارزار «جهاد تبیین» به راه انداخته‌اند و گرنه کیست که نداند دولت‌های خارجی به ویژه غربی‌ها به دنبال هر فرصتی برای مداخلات و معامله با جمهوری اسلامی می‌گردند و برجام یکی از آنهاست. تا کنون نیز شاهزاده رضا پهلوی همواره به آنها گوشزد کرده و هشدار داده است که بین دوگانه‌ی یا جنگ یا مداخلات که شما با رژیم اسلامی در ایران در پیش گرفته‌اید، یک امکان مهم دیگر نیز وجود دارد که به سود همه، جز جمهوری اسلامی، است: دفاع از مبارزات آزادیخواهانه مردم و کمک به آنان برای برقراری دموکراسی در ایران!



بر اساس نارضایتی مردم است. در مورد رابطه میان «نگرانی نظام از جنگ فرهنگی» و «پهلوی‌ها» رئیس مجمع بسیجیان اصفهان در مورد «جنگ شناختی» سوم امرداد در یک سخنرانی می‌گوید عوامل و بازیگران جنگ شناختی که در رأس آنها نظام سلطه قرار دارد، در حال توطئه و برنامه‌ریزی، مدیریت و هدایت هستند تا سلطنت‌طلب‌ها را به قدرت بازگردانند. در مورد نگرانی جمهوری اسلامی از روش و منش شهبانو پهلوی در حمایت از مردم ایران باید به این بخش از صحبت‌های رئیس مجمع بسیجیان اصفهان اشاره کرد که

هشدار کارشناسان اقتصاد درباره اعتراضاتی بزرگتر از آبان ۹۸؛ نظام مثل «برف در تابستان آب می‌شود»!



کار اجرایی ندارد! او در قوه قضاییه مشغول بوده و سیستم کاری و ماهیت آنجا با کار اجرایی کاملا متفاوت است! کار آقای رئیسی در قوه قضاییه بیشتر «دستوری» بوده و اتفاقا همین مورد هم یکی از نقاط ضعف بزرگ اوست چون می‌خواهد با امر و نهی اقتصاد مملکت را درست کند در صورتی که باید بداند [اقتصاد] اصلا دستور نمی‌فهمد! رئیسی فکر می‌کند کار اجرایی هم مثل دادگاه است که با امر و نهی مسائل را حل کند! آقای مخبر، معاون اول رئیس جمهور نه اقتصاد خوانده نه هیچ چیزی از اقتصاد سرش می‌شود، رئیس سازمان برنامه بودجه و رئیس بانک مرکزی اصلا اقتصاد نخوانده‌اند، از سویی دیگر آقای خاندوزی هم که اقتصاد خوانده، هیچ تجربه کار اجرایی در خصوص مسائل اقتصادی را نداشته و ندارند!

همانطور که مرتضی افقه نسبت به افزایش بیشتر قیمت‌ها در ماه‌های پیش رو هشدار داده آمارهای تورمی در چند ماه گذشته نیز بیانگر همین روند در اقتصاد ایران است. برای نمونه تورم گروه خوراکی‌ها در خردادماه امسال ۸۱/۶ درصد بود اما در تیرماه با ۴/۵ درصد افزایش به ۸۶ درصد رسیده است.

ناتوانی تیم اقتصادی دولت سیزدهم در حل مشکلات کشور از سوی همایون دارابی فعال بازار سرمایه نیز مورد توجه قرار گرفته است. همایون دارابی در گفتگو با وبسایت اقتصاد ۲۴ گفته که یکی از عوامل مهم جهت مهار تورم افزایش نرخ بهره است و یکی از چالش‌برانگیزترین روش‌های مهار تورم در ایران افزایش نرخ بهره بوده که متاسفانه به دلیل ریشه تورم در ایران که عموماً از بعد کمبود عرضه و افزایش هزینه تولید است، کارآیی ندارد.

این فعال بازار سرمایه نیز قیمت‌گذاری دستوری را «تله‌ای» خوانده که گریبان خود دولت را هم گرفته است: «تله قیمت‌گذاری دستوری بعد از زیان‌دهی و ایجاد مشکل برای بنگاه‌ها گریبانگیر خود دولت شده و همین مسئله به اعتراضات جامعه در حوزه حامل‌های انرژی که دژ مستحکم قیمت‌گذاری دستوری در ۴ دهه اخیر بوده منجر شده است.»

همایون دارابی افزوده «افزایش بهره بانکی به

بدتر خواهد شد. مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه جندی‌شاپور یکی از اثرات افزایش رکود تورمی در ایران را گسترش نارضایتی‌ها عنوان کرده و توضیح داده که «مردم مدت‌هاست که اعتراضات خود را فریاد می‌زنند. یک روز نیست که اعتصاب و تجمعی در خصوص مسائل معیشتی میان اصناف مختلف نداشته باشیم؛ به صنف معلمان و بازنشستگان نگاه کنید.»

این اقتصاددان معتقد است که «متأسفانه ما در آبان ۹۸ بسیاری از هموطنانمان را از دست دادیم و به اعتقاد بنده با توجه به بودجه رکوردی امسال، فقر همگانی و به نتیجه نرسیدن برجام شاهد اعتراضات به مراتب بزرگ‌تر از قبل خواهیم بود. اگر آقایان با همین فرمان جلو بروند شاهد تنش‌های سیاسی و اجتماعی فراوانی در جامعه میان مردم و حاکمیت خواهیم بود.»

این تحلیلگر اقتصادی تأکید کرده «این وعده‌ها نه تنها غیرقابل تحقق است بلکه فاصله آنچه که در واقعیت رخ می‌دهد با آن چیزی که این جماعت ادعایش را دارند فرسنگ‌ها فاصله دارد. رئیسی و دوستانشان در زمان انتخابات این حرف‌ها را می‌زدند ما گفتیم برای رأی جمع کردن است اما الان که وارد دولت شدند و از سویی دیگر ناکامی‌هایی که داشته‌اند، باز هم شروع به وعده دادن می‌کنند، این مقداری تعجب‌برانگیز است.»

مرتضی افقه با اشاره به حذف ارز ترجیحی از ابتدای امسال که تورم مواد خوراکی را به بالای ۸۰ درصد رساند گفته که «تیم دولت سیزدهم خیلی ساده‌لوحانه برآورد کرده بودند که این اقدامشان تنها قیمت سه الی چهار کالا را بالا می‌برد! حالا وقتی با این تصمیم‌شان اینهمه خسارت به مردم وارد کردند، این عقب‌نشینی یک شکست دیگر است. دولت رئیسی باید در رفتارهایش تجدید نظر کند. تیم دولت نه تجربه کافی دارند نه تخصص لازم را! خیلی بعید است با این عقب‌نشینی قیمت‌ها کنترل شود، حتی بالفرض شاید کنترل شود اما هرگز کاهش پیدا نخواهد کرد.»

او همچنین با انتقاد از سیاست‌های «دستوری» که در دولت ابراهیم رئیسی تشدید شده گفته که «آقای رئیسی تجربه

● کارشناسان معتقدند در صورت برداشته نشدن تحریم‌ها و ادامه شیوه کنونی سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصادی، وضعیت شاخص‌ها بدتر خواهد شد.

● مرتضی افقه: با توجه به بودجه رکوردی امسال، فقر همگانی و به نتیجه نرسیدن برجام شاهد اعتراضات به مراتب بزرگ‌تر از قبل خواهیم بود.

● حسین مرعشی فعال اصلاح‌طلب: نظام «مثل برف در تابستان آب می‌شود» و «اگر یک پروسه واقعی اصلاحی در کشور آغاز نشود و اگر این روند مخرب فعلی تکرار شود و متوقف نشود، وضعیت اسفناکی در انتظارمان خواهد بود!»

ادامه تحریم‌های اقتصادی به دلیل در بن‌بست قرار گرفتن مذاکرات هسته‌ای و شیوه مدیریت اقتصادی کشور از سوی تیم اقتصادی دولت رئیسی سبب افزایش رکود تورمی، افزایش فاصله طبقاتی و بزرگ‌تر شدن جمعیت فقرا و تنگدستان در ایران شده است. کارشناسان اقتصادی نسبت بروز «اِپرتورم» در ماه‌های پیش رو و همچنین احتمال تظاهراتی گسترده‌تر از اعتراضات سراسری آبان ۹۸ هشدار می‌دهند.

تورم نقطه به نقطه در تیرماه ۱۴۰۱ رکورد ۲۶ ساله این شاخص اقتصادی در ایران را شکست و به ۵۴ درصد رسید. نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» با افزایش ۴/۴ واحد درصدی به ۸۶ درصد و گروه «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» با افزایش ۱/۰ واحد درصدی به ۳۶/۹ درصد رسیده است.

این ارقام به این معناست که خانوارهای ایرانی بطور متوسط در تیرماه امسال ۵۴ درصد بیشتر از تیرماه سال گذشته برای خرید یک سبد مشخص از کالا هزینه کردند و این افزایش هزینه در اقلام خوراکی ۸۶ درصد بوده است. چنین رقم‌های هولناکی بیانگر فقر گسترده در جامعه ایران و مشکلات خانوارها برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی است.

در همین رابطه کارشناسان و فعالان اقتصادی، شاخص‌های اقتصاد ایران را هشدارآمیز ارزیابی کرده و معتقدند در صورت برداشته نشدن تحریم‌ها و ادامه شیوه کنونی سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصادی، وضعیت شاخص‌ها

دور تازه و پُرشتاب اعدامها در جمهوری اسلامی؛ دست کم ۲۵۱ اعدام در شش ماه!



مبتلا به بیماری دوقطبی روز چهارشنبه ۲۲ تیرماه به اتهام مرتبط با مواد مخدر در زندان دستگرد اصفهان اعدام شده است. حکم اعدام این زندانی که محسن صفری نام داشته، باوجود تأیید ابتلایش به اختلال دوقطبی از سوی پزشکی قانونی، اجرا شده است.

صفری در سال ۱۳۸۸ با ۹ کیلو و ۶۵۰ گرم هروئین دستگیر و از سوی دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد.

همچنین پس از انتشار آمار تقریبی اعدامها از سوی دو سازمان حقوق بشری خارج از ایران، طرف دو روز گذشته، سه نفر از جمله یک سرباز به اتهام قتل در زندانهای سنج و رشت به دار آویخته شده‌اند.

طبق تحلیل مشترک سازمان عفو بین‌الملل و بنیاد عبدالرحمن برومند، از ابتدای سال میلادی، «بطور متداوم» اعدامهای «دستجمعی در زندانهای سراسر ایران» صورت گرفته است. در این بین، حداقل ۶۵ نفر (۲۶ درصد) از اعدام‌شدگان متعلق به بلوچها بوده‌اند که نیمی از آنان به دلیل جرائم مرتبط با مواد مخدر اعدام شده‌اند.

این گزارش می‌افزاید: «اعدام حداقل ۸۶ نفر برای جرائم مرتبط با مواد مخدر در شش ماه اول سال میلادی ۲۰۲۲ یادآور برخورد مقامات ایران با جرائم مواد مخدر در سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ است، سالهایی که اکثر اعدامهای صورت گرفته به دلیل جرائم مرتبط با مواد مخدر بودند.»

دیانا الطحاوی معاون مدیر دفتر خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین‌الملل می‌گوید: «در شش ماه اول سال میلادی جاری، مقامات ایرانی حداقل روزی یک نفر را به طور متوسط اعدام کرده‌اند. دستگاه حکومتی در حال انجام تهاجمی شنیع به حق حیات انسانها و ارتکاب کشتارهایی در مقیاسی وسیع در سراسر ایران است. آمار سراسر اعدامها در ایران در نیمه اول سال جاری، یادآور سال ۲۰۱۵ است که در آن جهش تکان‌دهنده‌ای مجدداً در میزان اعدامها صورت گرفت.»

رویا برومند، مدیر اجرایی بنیاد عبدالرحمن برومند می‌گوید: «افزایش مجدد آمار اعدامها در ایران و از سرگیری اعدام در ملاء عام در حالی که ۱۴۴ کشور در جهان مجازات اعدام را در قانون منع یا در عمل متوقف کرده‌اند، بار دیگر یادآور این است که ایران چقدر از تحولات باقی دنیا عقب مانده است. مقامات باید فوراً در راستای لغو کامل مجازات اعدام در ایران دست به تعلیق رسمی همه احکام اعدام صادره بزنند.»

● سازمان عفو بین‌الملل و بنیاد عبدالرحمن برومند اعلام کرده‌اند رژیم ایران دور «پرشتاب تازه‌ای» از اعدامها را به راه انداخته و حداقل ۲۵۱ نفر را در شش ماهه نخست سال ۲۰۲۲ (۱۱ دی تا ۹ تیر ۱۴۰۱) اعدام کرده است.

● بر مبنای این گزارش، اکثر اعدام‌شدگان شامل ۱۴۶ نفر از آنان به اتهام «قتل» و حداقل «۸۶ نفر» نیز به دلیل جرائم مواد مخدر به دار آویخته شده‌اند.

● خردامه‌امسال، گزارش سازمان عفو بین‌الملل حاکی از آن بود که «۵۴ درصد از کل اعدامهای ثبت‌شده جهان در ایران اجرا شده است.» جمهوری اسلامی در سال گذشته میلادی با اجرای دست کم ۳۱۴ حکم اعدام بار دیگر پس از چین در جایگاه دوم جهان قرار گرفت.

به گزارش سازمان عفو بین‌الملل و بنیاد برومند، جمهوری اسلامی بیش از ۲۵۰ نفر را در شش ماهه نخست سال ۲۰۲۲ اعدام کرده که اکثر آنها مربوط به جرم قتل بوده است. یک مجرم با بیماری «دوقطبی» نیز در میان اعدام‌شدگان است. سازمان عفو بین‌الملل و بنیاد عبدالرحمن برومند اعلام کرده‌اند رژیم ایران دور «پرشتاب تازه‌ای» از اعدامها را به راه انداخته و حداقل ۲۵۱ نفر را در شش ماهه نخست سال ۲۰۲۲ (۱۱ دی تا ۹ تیر ۱۴۰۱) اعدام کرده است.

بر مبنای این گزارش، اکثر اعدام‌شدگان شامل ۱۴۶ نفر از آنان به اتهام «قتل» و حداقل «۸۶ نفر» نیز به دلیل جرائم مواد مخدر به دار آویخته شده‌اند.

خردامه‌امسال، گزارش سازمان عفو بین‌الملل حاکی از آن بود که «۵۴ درصد از کل اعدامهای ثبت‌شده جهان در ایران اجرا شده است.» جمهوری اسلامی در سال گذشته میلادی با اجرای دست کم ۳۱۴ حکم اعدام بار دیگر پس از چین در جایگاه دوم جهان قرار گرفت. آنگونه که پیشتر رسانه‌های داخلی نیز نوشته‌اند، رژیم ایران امردادماه را با اعدام یک شهروند در ملاء عام در شیراز آغاز کرد که اولین اعدام پس از یک وقفه دو ساله، در دوران همه‌گیری کرونا به شمار می‌رفت.

ایمان سبزی‌کار جوقناتی، ۲۸ ساله و اهل یاسوج، زندانی اعدام شده متهم بود که روز پنجشنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۰ به همراه عده‌ای دیگر با ماموران پاسگاه بیدزرد در استان فارس درگیر شده و در جریان این درگیری علی‌اکبر زنجری یکی از این ماموران را با ضربه چاقو به ناحیه گردن و شاهرگ به قتل رسانده است. در کنار این، سازمان حقوق بشر ایران می‌گوید یک زندانی

افزایش شدید نقدینگی، تشدید ناترازی بانکها و به رشد بیشتر بهای کالاها و کاهش ارزش پول ملی منجر می‌شود؛ درواقع دولت با بالا بردن نرخ بهره، مجبور به چاپ پول بیشتر برای پرداخت نرخ بهره بوده و این پول بیشتر با سرازیر شدن با بازارها از جمله ارز و مسکن خود تورم را مجدداً بالا می‌برد.»

این فعال اقتصادی با هشدار نسبت به بروز «آبرتورم» تا سال آینده در صورت ادامه روند کنونی سیاست‌گذاری اقتصادی یادآوری کرده که امسال دوباره دولت هر ۳ روش اشتباه گذشته را در پیش گرفته است، از یکسو به دنبال کاهش عوارض و حقوق گمرکی برای واردات ارز است و با وجود اینکه ارز چندانی در اختیار دولت وجود ندارد، ولی تحت فشار مجبور به افزایش واردات شده که خبری دردناک برای صنایع رو به اضمحلال کشور است؛ در کنار آن نرخ بهره نیز مجدداً در سطح بین بانکها به مرز ۲۲ درصد رسیده و در نهایت دولت ابتدا با تغییر قیمت مصرف کننده به قیمت تولیدکننده و در گام بعدی با تلاش برای قیمت‌گذاری با سختگیری شدید تلاش دوباره‌ای را برای تکرار گذشته صورت داده است.

افزایش نقدینگی در کشور یکی از عوارض رویکردهای اقتصادی دولت رئیسی است. آمارهای بانک مرکزی نشان داد کل نقدینگی خردامه‌امسال به ۵ هزار و ۱۰۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. همچنین میزان پول خلق شده در این ماه صعودی قرار بوده و اکنون به بالاترین سطح خود در یک دهه گذشته رسیده است.

اقتصاددانان اعتقاد دارند رشد پول نمادی از انتظارات تورمی در زمان حال بوده و شبه‌پول‌علامتی از این انتظارات در آینده است. یعنی زمانی که سهم پول در اقتصاد افزایش پیدا می‌کند افراد نسبت به حال بدبین هستند و زمانی که شبه‌پول رشد داشته باشد این بدبینی نسبت به آینده بیشتر خواهد بود. افزایش بدبینی به شرایط آینده اقتصاد سبب بروز انتظارات تورمی در اقتصاد شده و نرخ تورم را افزایش می‌دهد. در این میان هراس از اینکه عوارض وضعیت اقتصادی، ریشه‌های جمهوری اسلامی را از پا در آورد سبب واکنش برخی اصلاح‌طلبان شده و خواسته‌اند که «به داد رهبری برسید!»

حسین مرعشی فعال اصلاح‌طلب و دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی مدعی شده که هیچکس به غیر از علی خامنه‌ای «قادر نیست به داد مملکت برسد!» او گفته: «نه رئیس جمهور، نه رئیس قوه قضائیه، نه رئیس قوه مقننه، نه جمع‌شان و نه فردشان»، هیچکس جز رهبر حکومت اسلامی قادر به نجات کشور نیست و همه کسانی که به گفته او به آینده جمهوری اسلامی و «عزت شخص سیدعلی خامنه‌ای» فکر می‌کنند باید جمع بشوند و از او بخواهند که تا دیر نشده یک روند واقعی اصلاحی در کشور را به اجرا بگذارد! حسین مرعشی هشدار داده است که نظام «مثل برف در تابستان آب می‌شود» و «اگر یک پروسه واقعی اصلاحی در کشور آغاز نشود و اگر این روند مخرب فعلی (فرار سرمایه، فرار تحصیل‌کرده‌ها، کوچک شدن طبقه متوسط، تورم سنگین، نارضایتی بالا) تکرار شود و متوقف نشود، وضعیت اسفناکی در انتظارمان خواهد بود!»

حسین مرعشی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به افزایش تورم به ۶۰ و حتی به بیش از ۱۰۰ درصد طی یک سال اخیر افزوده است که علاوه بر دولت، سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بان‌نستستی با کسری بودجه روبرو هستند و قادر به پرداخت حقوقها و مقرریها نیستند و جبران این کسریها با افزایش بی‌رویه نقدینگی نرخ تورم را سه رقمی می‌کند.

آمریکا، بلکه با استفاده از پول ملی امارات متحده عربی معامله کنند. بر این اساس، معاملات بیشتری با درهم امارات انجام خواهد شد زیرا مسکو به دنبال پیدا کردن راه گریزی از تحریم‌هاست.

بر اساس این گزارش، از یک پالایشگاه هندی خواسته شده که پول را به درهم بپردازد، اگرچه این رقم ابتدا به دلار محاسبه شده است. پرداخت به درهم از طریق بانک مشرق در دبی به گازپروم بانک انجام شد. حداقل دو پالایشگاه هندی قبلاً برخی از معاملات را برحسب درهم تسویه کرده‌اند، و به زودی معاملات بیشتری انجام می‌شود زیرا شرکت‌های تجاری مورد استفاده روس نفت به تازگی تقاضای پرداخت به درهم در این ماه را شروع کرده‌اند.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد دولت روسیه با سازماندهی اخبار به دنبال جلوگیری از ایجاد انتظارات تومری در بازار این کشور و جلوگیری از سقوط بیشتر ارزش روبل در برابر دلار است. برای نمونه آژانس رتبه‌بندی اعتباری روسیه روز دوشنبه گزارش داد که بانک‌های این کشور در ماه دسامبر گذشته، «پنج میلیارد دلار» اسکناس وارد کشور کرده‌اند که دو برابر ماه مشابه در سال ۲۰۲۰ است. هنوز وضعیت انتقال دلار آمریکا به کشور توسط بانک‌های روسی در سال جاری میلادی مشخص نیست، اما قطع دسترسی شرکت‌های روسی به سیستم مالی آمریکا و دلار تهدیدی جدی بر اقتصاد روسیه است. در آنسو اما مقامات جمهوری اسلامی استفاده از برای روسیه از ایران برای کم‌اثر کردن تحریم‌های اروپا را به عنوان یک پیروزی برای ایران به مردم نمایش می‌دهند و کارشناسان حکومتی تلاش می‌کنند تا جمهوری اسلامی را به عنوان الگوی روسیه برای دور زدن تحریم‌ها قلمداد کنند.

علی‌و‌دایع که در رسانه‌های جمهوری اسلامی به عنوان کارشناس مسائل فدراسیون روسی معرفی می‌شود در گفتگو با خبرنگاری دانشجوی مدعی شده که «ورود روبل به بازار ارز ایران اتفاق بسیار خوبی بود که البته باید زودتر اتفاق می‌افتاد. تحریم روسیه از سوی غرب نیز باعث شده تا از تجربه ایران در زمینه دور زدن تحریم‌ها و اقتصاد مقاومتی در مواجهه با جنگ اقتصادی با غرب استفاده کند.»

در این میان هستند کارشناسان و تحلیلگرانی که نگاهی واقع‌گرایانه به رویکرد جدید مالی روسیه و ایران دارند. علی اصغر سمیعی رئیس پیشین کانون صرافان با بیان اینکه بازار متشکل ارزی «بازاری ساختگی و غیرواقعی و رانتی» است گفته که «حتی راجع به دلار و یورو و ارزهای معتبری هم که در بازار متشکل ارزی مورد معامله قرار می‌گیرند، قیمت‌های واقعی داده نمی‌شود، تا چه رسد به پول ضعیف و تک‌بعدی و مهجوری به اسم روبل که خودش در حال حاضر تحت تحریم‌های خردکننده غربی‌ها قرار دارد و از طرف دیگر، نرخ بهره بانکی برای روبل روسیه بالای ۲۰ درصد برآورد می‌شود.» علی اصغر سمیعی به مردم هشدار داده که خرید و نگهداری روبل آنها را در زیان قرار خواهد داد: «بجز در خود روسیه، در جاهای دیگر دنیا محل چندانی از اعتبار ندارد. درواقع نگهداری‌کننده روبل، دائماً در حال زیان خواهد بود، مثل کسی که در تابستان داغ، بخواهد تجارت یخ بکند. بعلاوه اینکه خروج روبل از روسیه هم نیاز به مجوزهای خاص از مقامات اقتصادی روسیه دارد.»

علی شریعتی عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران هم با تأکید بر اینکه همچنان سفارت روسیه در تهران برای صدور ویزا «دلار» می‌گیرد و نه «روبل»، گفته که «نه بعد از جنگ اوکراین، تقاضای زیادی برای روبل داریم و نه روبل یک واحد قابل اتکا از نظر مردم است. نمونه عینی‌اش، سفارت روسیه برای ویزا، دلار می‌گیرد، یعنی می‌داند که روبل قابل اتکا و در دسترس نیست.»

سوء استفاده روسیه از ایران برای دور زدن تحریم‌های خودش؛ کارت «میر» جایگزین ویزا کارت و مسترکارت می‌شود!



برای دور زدن تحریم‌ها با هیئت‌ها از روسیه دیدار کرد. با اینهمه همچنان درباره اینکه آیا واقعا جایگزینی روبل با دلار که سال‌هاست درباره آن صحبت می‌شود امکان‌پذیر است و خسارت‌های تحریم برای ایران را برطرف می‌کند یا ابهامات جدی روبروست.

در همین رابطه وحید شقاقی رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی تهران با یادآوری اینکه «سال‌هاست که بحث پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه» گفته که «پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه زمانی می‌تواند اثربخش باشند که حجم تجاری متقابل بین کشورها معنی‌دار بوده و سهم بالایی را در کل تجارت این کشورها در اختیار داشته باشد. در گذشته، روسیه و چین یک پیمان پولی ۴۰۰ میلیارد دلاری با روبل و یوان ایجاد کردند. این پیمان به دلیل بالا بودن حجم تجارت روسیه و چین قابلیت اجرا داشت. با این وجود حجم تجارت ایران و روسیه به اندازه‌ای نیست که جایگزینی دلار با روبل بتواند اثرگذار باشد.»

این تحلیلگر اقتصادی معتقد است «اگر بخواهیم این روابط پولی بین ایران و روسیه تاثیرگذار باشد، باید حجم مبادلاتمان با روسیه را افزایش دهیم. به علاوه، نباید تنها واردکننده کالاها و خدمات از روسیه باشیم. زیرا در این صورت شرایط بدتر می‌شود.» اینهمه در حالیست که ۳۸ درصد تجارت خارجی روسیه در سال گذشته میلادی به ارزش بیش از ۲۱۶ میلیارد دلار با اتحادیه اروپا و آمریکا بوده است که حالا از دست رفته است! تلاش‌های دولت پوتین برای جلوگیری از تحمیل زیان بیشتر به اقتصاد روسیه و بی‌اثر کردن تحریم‌ها در هفته‌های گذشته افزایش یافته است. خبرنگاری رویترز گزارش داده که پالایشگاه‌های روسیه و هند قرار است نفت را نه به دلار

● کارت روسی «میر» تنها در چند کشور استقلال یافته از شوروی سابق و چند کشور غیراروپایی مثل ترکیه و ویتنام نیز به دلیل فراوانی گردشگران روس قابل استفاده است.

● پس از تجاوز نظامی روسیه به اوکراین چندین بانک روسی از سیستم سوئیفت مستقر در بلژیک محروم شدند و تراکنش‌های بانکی روس‌ها با جهان دچار اختلال شد.

● مقامات جمهوری اسلامی استفاده از برای روسیه از ایران برای کم‌اثر کردن تحریم‌های اروپا را به عنوان یک پیروزی برای ایران به مردم نمایش می‌دهند آنهم در حالی که سفارت روسیه در تهران برای ویزا نه روبل بلکه دلار دریافت می‌کند!

کارت‌های روسی «میر» به عنوان جایگزینی برای ویزاکارت و مسترکارت در ایران قابل استفاده می‌شود. روسیه به دنبال جایگزین‌هایی برای دور زدن تحریم‌های غرب است و ایران به یکی از مهمترین ابزارهای روس‌ها در این هدف تبدیل شده و جمهوری اسلامی به عنوان نوکر بی‌اختیار روسیه گوش به فرمان پوتین ایستاده است.

خبرگزاری ریانووستی روسیه اعلام کرد از این پس در ایران، پرداخت با کارت‌های روسی «میر» که جایگزین ویزا و مستر کارت هستند، امکان‌پذیر می‌شود. سال‌هاست کارت‌های بانکی برای پرداخت‌های آنلاین و ارزی به دلیل تحریم در ایران قابل استفاده نیستند و پس از سال‌ها تحریم، حالا روسیه یک کارت بانکی به این منظور معرفی کرده آنهم درحالی که خود این کشور به دلیل تجاوز نظامی به اوکراین تحت تحریم‌های سنگین قرار دارد!

این خبر از سوی مهدی صفری معاون دیپلماسی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در امور اقتصادی نیز تأیید شده است. او به خبرنگاری اسپوتنیک گفته که «تهران و مسکو سیستم مبادلات مالی جایگزین بجای سوئیفت پیشنهاد کردند و اکنون تقریباً به توافق خوبی در این زمینه رسیده‌ایم.» معاون دیپلماسی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در امور اقتصادی افزوده که کارت اعتباری «میر» روسیه به زودی در ایران فعال می‌شود.

کارت روسی «میر» در چند کشور استقلال یافته از شوروی سابق و همچنین چند کشور غیراروپایی که از مقاصد اصلی گردشگری روس‌ها به شمار می‌رود مثل ترکیه و ویتنام نیز قابل استفاده است.

همزمان با انتشار خبر امکان استفاده از کارت بانکی «میر» روسیه در ایران، واحد پول ملی روسیه ۳/۳ درصد ارزش خود را در مقابل دلار آمریکا از دست داد و به ۸۰ روبل در برابر هر دلار رسید.

شاخص کل بورس مسکو از رقم ۳۴۵۰ واحد در ابتدای دیروز چهارشنبه ۵ امرداد به ۳۰۲۸ واحد در انتهای روز سقوط کرد. چنین حجمی از کاهش ناگهانی شاخص بورس از مارس سال ۲۰۲۰ بی‌سابقه است.

روسیه پس از حمله نظامی به اوکراین در ۲۴ فوریه امسال، با تحریم‌های گسترده‌ای از سوی اروپا و آمریکا روبرو و دسترسی روسیه به بخش‌های کلیدی زیرساخت مالی جهانی مسدود شده است. همچنین چندین بانک روسی از سیستم سوئیفت مستقر در بلژیک محروم شده و تراکنش‌های بانکی روس‌ها با جهان دچار اختلال شد.

روسیه برای جبران زیان ناشی از تحریم‌های اروپا همه توان خود را به کار بسته است. چند روز پیش نیز خبر استفاده از روبل روسیه بجای دلار در تبادلات ایران و روسیه منتشر شد. مقدمه اجرای این طرح، ورود روبل به بازار متشکل ارزی است که از آخرین روزهای تیرماه بطور رسمی آغاز شده است. علی صالح آبادی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی هفته گذشته در رابطه با پتانسیل‌های موجود میان دو کشور

سقوط جلفا

جلفا، شهر زیبا و ثروتمند ارمنی‌نشین در ساحل جنوبی زاینده‌رود، طعمه خوشگوار بود که اشتباهی محمود را برمی‌انگیخت. غلبه بر این شهر علاوه بر آن که غنائم سرشاری نصیب جنگاور افغان می‌کرد پایگاهی محکم نیز در اختیارش می‌گذاشت و چنین پایگاهی در نزدیکی پایتخت، هرگاه محاصره اصفهان و جنگ با مدافعان این شهر طول می‌کشید، اهمیت استراتژیک داشت.

شهر جدید جلفا در عهد سلطنت شاه عباس اول بنا شده بود. شاه عباس، در کشورداری به شیوه تساهل عقیده داشت و اقلیتهای مذهبی را محترم می‌شمرد. ارامنه در زمان او از حقوق برابر با مسلمانان برخوردار شدند. اسکان ارامنه در جلفا به آنان فرصت داد فارغ از هر گونه مزاحمتی این شهر را به یکی از مراکز عمده صنعت و تجارت تبدیل کنند. رفت و آمد آزادانه مسیون‌های مذهبی، اهالی جلفا را با فرنگیان مرتبط ساخت و شاه عباس، که نزدیکی با اروپا و اروپائیان از اصول سیاست وی محسوب می‌شد، جلفا را به چشم بندری آزاد برای توسعه مبادلات فرهنگی و بازرگانی می‌نگریست. ارامنه جلفا از عوارض و مالیات معاف شدند و اجازه یافتند که کلانتری از خودشان برای اداره امور شهر برگزینند و کلیساهایی بسازند و در آزادی کامل به انجام مراسم مذهبی بپردازند. این تساهل در زمانی صورت می‌گرفت که اروپا هنوز عرصه تعصبات و خشونت‌های مذهبی بود و از مساهله و مدارا اثری به چشم نمی‌رسید. «شاردن» در سیاحتنامه خود که از منابع معتبر برای شناخت ایران عهد صفوی است می‌نویسد «اگر روحانیان را که در این کشور نیز مانند دیگر کشورها تعصب‌گرا - و شاید هم متعصب‌ترند - استثنا کنیم، خواهیم دید که ایرانیان نسبت به پیروان ادیان دیگر به انصاف و عدالت رفتار می‌کنند و حتی اجازه می‌دهند کسانی که تغییر مذهب داده و به دین ایشان درآمده‌اند بار دیگر به کیش پیشین خود بازگردند».

در دوران سلطنت شاه سلطان حسین بود که با افزایش اقتدار فقیهان و مداخله مستقیم آنان در سیاستگذاری دولتی، سختگیری بر اقلیتهای مذهبی از سر گرفته شد و ارمنیان جلفا نیز از فشار و آزار بی‌بهره ماندند. با همه این احوال، ارامنه جلفا تصمیم به مقاومت گرفتند. نخستین حمله محمود را آنها با جنگ شجاعانه دفع کردند و انتظار داشتند نیروی امدادی از اصفهان برسد اما دربار اصفهان چنان مرعوب حوادث شده و در کار خود فرو مانده بود که تصمیمات متناقض می‌گرفت و تصمیمی را که امروز گرفته بود فردا نقض می‌کرد.

شاه سلطان حسین، زمانی که بین ماندن در اصفهان یا رفتن به قزوین در تردید بود تصمیم به تعیین ولیعهد گرفت. سلاطین صفوی پسران خود را از بیم آن که مبادا بر پدر یاغی شوند، یا در حرمسرا محصور می‌کردند و یا دور از پایتخت به سردارانی می‌سپردند که از وفاداری آنها خاطر جمع بودند. شاه سلطان حسین ابتدا پسر ارشد خود محمدمیرزا را به ولیعهدی برگزید اما این شاهزاده بیست و پنج ساله، که به آب و هوای حرمسرا خو گرفته بود از مشاهده اوضاع به وحشت افتاد و روحیه خود را باخت و در عین حال آبش با امیران و وزیران - که آنها را مسؤول شکست گلناباد می‌شمرد - به یک جوی نرفت. ناگزیر او را به حرمخانه بازگرداندند و دومین پسر شاه سلطان حسین، صفی‌میرزا، منصب ولایتعهدی یافت.

صفی میرزا بیست و سه سال داشت و جوانی بالنسبه با جرأت و با اراده بود. او تصمیم داشت با سپاهی به جلفا

کالبدشکافی یک طغیان (۱۰)

(کیهان لندن شماره ۱۱۰۰-۱۱۲۵)

فروردین تا مهر ۱۳۸۵



احمد احرار

برود و ارامنه را در پایداری یاری دهد. اما سید عبدالله والی عربستان (خوزستان) یا خان حویزه (اهواز) که دفاع از اصفهان به عهده وی واگذار شده بود به مخالفت برخاست و گفت شرایط برای چنین حرکتی مناسب نیست و ولیعهد نباید جان خود را برای دفاع از ارمنیان به‌خطر اندازد. گفته‌اند پیروزی فقط یک پدر دارد و شکست صد پدر. زیرا در شکست، هر کس برای تیره خود، دیگری و یا دیگران را به ضعف یا خیانت متهم می‌کند. در ماجرای شکست پادشاه صفوی از شورشیان افغان نیز به همین نکته برمی‌خوریم. پس از آن که محمود اصفهان را گشود و بر تخت و

بفرستید و عساکر راتبه‌خوار (مواجب‌بگیر) ما را احضار نمائید. فی‌الغور فرمانها به اطراف و جوانب فرستادند و قشون قلمرو ایران را طلب نمودند ظاهراً. و باطناً محمدقلی خان تخماقلو که وزیر اعظم و اعتمادالدوله بود با وزرای دیگر می‌نوشتند که در آمدن توقف نمائید و تعجیل نمائید تا ببینیم کار چون خواهد شد و مقارن این حال، وزراء و امراء و باشیان و مقربین درگاه از راه نامردی و تمک به حرامی به والاحاه محمودخان و رؤسای افغانه عریضه‌ها نوشتند که در باب محاربه تعجیل نمائید که اگر از قلمرو ایران قشون جمع آید از شما یک نفر زنده بیرون نخواهد رفت». باری، ممانعت از رفتن صفی‌میرزا دومین ولیعهد شاه سلطان حسین را پاره‌ای کسان از مقوله خیانت صدراعظم و فرمانده سپاه دانسته‌اند.

در چنین احوال، محمود برای بار دوم به جلفا حمله برد. اهالی جلفا، نومید از کمک اصفهان، قاصدی نزد فرمانده افغانان فرستادند و پیشنهاد صلح کردند. محمود مطالبه هفتاد هزار تومان برای ترک مخاصمه کرد و نیز خواستار آن شد که بزرگان شهر هر کدام دختری را به‌عنوان گروگان روانه اردوی وی کنند.

این هر دو شرط بر اهالی شهر گران آمد اما چون قادر به دفع خطر نبودند می‌اندیشیدند که اگر شهر سقوط کند و



کلبسای وانک در جلفای شهر اصفهان

مهاجمان به‌زور غالب شوند بر جان و مال و ناموس آنها رحم نخواهند کرد. مردانشان را می‌کشند، اموالشان را غارت می‌کنند و زن و دخترشان را به‌اسارت می‌برند. ناچار، دختران را تسلیم سپاه مهاجم کردند و برای پرداخت غرامت به چانه‌زنی پرداختند. آنها متعذر بودند که ثروشان عموماً در اصفهان است و نقدینه‌ای که آماده دارند به هفت هزار تومان هم نمی‌رسد اما حاضرند عهدنامه بنویسند و تعهد کنند که پس از سقوط اصفهان، در صورتی که به اموالشان در آنجا دست یابند بدهی خود را تمام و کمال بپردازند. محمود قبول این پیشنهاد را مشروط بدان کرد که مأموران او در شهر به بازرسی بپردازند و اطمینان حاصل کنند که اهالی خلاف نگفته‌اند. افرادی که محمود برای تفتیش منازل مأمور کرده بود آنچه را از زر و زیور و پارچه‌های حریر و فرشهای نفیس یافتند مصادره کردند و بهای همه آن غنائم را بیست هزار تومان تخمین زدند.

بدین سان، جلفا سقوط کرد و محمود عازم فتح اصفهان شد. در شماره آینده: سومین ولیعهد

تاج صفوی دست یافت عده‌ای پیروزی وی و شکست شگفتی‌آور قشون قزلباش را معلول دسیسه‌های حکیمباشی و ملامبازی و نفوذ بیش از حد خواجهگان حرمسرا در مزاج پادشاه قلمداد کردند. گروهی، رجال درباری، از جمله اعتمادالدوله (محمدقلی خان) را مسؤول دانسته و کسانی هم والی عربستان را به خیانت متهم کرده‌اند. کروسینسکی می‌نویسد «قاصد خان حویزه به‌میان ایشان (افغانان) رفته پیغام برد که من از شما می‌باشم. خوف و اضطراب به خود راه دهید که عنقریب اصفهان به دست شما خواهد افتاد. باعث آن، این بود که خان حویزه سنی مذهب بود اگرچه نسبت به شاه اظهار اخلاص می‌کرد». جونس‌هنوی نیز، البته با کمی تردید، بر خیانت عبدالله خان مهر تأیید می‌زند: «این سردار عرب که مذهب تسنن داشت، مانند پدرش که سی سال پیش سر به شورش برداشته بود، خیال استقلال در سر می‌پروراند».

و به روایت مؤلف رستم‌التواریخ: «سلطان جمشیدنشان فرمود فرمانها به جمیع ولایتها و قلمرو ایران بنویسید و

درباره ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ روز آزادی زن

افتتاح دانشسرای تهران درختی که رضاشاه غرس کرد و میوه‌هایی که به بار آورد

خیرخواه

(تاریخ نشر در کیهان لندن: دی ۱۳۸۸ شماره ۱۲۸۹)



نمای جنوبی عمارت دانشسرای تهران در بدو افتتاح

دانشسرا را عهده‌دار بودند. همچنین از جمله دیگر فارغ‌التحصیلان همان سال حسین فیروز بود که سالها معاونت دانشسرا را به عهده داشت.

در سال ۱۳۱۹ - محمدتقی روحانی گوینده پرآوازه رادیو ایران که در جریان انقلاب به‌گونه دلخراشی ربوده و شکنجه شد فارغ‌التحصیل گردید.

در سال ۱۳۲۰ - علی‌اصغر خیره‌زاده استاد و مترجم معروف کتاب دکتر ژیاگو فارغ‌التحصیل گردید.

در سال ۱۳۲۱ - محمود سعادت گوینده معروف رادیو ایران و هم‌چنین فتح‌الله سعادت مدیرکل روابط عمومی شرکت نفت از جمله فارغ‌التحصیلان بودند.

در سال ۱۳۲۲ - هاشم حکیمی از دیپلمات‌های وزارت امور خارجه و استاد دکتر محمد امین ریاحی مدیر کل اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش فارغ‌التحصیل شدند.

در سال ۱۳۲۴ - سهراب سپهری شاعر نوپرداز و پرآوازه ایران از دانشسرای تهران فارغ‌التحصیل گردید.

در سال ۱۳۲۵ - حسن آل‌بویه خلبان هواپیمایی ملی ایران و همچنین شاپور نیاکان و یولونیست معروف از دانشسرای مقدماتی تهران فارغ‌التحصیل گردیدند.

در سال ۱۳۲۶ - کمال‌الدین میرحبیب‌اللهی فرمانده نیروی دریایی ایران - داود مهدی‌زاده شهردار کرج - دکتر علی مولوی پزشک متخصص از دانشسرا فارغ‌التحصیل شدند.

در سال ۱۳۲۷ - بهرام هستی‌بخش قاضی عالی‌رتبه دادگستری - دکتر عبدالحسین صمیمی و دکتر لطف‌الله قدس دکتر داروساز - علی‌نقی ضیائی شریعت پناهی وکیل دادگستری و رضوان یارشاطر برادر دکتر احسان یارشاطر و دکتر حسین نخعی مؤلف کتابهای متعدد از جمله نام نامه فارغ‌التحصیل شدند.

در سال ۱۳۲۸ - ناصر مشیری پیشکار علیاحضرت ملکه مادر - مجید سرتیپی معاون وزارت آموزش و پرورش در زمان وزارت پر سر و صدای خانم دکتر فرخ‌رو پارسا - دکتر علیرضا طیاری ارتوپد معروف تهران - منوچهر نوذری طنزپرداز رادیو و تلویزیون و دکتر حبیب‌الله محمدی دکتر داروساز از جمله فارغ‌التحصیلان بودند.

خانواده او که برای نخستین‌بار بدون حجاب ظاهر شده بودند افتتاح گردید.

در این مراسم پس از گزارش علی‌اصغر حکمت وزیر فرهنگ، رضاشاه مطالبی را خطاب به دانش‌آموزان گوشزد کرد و اظهار داشت «...سعادت میهن و کشور باید نصب‌العین شما باشد و علاقه و دلبستگی فوق‌العاده به کشور خود داشته باشید... کسی که به کشور دلبستگی ندارد هر جا و هر نقطه که باشد بیگانه است و قدر و منزلتی ندارد و همواره حتی نزد نفس خود هم بی‌مقدار است به شما فرزندان خود می‌گویم که علاقه به مملکت را باید به واسطه سعی و عملی که به آزادی و استقلال کشور اعمال می‌کنید نشان دهید و مخصوصاً توجه داشته باشید که شرافت و افتخار میهن شما بسته به آزادی و استقلال کشور شما است...»

در سالن دیگر که محل اجتماع بانوان مدعو و دختران دانش‌آموز بود علیاحضرت ملکه و والا‌حضرتین شاهدختها حضور داشتند.

ابتدا خانم هاجر تربیت رئیس دانشسرای مقدماتی دختران گزارش مفصلی به عرض رسانید. سپس خانم دره طباطبائی یکی از دانش‌آموزان دانشسرای دختران چکامه‌ای را قرائت کرد. مراسم پس از اعطای دانشنامه‌ها و پذیرائی در میان شادمانی حضا را پایان رسید.

اسامی بعضی از فارغ‌التحصیلان

دانش‌آموزان دانشسرای مقدماتی پسران به طور شبانه‌روزی در دانشسرا اقامت داشتند و فارغ‌التحصیلان اولین دوره در سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ عبارت بودند از:

احمد صادقی - حسن ابوالفتحی - مسعود جمالی - محمد روستائی - عزت‌الله فرخی‌شادان - ابوالقاسم قبله - عباس معظمی - محمود یغمائی - اقبال یغمائی - ابوالقاسم آیت‌اللهی - نصرالله جهانگیری - حبیب‌الله ابراهیمی - هوشنگ خاکی. در سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ جمعا ۲۳ نفر فارغ‌التحصیل شدند که در میان آنان نام دکتر احسان یارشاطر استاد و بنیانگذار فرهنگ‌نامه ایرانیکا چون ستاره درخشانی خودنمایی می‌کند. استادیار شاطر از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۷ نظامت و معاونت

سابقه تاریخی: ساختمان آجری دانشسرای مقدماتی تهران که در اوائل خیابان روزولت (دروازه دولت سابق) به منظور تربیت معلم برای مدارس ابتدائی و حومه ساخته شد تاریخچه جالبی دارد که باختصار به اطلاع خوانندگان کیهان می‌رساند: در تاریخ ششم اردیبهشت ۱۳۱۰ خورشیدی وزارت فرهنگ زمینی به مساحت ۲۴۰۰۰ مترمربع در بیرون دروازه دولت برای ایجاد میدان ورزش به مبلغ ۹۶۰۰۰ ریال خریداری نمود. این زمین وسیع خاکی که در بیابانی در شمال شهر تهران قرار داشت تا سال ۱۳۱۳ محل مسابقه‌های ورزشی بود و به نام زمین دولت نامیده می‌شد.

در تاریخ ۱۹ اسفند ماه سال ۱۳۱۲ که قانون تربیت معلم و اجازه تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی از تصویب مجلس شورای ملی گذشت، وزارت فرهنگ در صدد برآمد دانشسرای مقدماتی تهران را در محل مناسبی ایجاد کند لذا زمین مزبور برای چنین امری پیشنهاد شد و مورد تصویب قرار گرفت.

ساختمان دانشسرای مقدماتی تهران به همت علی‌اصغر حکمت وزیر فرهنگ وقت در اواسط مرداد ماه ۱۳۱۳ زیر نظر مهندس کارکف به مساحت ۲۳۲۵ مترمربع آغاز شد و در اواسط دیماه ۱۳۱۴ خاتمه یافت. کلیه مخارج ساختمان ۲۳۲۵ متری با باغ مشجر مقابل آن و دو خوابگاه بزرگ در دو طرف طبقه دوم و کلاسهای متعدد در طبقه هم‌کف و ناهارخوری و آشپزخانه بسیار بزرگ در طبقه پائین که می‌توانست ناهار و شام و صبحانه ۲۰۰ دانش‌آموز شبانه‌روزی در آن پخت و سرو شود از محل اعتبارات سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ وزارت فرهنگ به مبلغ ۸۰۰/۱۱۲/۱ ریال تأمین گردید که مخارج هر مترمربع آن ۴۶۰ ریال می‌شد.

در کنار در ورودی بزرگ جنوبی هم یک ساختمان آجری جهت نگهداری با دو اتاق و سایر وسائل زندگی ساخته شده بود که نگهداری با خانواده خود می‌توانست در آن زندگی کند. این ساختمان عظیم که پس از ۷۵ سال هنوز هم در خیابان روزولت (متنجم) پا برجاست و به دانشسرای تربیت مدرس تغییر نام یافته در روز چهارشنبه ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ طی مراسم باشکوهی به وسیله رضاشاه پهلوی و کلیه اعضای



هشتگ #دخترم_مریضه و تداوم اعتراضها علیه حجاب اجباری

● در روزهای گذشته ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی از مادری منتشر شده که با ایستادن جلوی اتومبیل گشت ارشاد اسلامی تلاش می‌کند تا از بردن دخترش توسط این مأموران جلوگیری کند. این مادر فریاد می‌زند، «دخترم را نبرید، دخترم مریضه».

● به تازگی کارزار «با حجاب اجباری مخالف هستم» با مشارکت بیش از ۵۲۰ هزار نفر در اینستاگرام فارسی شروع شده است. بخشی از زنان شرکت‌کننده در این کارزار معتقد به پوشش اسلامی هستند و با تصویر خود با پوشش چادر یا روسری در این کارزار شرکت دارند.

● واکنش اصلاح‌طلبان به سرکوب زنان و دختران در مسئله حجاب هم قابل توجه است. مهدی کروی در به اصطلاح «حصر خانگی» از عملکرد حکومت حمایت کرده و گفته که هیچکس حق ندارد طرفدار کشف حجاب باشد! وابستگان حکومت که به گشت ارشاد اسلامی انتقاد می‌کنند فقط از ناراحت هستند که چرا سرکوب در برابر چشم همه است!

هشتگ #دخترم_مریضه در تداوم اعتراض‌ها به اجباری بودن حجاب اسلامی در ایران، پس از مقاومت یک مادر برای جلوگیری از بردن دخترش توسط گشت ارشاد اسلامی در حالی که فریاد می‌زد «دخترم مریضه»، این روزها توسط کاربران شبکه‌های اجتماعی بطور گسترده تکرار می‌شود.

در روزهای گذشته ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی از مادری منتشر شده که با ایستادن جلوی اتومبیل گشت ارشاد اسلامی تلاش می‌کند تا از انتقال دختر بازداشت‌شده‌اش توسط گشت ارشاد به مقر آنها جلوگیری کند. این مادر فریاد می‌زند، «دخترم را نبرید، دخترم مریضه».

با وجود اینکه این مادر مقابل اتومبیل ایستاده ولی اتومبیل همچنان به حرکت خود ادامه می‌دهد و سرعت خود را زیاد می‌کند تا وی را کنار بزند و در نهایت دختر را با خود می‌برند. انتشار این ویدئو بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی داشته است.

بسیاری از کاربران از جمله آنانکه خود را مسلمان می‌دانند و در مواردی طرفدار جمهوری اسلامی نیز هستند از عملکرد گشت ارشاد اسلامی انتقاد کرده و آن را اقدام افراطی تعریف می‌کنند. برخی از افراد حکومتی از جمله انسیه خزعلی معاون ابراهیم رئیسی در امور زنان درباره ویدئوی گشت

و آتش‌به‌اختیار به زنان است. اما مقابله‌ی مردم نیز همزمان جریان دارد. به تازگی کارزار «با حجاب اجباری مخالف هستم» با مشارکت بیش از ۵۲۰ هزار نفر در اینستاگرام فارسی شروع شده. بخشی از زنان شرکت‌کننده در این کارزار معتقد به پوشش اسلامی هستند و با تصویر خود با پوشش چادر یا روسری در این کارزار شرکت کرده‌اند.

صحنه‌هایی از مقاومت زنان در برابر موج سرکوب گشت‌های ارشاد اسلامی و آتش‌به‌اختیاران نیز در شبکه‌های اجتماعی انتشار می‌یابد و همچنین در موارد بسیاری هنگام بازداشت زنان، شهروندان حاضر مانع مأموران در بازداشت زنان می‌شوند. واکنش اصلاح‌طلبان به سرکوب زنان و دختران در مسئله حجاب هم قابل توجه است. مهدی کروی در به اصطلاح «حصر خانگی» از عملکرد حکومت حمایت کرده و گفته که هیچکس حق ندارد طرفدار کشف حجاب باشد! سخنان معصومه ابتکار معاون پیشین امور زنان در دولت دوازدهم نیز در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود که حجاب اسلامی زنان در ایران را دارای «جاذبه» برای دیگر کشورهای دنیا دانسته است!

شماری نیز به ریشه‌های اجباری شدن حجاب اسلامی در ایران در دوره‌های مختلف پرداخته‌اند. کاربری در توضیح این موضوع نوشت: «کی حجاب رو آورد؟ هاشمی رفسنجانی. کی حجاب رو اجباری کرد؟ حسن روحانی. کی گشت ارشاد رو آورد؟ محمد خاتمی. #اصلاح_طلب_اصول_گرا_دیکه_تَمام_ماجرَا. حالا حیلَه رهبری و اصولگرایان نظام و راز دستگیری تاجزاده را متوجه شدید.»

ویدئویی نیز از حمیدرضا جلابی‌پور فعال اصلاح‌طلب باز نشر شده که ادعا می‌کند، در ایران اصلا حجاب نداریم و سوپروایزر انگلیسی‌اش با دیدن نوع پوشش زنان به شدت تعجب کرده است!

پرویز پرستویی نیز که یکی از به اصطلاح سلبریتی‌های حکومتی به شمار می‌رود در اینستاگرام درباره ویدئوی مادری که می‌خواهد مانع گشت ارشاد اسلامی شود تا دخترش را نبرد، با اشاره به همزمانی این اتفاق با سفر ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه و اردوغان رئیس جمهور ترکیه به تهران، نوشت: «آقای نیروی انتظامی بگذار میهمان خارجی برود بعد!»

ارشاد اسلامی با مادر معترض به بازداشت دختر بیمارش در توئیتر نوشت: «بحث کرامت زن و مادر در فرهنگ ایرانی اسلامی» عامل جریحه‌دار شدن عواطف عمومی شد. وی خواستار «مواخذه و عذرخواهی» نیروی انتظامی هم شده است. این در حالیست که چنین صحنه‌هایی و بدتر از آن در جمهوری اسلامی کاملاً رایج است و همین افراد حکومتی نیز پشتیبان این سرکوب گسترده به دلیل حجاب هستند و فقط از اینکه علنی و در برابر چشم همه باشد برای نظام احساس نگرانی می‌کنند.

همین انسیه خزعلی در جریان روز «عفاف و حجاب» که نیروهای فشار و گشت‌های ارشاد اسلامی را علیه زنان بسیج کرد، در سخنانی کاملاً متفاوت گفته بود: «دشمن توانسته در جنگ شناختی پیشروی کند که از جمله آنها مساله حجاب و عفاف است.»

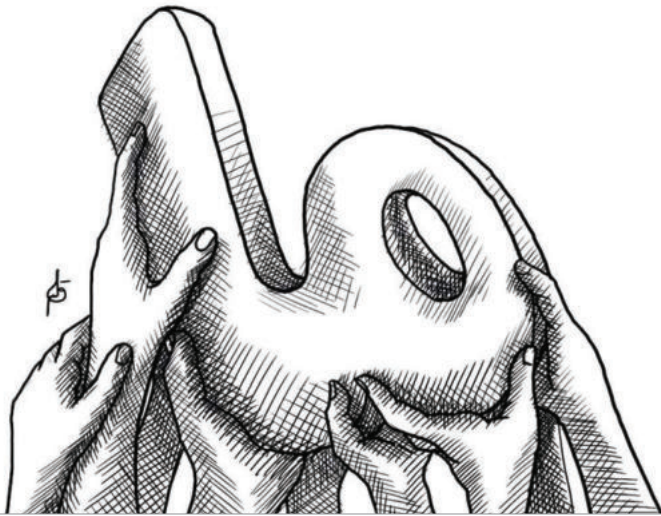
افکار عمومی در توئیتر شیوه برخورد با این مادر را به شدت مورد انتقاد قرار داده و آن را خلاف ادعای نظام جمهوری اسلامی در ستایش نقش مادر دانسته است. کاربری با مقایسه برخورد گشت ارشاد اسلامی نوشته که شمر هم به سجاد از امامان شیعه که بیمار بود، رحم کرده ولی شما از شمر هم بدترید!

سردار حمید خروش رئیس بازرسی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ اعلام کرد: «در پی این واقعه که در یکی از میدانی غرب تهران رخ داد، سریعاً موضوع توسط کارشناسان بازرسی مورد بررسی قرار گرفت و در خصوص سوء مدیریت صورت گرفته با سرتیم گشت پلیس برخورد انضباطی شد.»

گشت‌های ارشاد اسلامی در هفته‌های گذشته فعالیت خود را برای دستگیری زنان مخالف با حجاب اجباری تشدید کرده‌اند. این گشت‌ها همزمان با اعتراض قشرهای مختلف جامعه با افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی و تورم افسارگسیخته فعالیت‌شان را در ادارها و سپس خیابان‌ها آغاز کرده‌اند تا در مردم ایجاد رعب و وحشت کرده و در نهایت آنان را وادار به سکوت کنند.

گزارش‌های مردم از سطح خیابان‌ها و وقایع شهری نشان می‌دهد که ماشین‌های گشت ارشاد اسلامی در مناطق مختلف استقرار یافته‌اند و به توهین و دستگیری زنان و دختران ادامه می‌دهند. بسیاری از ویدئوهای منتشر شده نیز حاکی از حمله و پورش لباس‌شخصی‌ها و نیروهای فشار

بیانیه ۵۰۰ فعال سیاسی و مدنی در ایران درباره بازداشت دادخواهان؛ در هر جای جهان چنین ستمی، گناهی بزرگ و نظاره کردن به آنهم در خور ملامتی سترگ!



طرح از قلمفرسا

مادران دادخواه در سلول انفرادی هستند. این خبر نیست؛ فاجعه‌ای است دردناک و زخمی‌کننده بر پیکره عدالت و بر وجدان‌های نظاره‌گر خاموش. باور کردنی نیست مادرانی دادخواه که فرزندان‌شان در اعتراضی مدنی و مسالمت‌آمیز در آبانی تلخ، گلوله بر شقیقه‌شان فرو نشستند و برای همیشه حق حیات از آنها سلب شد، اینک به جرم دادخواهی در گوشه زندان گرفتار آمده باشند. تعدادی از مادران دادخواه گرچه که آزاد شدند اما صدایشان خاموش نشد اما دادخواهان دیگر ناهید شیرپیشه و مهرداد بختیاری، مادر و عموی (جاوید نام پویا بختیاری)، محبوبه رضانی (مادر جاوید نام پیمان قلی پور) و رحیمه یوسف زاده (مادر جاوید نام نوید بهبودی) چند روزی است که در سکوت رسانه‌ای تأسفانگیز پشت میله‌های زندانند. گویی در سرزمین بلازده‌ی ما سهم درد و رنج دادخواهی دو تاوان بزرگ دارد تاوانی که باید در سرزمین خویش به حاکمان ستمگر پرداخت کنی و تاوانی که سکوت خبری رسانه‌های مدعی آزادی می‌ستانند. آنان هروقت صلاح بدانند، مادران دادخواه و کنشگران مدنی، معترضان و هر موضوع دیگری را در بوق و کرنا می‌کنند اما درست در لحظه‌ای که مادرانی سوگوار و دادخواه نیاز به حمایت دارند و باید صدایشان شد، روزه سکوت می‌گیرند. مادران حق‌خواه دادخواه، بهترین سرمایه وجودیشان را در یک لحظه تلخ از دست داده‌اند. آنان هراسی برای ترسیدن دوباره ندارند چرا که جگرگوشه‌هایشان بی‌کمترین گناهی به دم تیغ سپرده شدند.

ما امضاکنندگان زیر با حمایت از مادران داغدار دادخواه دستگیر شده، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها هستیم. زیننده هیچ جامعه‌ی آزادیخواهی نیست که مادران فرزندان از دست داده، به بند کشیده شوند. در هر جای جهان چنین ستمی، گناهی بزرگ است و نشستن و نظاره کردن به آنهم در خور ملامتی سترگ.

ما امضاکنندگان این بیانیه امیدواریم اصحاب رسانه، فعالان مدنی و سیاسی و همه آزادیخواهان و عدالت‌طلبان نسبت به این ظلم بزرگ ساکت نباشند و با حمایت از مادران دادخواه، اجازه ندهند بر کسانی که هر صبح تا شام سخت‌ترین لحظه‌ها را با درد فراق جگرگوشه‌هایشان، می‌گذرانند، ستمی دیگر روا داشته شود.

اسامی امضاکنندگان به ترتیب حروف الفبا:

ادعایی عجیب درباره بازداشت دادخواهان نوشت: «افراد بازداشت شده با پوشش دادخواهی به یک عنصر متصل با سرویس جاسوسی بیگانه ارتباط گرفته بودند و از یک رابط مالی خارجی پول دریافت می‌کردند تا اغتشاش و ناامنی در کشور ایجاد کنند.»

این خبرگزاری همچنین نوشت اعضای خانواده‌های دادخواه «در جلسه‌ای که برای ایجاد اغتشاش برگزار شده بود»، بازداشت شدند و «رابط مالی بیگانه نیز در عملیات جداگانه‌ای دستگیر شده است.»

در ادامه بازداشت سریالی خانواده‌های دادخواه آبان، منوچهر بختیاری پدر پویا بختیاری روز چهارشنبه ۲۹ تیر بدون اطلاع قبلی به زندان قزوین منتقل شد. علی شریف‌زاده وکیل منوچهر بختیاری با اعلام این خبر نوشته بود که موکلش «با توجه به شرایط جسمانی» و «خونریزی دستگاه گوارش» به مراقبت و درمان نیاز دارد.

منوچهر بختیاری پدر پویا بختیاری از جانب‌اختگان اعتراضات آبان ۹۸ به اتهام دادخواهی فرزندش به ۳ سال و ۶ ماه حبس محکوم شده است. او پیشتر در زندان «جایی‌شهر» کرج محبوس بود و پیش از تبعید به زندان قزوین چند روز به سلول انفرادی ندامتگاه مرکزی کرج منتقل شده بود.

بر اساس گزارش‌ها شماری از اعضای خانواده دادخواه آبان ۹۸ طی روزهای گذشته با تودیع وثیقه یا قرار کفالت به طور موقت از زندان آزاد شدند اما ناهید شیرپیشه، مهرداد بختیاری، محبوبه رضانی و رحیمه یوسف‌زاده هم‌چنان در بازداشت بسر می‌برند.

اکنون حدود ۵۰۰ تن از فعالان مدنی و سیاسی در ایران با انتشار بیانیه‌ای مشترک رسانه‌های داخلی را به «سکوت تأسفانگیز» نسبت به این «ظلم بزرگ» متهم کرده و نوشته‌اند که «زیننده هیچ جامعه‌ی آزادیخواهی نیست که مادران فرزندان از دست داده، به بند کشیده شوند. در هر جای جهان چنین ستمی، گناهی بزرگ است و نشستن و نظاره کردن به آنهم در خور ملامتی سترگ.»

متن کامل این بیانیه و اسامی امضاکنندگان را در ادامه می‌خوانید:

باش تا نفرین دوزخ از تو چه سازد،

که مادران سیاه‌پوش

داغداران زیباترین فرزندان آفتاب و باد

هنوز از سجاده‌ها

سر برنگرفته‌اند!

● در این بیانیه که تا کنون حدود ۵۰۰ نفر آن را امضا کرده‌اند، بازداشت خانواده‌های دادخواه آبان ۹۸ «ظلم بزرگ» عنوان و از «همه آزادیخواهان و عدالت‌طلبان» درخواست شده نسبت به آن سکوت نکنند.

● «باور کردنی نیست مادرانی دادخواه که فرزندان‌شان در اعتراضی مدنی و مسالمت‌آمیز در آبانی تلخ، گلوله بر شقیقه‌شان فرو نشست و برای همیشه حق حیات از آنها سلب شد، اینک به جرم دادخواهی در گوشه زندان گرفتار آمده باشند.»

صدها فعالان مدنی و سیاسی در داخل ایران طی بیانیه‌ای خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط اعضای خانواده‌های دادخواه آبان ۹۸ شدند.

در این بیانیه که روز یکشنبه دوم مرداد منتشر و تا کنون حدود ۵۰۰ نفر آن را امضا کرده‌اند، بازداشت خانواده‌های دادخواه آبان ۹۸ «ظلم بزرگ» خوانده شده و از «همه آزادیخواهان و عدالت‌طلبان» درخواست شده نسبت به آن سکوت نکنند.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «باور کردنی نیست مادرانی دادخواه که فرزندان‌شان در اعتراضی مدنی و مسالمت‌آمیز در آبانی تلخ، گلوله بر شقیقه‌شان فرو نشست و برای همیشه حق حیات از آنها سلب شد، اینک به جرم دادخواهی در گوشه زندان گرفتار آمده باشند.»

مأموران امنیتی بیستم تیرماه با یورش به خانه چند تن از خانواده‌های دادخواه آبان ۹۸ شماری از آنها از جمله ناهید شیرپیشه و مهرداد بختیاری را دوباره بازداشت کردند که هنوز در زندان بسر می‌برند.

سعید دامور برادر وحید دامور، رحیمه یوسف‌زاده مادر نوید بهبودی، محبوبه رضانی مادر پیمان قلی‌پور، سکینه احمدی مادر ابراهیم کتابدار، طلعت مشکی مادر محسن جعفرپناه، ایران الهیاری مادر مهرداد معین‌فر، زینب محمدی مادر محمد طاهری و فاطمه باجروانی همسر علی فتوحی از دیگر اعضای خانواده دادخواه آبان هستند که بازداشت شده‌اند.

چند روز پس از بازداشت محبوبه رضانی مادر پیمان قلی‌پور مشخص شد او در پرونده دیگری مربوط به بازداشت دادخواهان در ماه‌های گذشته به تحمل ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شده است.

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در

- ۱- ابوالفضل رحیمی شاد
۲- ابوعلی عجمی
۳- آتوسا شهریاری
۴- احترام شکوری
۵- احسان قادرمنش
۶- احسان قدیری
۷- احسان مروتی
۸- احمد بامدادی
۹- احمد پورشمس آباد
۱۰- احمد حیدری
۱۱- احمد خدیاری
۱۲- احمد دورگلی
۱۳- احمد زاهدی لنگرودی
۱۴- احمد بساطی
۱۵- احمد عالی نژاد
۱۶- احمد مصطفوی
۱۷- اختر برهانی
۱۸- ادیب خلیلی
۱۹- ادریس مدرسی
۲۰- آدینه بیگی
۲۱- آذر سلیمانی
۲۲- آذر گیلانی
۲۳- آزاده چاوشیان
۲۴- آراسته همتی
۲۵- آرزو کنعانی
۲۶- ارسلان پورباقر
۲۷- آرش صادقی
۲۸- آرش کیخسروی
۲۹- آرش منصوری
۳۰- آرمان تقوی
۳۱- آرمان نقشی
۳۲- اسدالله فخریمی
۳۳- اسحاق راستی
۳۴- اسعد محمدی
۳۵- اسماعیل کنجوری
۳۶- اسماعیل مهران فر
۳۷- اشکان شیربیشه
۳۸- اشرف هنرمند
۳۹- اصغر امیرزادگان
۴۰- اصغر شیری
۴۱- اصغر صادقی
۴۲- اصغر کمالزاده
۴۳- آصف بختیاری
۴۴- آفاق بهمینی
۴۵- افسانه حسن پور
۴۶- افسانه دستیار
۴۷- افسانه سادات مدبر
۴۸- افسانه عزتی
۴۹- اقبال متین
۵۰- اکبر امینی ارمکی
۵۱- اکبر برهانی
۵۲- اکبر دانش سرارودی
۵۳- اکبر یزدی
۵۴- الهه عسکرزاده
۵۵- آمنه ناصرحجتی
۵۶- امیرحسین میربهراری
۵۷- امید امیدوار
۵۸- امید تورانی
۵۹- امید ناصحی
۶۰- امیر چمنی
- ۶۱- امیرعلی مرادی
۶۲- امین لقابی
۶۳- آنا تقوی
۶۴- انیس پایاب
۶۵- اوخزای حسینی
۶۶- اولدوز هاشمی
۶۷- آیدین متحدپور
۶۸- باهره علمداری
۶۹- بتول حسینی
۷۰- بختیار رضایی
۷۱- صدیقه عباسی
۷۲- بذری خزایی
۷۳- برات چراغی
۷۴- برزو علیدادی
۷۵- بهران زارعی
۷۶- بهاران زارعی
۷۷- بهارک بختیاری
۷۸- بهرام آروین
۷۹- بهرام فیروزی
۸۰- بهرام کوثری
۸۱- بهروز اور
۸۲- بهروز بشارت
۸۳- بهروز نقشی
۸۴- بهزاد همایونی
۸۵- بیژن خاموش
۸۶- پدram ریاحی
۸۷- پروانه قاسمیان
۸۸- پروانه مداحراد
۸۹- پروانه متینزاده
۹۰- پروانه موفق
۹۱- پروانه حشمتی
۹۲- پرویز آقایی
۹۳- پرویز عینی
۹۴- پرویز الهیاری
۹۵- پروین اسفندیاری
۹۶- پروین مروتی
۹۷- پروین محمدی
۹۸- پرهام غلامی
۹۹- پری زراسوند
۱۰۰- پریچهر یغمایی
۱۰۱- پوران ناظمی
۱۰۲- پویا پورمحمد
۱۰۳- پویا جگروند
۱۰۴- توران بهرامی
۱۰۵- توران قاسمی
۱۰۶- ثریا قبادی
۱۰۷- ثریا قربانی
۱۰۸- جعفر عظیمزاده
۱۰۹- جلال رستمکلاهی
۱۱۰- جلیله باقلالی
۱۱۱- جمال افراشته
۱۱۲- جمال شهرابی
۱۱۳- جمشید ایزدی
۱۱۴- جواد حیدری
۱۱۵- جواد (شهریار) خلاصی
۱۱۶- جواد سعیدی
۱۱۷- جواد مرادی
۱۱۸- جواد منصوری
۱۱۹- جواهمیر مرادی
۱۲۰- جهان بین صفری
۱۲۱- حبیب رستمی
- ۱۲۲- حجتاله رافعی
۱۲۳- حدیث خراسانی
۱۲۴- حدیث مخبری
۱۲۵- حسین آذرگشپ
۱۲۶- حسین حسینی
۱۲۷- حسین رجایی
۱۲۸- حسین صادقی
۱۲۹- حسین علی نژاد
۱۳۰- حسین عنینی
۱۳۱- حسین فخرزاده
۱۳۲- حسین قربانی
۱۳۳- حسین قشقایی
۱۳۴- حسین مهدآبادی
۱۳۵- حسن ابتکاری
۱۳۶- حسن انتظاری
۱۳۷- حسن جهانچی
۱۳۸- حسن حسینی
۱۳۹- حسن سهرابی
۱۴۰- حسن مستوفی
۱۴۱- حسن نورزاد
۱۴۲- حشمت امیری
۱۴۳- حشمت ایزدی
۱۴۴- حمزه احمدی
۱۴۵- حمید پیرمرادی
۱۴۶- حمید دارابی
۱۴۷- حمید سلیمی
۱۴۸- حوریه بهشتی زاد
۱۴۹- حوریه فرحزاده طارانی
۱۵۰- خالق گرجی
۱۵۱- خدیجه آور
۱۵۲- خسرو رزبان
۱۵۳- داریوش رضایی
۱۵۴- دامون احمدی
۱۵۵- دنیا شادبخش
۱۵۶- راحله راحمی پور
۱۵۷- رادا مردانی
۱۵۸- رحمان ثناخوان
۱۵۹- رستم خدیور
۱۶۰- رستم یزدان پناه
۱۶۱- رسول باباخانی
۱۶۲- رضا احمدی
۱۶۳- رضا آیلور
۱۶۴- رضا جیرانی
۱۶۵- رضا حسینی
۱۶۶- رضا حق نظری
۱۶۷- رضا حیایی
۱۶۸- رضا شمس
۱۶۹- رضا صلواتی
۱۷۰- رضا مسلمی
۱۷۱- روحالله سلیمانی دشتکی
۱۷۲- روزبه اکرادی
۱۷۳- روشک باقایی
۱۷۴- رویا ایزدیان
۱۷۵- زرتشت احمدی راغب
۱۷۶- زهرا پور زارع
۱۷۷- زهرا زارع سراجی
۱۷۸- زهرا صادقی
۱۷۹- زهرا کیان ارثی
۱۸۰- زهره پور زارع
۱۸۱- زهره شریفی
۱۸۲- زهره عسکری
- ۱۸۳- زهره میرزایی
۱۸۴- زیبا عباسی
۱۸۵- زینب راستکار
۱۸۶- زینب رضایی
۱۸۷- ژالان احمدی
۱۸۸- ژاله روحزاد
۱۸۹- سارا سیاهپور
۱۹۰- سارا همتی
۱۹۱- ساعد سخایی
۱۹۲- سامان رضایی
۱۹۳- سامان شکری
۱۹۴- ساناز محسنی زاده
۱۹۵- ستار الماسی
۱۹۶- سجاد بخشعلی
۱۹۷- سجاد زارع
۱۹۸- سجاد مرزایی
۱۹۹- سجاد محمدی عالی بری
۲۰۰- سجادمشهدی همت آبادی
۲۰۱- سحر احمدی
۲۰۲- سروناز احمدی
۲۰۳- سعید اسکندری
۲۰۴- سعید صیاد نصیر
۲۰۵- سعید قطان کاشانی
۲۰۶- سعید نعیمی
۲۰۷- سعیده منتظری
۲۰۸- سهراب حسینی
۲۰۹- سهراب رحیمی
۲۱۰- سهند آقایی
۲۱۱- سمیرا چراغ پور
۲۱۲- سهیلا خوش بین
۲۱۳- سهیلا رجایی
۲۱۴- سید توحید ریحانی
۲۱۵- سید احمد موسوی
۲۱۶- سیروس شکری
۲۱۷- سیروس فتاحی
۲۱۸- سیما ترابی
۲۱۹- سیما سلمانی
۲۲۰- سیمین برهانی
۲۲۱- سهراب مرادی
۲۲۲- شاپور عزتی
۲۲۳- شادی حنایی
۲۲۴- شادیه جلالی ثانیه
۲۲۵- شاهرخ فرهادی
۲۲۶- شاهین باوی
۲۲۷- شبنم آشوری
۲۲۸- شراره وطن دوست
۲۲۹- شراره یزدانی
۲۳۰- شرافت خالصی
۲۳۱- شروین پناهی
۲۳۲- شروین فتحی
۲۳۳- شریف خالدي
۲۳۴- شهاب امینی مقدم
۲۳۵- شهاب روشن
۲۳۷- شراره ریاحی
۲۳۸- شهرام روندی
۲۳۹- شهربانو ابن علی
۲۴۰- شهره متین
۲۴۱- شهریار رسولی
۲۴۲- شهریار محبوبی
۲۴۳- شهلا جهانبین
۲۴۴- شهلا فرهادی
- ۲۴۵- شهاب روشن
۲۴۶- شهلا حسینی
۲۴۷- شهناز هاشمی
۲۴۸- شهناز وکیلی
۲۴۹- شیدا عبدی
۲۵۰- شیده قربانی
۲۵۱- شیرین احمدی
۲۵۲- شیرین ایزدی
۲۵۳- شیدا دادگر
۲۵۴- شیوا حسینی
۲۵۵- شیوا عباسپور
۲۵۶- صابر محمدی
۲۵۷- صادق شریفی
۲۵۸- صدیق مولودی
۲۵۹- صدیقه تورانی
۲۶۰- صدیقه مالکی فرد
۲۶۱- طاهرا ارشد
۲۶۲- طلا ابراهیمی
۲۶۳- عابدین مرادی
۲۶۴- عارف فیطاسی
۲۶۵- عالییه اقدام دوست
۲۶۶- عالییه امیری
۲۶۷- عالییه خوشنویس
۲۶۸- عباس احدی
۲۶۹- عباس صادقی
۲۷۰- عباس کاظمی
۲۷۱- عباس واحدیان شاهرودی
۲۷۲- عبدالحسین شهبازی
۲۷۳- عبدالله رضایی
۲۷۴- عبدالله سلیمانی
۲۷۵- عبدالله سلیمی
۲۷۶- عبدالله صمدیان
۲۷۷- عبدالله وحدت
۲۷۸- عرفان قانعی
۲۷۹- عزت امیری
۲۸۰- عزیز قاسمزاده
۲۸۱- عسکر غلامرضایی
۲۸۲- عشرت بستجانی
۲۸۳- عطا بابا خانی
۲۸۴- عطار رسولی
۲۸۵- عظمت آشنا
۲۸۶- علی احمدی
۲۸۷- علی تدری
۲۸۸- علی ثباتی
۲۸۹- علی جهانگیری
۲۹۰- علیرضا پناهام
۲۹۱- علیرضا پا آهو
۲۹۲- علیرضا توکلی
۲۹۳- علیرضا زارعی
۲۹۴- علیرضا کسانلی
۲۹۵- علی شروقی
۲۹۶- علی عاقل
۲۹۷- علی فیض
۲۹۸- علی کاظمی
۲۹۹- علی محمدی
۳۰۰- علی منجزی
۳۰۱- علی منفرد
۳۰۲- عهتا منصور
۳۰۳- غزاله همتی
۳۰۴- غلامحسین بروجردی
۳۰۵- غلام شهسوار
- ۳۰۶- فاطمه ابوالحسنی
۳۰۷- فاطمه بهمینی
۳۰۸- فاطمه سپهری
۳۰۹- فاطمه مرادی
۳۱۰- فانوس بهادروند
۳۱۱- فائقه اکبری
۳۱۲- فخری شادفر
۳۱۳- فخری شهبازی
۳۱۴- فرامرز خدانشناس
۳۱۵- فرح حامی
۳۱۶- فرح قادنیا
۳۱۷- فرحناز قرهخانی
۳۱۸- فرخ لقا دستیار
۳۱۹- فرخنده قربانی
۳۲۰- فرزانه راجی
۳۲۱- فرزانه زهدی
۳۲۲- فرزین رضایی روشن
۳۲۳- فرشته جهانگیری
۳۲۴- فرشید اختیاری
۳۲۵- فروغ رستمیان
۳۲۶- فرهاد ایزدی
۳۲۷- فرهاد حیدری
۳۲۸- فرهاد شیخی
۳۲۹- فرهاد میری
۳۳۰- فریاد ناصری
۳۳۱- فریبا اسدی
۳۳۲- فریده کریمی
۳۳۳- فریده مولایی
۳۳۴- فوزیه خالصی
۳۳۵- فهیمه بادکوبه
۳۳۶- قادر نعمتی
۳۳۷- قاسم بهرامی
۳۳۸- قاسم شهریاری
۳۳۹- قدرت صیادی
۳۴۰- قنبر توحیدی نژاد
۳۴۱- قنبر حسین نژاد
۳۴۲- کامبیز نوروززاده
۳۴۳- کاوه مرتضوی
۳۴۴- کمیل قاسمی
۳۴۵- کوروش جلیل
۳۴۶- گلناز استکی
۳۴۷- گوهرتاج الهیاری
۳۴۸- لادن هدایتی
۳۴۹- لطیف روزیخواه
۳۵۰- لطیف قوامی
۳۵۱- لیلا جمشیدی
۳۵۲- ماریا بهدادنیا
۳۵۳- محبت حسینی
۳۵۴- محبت نعمتی
۳۵۵- محبوبه افشاری
۳۵۶- محبوبه رضایی
۳۵۷- محبوبه رضایانی
۳۵۸- محبوبه فرحزادی
۳۵۹- محبوبه کریمی
۳۶۰- محسن اخوان گوران
۳۶۱- محسن شادمان
۳۶۲- محسن قنبری
۳۶۳- محسن نورانی
۳۶۴- محمد باقر پرویز
۳۶۵- محمد ترکمانی
۳۶۶- محمد داوری

گزارش ویژه؛ شبکه تروریستی جمهوری اسلامی در آلبانی و اقدامات دادستانی ویژه در تیرانا



● در ارتباط با همین تحقیقات اخیر دادستانی ویژه آلبانی و اداره «مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم» که ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۲ گام به مرحله اجرایی گذاشت، جمهوری اسلامی پاسخ را به ارتش سایبری واگذار و در روز ۱۸ ژوئیه بسیاری از وبسایت‌های دولتی این کشور را هک کرد.

احمد رأفت - سازمان مجاهدین خلق ۳۱ تیرماه ۱۴۰۱ اعلام کرد که نشست سالانه این سازمان با عنوان «ایران آزاد» که قرار بود در روزهای شنبه و یکشنبه اول و دوم مرداد در «اشرف ۳» واقع در آلبانی با حضور میهمانان و سیاستمدارانی از کشورهای مختلف برگزار شود «به توصیه دولت آلبانی» تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاده است.

دو روز قبل از آن، سفارت آمریکا در تیرانا در بیانیه‌ای از شهروندان آمریکایی خواسته بود در این نشست حضور پیدا نکنند. در این بیانیه به «تهدیدهای بالقوه» علیه این نشست اشاره شده است. البته در این بیانیه و در اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق در مورد به تعویق افتادن این نشست هیچ اشاره‌ای به این «تهدیدهای بالقوه» نشده است.

در تماسی که کیهان لندن در تیرانا، پایتخت آلبانی، با مقامات پلیس و اداره مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم (SPAK) داشت نیز توضیحات بیشتری داده می‌شود. یکی از افسران پلیس که به اداره «مقابله با تبهکاری سازماندهی

شده و تروریسم» همکاری دارد به کیهان لندن می‌گوید «از سال ۲۰۱۸ میلادی ما به صورت موازی سه تحقیقات را در رابطه با حضور مامورین وابسته با وزارت اطلاعات و نیروی قدس سپاه پاسداران آغاز کردیم که یکی از آنها در ماه مارس ۲۰۲۲ تکمیل شد و آن را تحویل دادگاه جرائم سنگین (GJKKO) دادیم.»

این افسر پلیس در ادامه توضیح می‌دهد: «متمم این پرونده بیژن پولادگر، که در روستایی در حومه قصرشیرین

● یکی از افسران پلیس که به اداره «مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم» همکاری دارد به کیهان لندن می‌گوید «از سال ۲۰۱۸ میلادی ما به صورت موازی سه تحقیقات را در رابطه با حضور مامورین وابسته با وزارت اطلاعات و نیروی قدس سپاه پاسداران آغاز کردیم که یکی از آنها در ماه مارس ۲۰۲۲ تکمیل شد و آن را تحویل دادگاه جرائم سنگین (GJKKO) دادیم.»

● دادستانی ویژه در تاریخ ۱۲ ژوئیه امسال در یک مدرک رسمی ۶ صفحه‌ای که کیهان لندن به آن دست پیدا کرده، نتیجه بازرسی مامورین پلیس و اداره «مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم» از خانه و محل کار و اتومبیل‌های گروهی از اعضای سابق سازمان مجاهدین را که دارای روابط کم و بیش آشکار با سفارت جمهوری اسلامی در تیرانا هستند نیز به دادگاه فرستاده است. چنانکه در این گزارش ۶ صفحه‌ای اشاره شده، مامورین SPAK از منازل حسن حیرانی، مهدی سلیمانی، غلام شکاری، مصطفی بهشتی، حسن شهباز، سرفراز رحیمی، محمود دهقان، محمدرضا صدیق، رضا اسلامی، علی هاجری و دفتر انجمن حمایت از ایرانیان مقیم آلبانی (آسیلا)، بازرسی چند ساعتی به عمل آورده و این افراد را برای بازجویی به اداره پلیس برده و پس از ده ساعت با تعهد به اینکه محل اقامت خود را ترک نکنند آزاد کرده است.

● پلیس آلبانی معتقد است ۲۲ نفر از کسانی که مجاهدین را ترک کرده‌اند، با جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی‌اش همکاری دارند. یک مقام امنیتی به کیهان لندن می‌گوید «اگر سفارت ایران در تیرانا به آنها پاسپورت ایرانی بدهد آنها را اخراج خواهیم کرد، متأسفانه از نظر قانونی آنها بدون ملیت هستند و ما نمی‌توانیم آنها را به کشوری دیگری بفرستیم، بنابراین باید کلی وقت و پول خرج تحت نظارت قرار دادن آنها بکنیم.»

- ۴۲۶- مهران محبت
- ۴۲۷- مهرانه سرو آبادی
- ۴۲۸- مهرداد فلاح
- ۴۲۹- مهریار ظفرمهر
- ۴۳۰- مهناز دامور
- ۴۳۱- مهناز فرهنگمند
- ۴۳۲- مهناز قادرنیا
- ۴۳۳- مهناز گرجی
- ۴۳۴- مهوش سلیمانی
- ۴۳۵- مهوش نیکعهد
- ۴۳۶- مهوین بیگدلی
- ۴۳۷- میترا ابراهیمی
- ۴۳۸- میثم صفایی
- ۴۳۹- میثم غلامی
- ۴۴۰- میلاد علی محمدی
- ۴۴۱- مینو خدیو
- ۴۴۲- نادر پور سمیعی
- ۴۴۳- نادیا ادیبی
- ۴۴۴- ناصر تورانی
- ۴۴۵- ناهید خداجو
- ۴۴۶- نبی مرادیان
- ۴۴۷- ندا ناجی
- ۴۴۸- نرگس الیکایی
- ۴۴۹- نسترن خدایاری
- ۴۵۰- نسترن خوش‌سپه
- ۴۵۱- نسرين اشتیاق
- ۴۵۲- نسرين بهمن‌پور
- ۴۵۳- نسرين همايونفر
- ۴۵۴- نسیم بنی کمال
- ۴۵۵- نصرت‌الله بابایی
- ۴۵۶- نصرت یزدانی
- ۴۵۷- نعمت حیرانی
- ۴۵۸- نغمین حسینی
- ۴۵۹- نیکین فرهود
- ۴۶۰- نواب رحیم پور
- ۴۶۱- نوروز شاه‌مرادی
- ۴۶۲- نهضت غلامی
- ۴۶۳- نیکو نیکوکار
- ۴۶۴- نیما صفار
- ۴۶۵- واحد قربانی
- ۴۶۶- واله خزایی
- ۴۶۷- وحید سرخ‌کلی
- ۴۶۸- وحید صباغی
- ۴۶۹- وریا جهانبانی
- ۴۷۰- ولی خوش‌وطن
- ۴۷۱- ولی قاسمی
- ۴۷۲- ولی میرزا سیدی
- ۴۷۳- هادی رشیدی
- ۴۷۴- هادی شهبازی
- ۴۷۵- هادی وردی
- ۴۷۶- هاشم منصوری
- ۴۷۷- هدایت پناهی
- ۴۷۸- هرمز نادری
- ۴۷۹- هما خدووردیان
- ۴۸۰- هما کهزادی
- ۴۸۱- هوشیار انصاری‌فر
- ۴۸۲- هیوا نصرتی
- ۴۸۳- یاسین بابایی
- ۴۸۴- یاشار تبریزی
- ۴۸۵- یادالله محمودی
- ۴۸۶- یوسف احمدی
- ۳۶۷- محمدرضا امامی
- ۳۶۸- محمدرضا رمضان‌زاده
- ۳۶۹- محمدرضا کوهی
- ۳۷۰- محمدعلی کیایی
- ۳۷۱- محمد قاسمی
- ۳۷۲- محمد قائم مقامی
- ۳۷۳- محمد کاظمی
- ۳۷۴- محمد کرد
- ۳۷۵- محمد کریمی
- ۳۷۶- محمدگنابادی (جنابادی)
- ۳۷۷- محمد لطیف عباس‌پناه
- ۳۷۸- محمود صدیقی پور
- ۳۷۹- محمود ویسی
- ۳۸۰- مجتبی ابطیعی
- ۳۸۱- مرتضی الیاسی
- ۳۸۲- مرتضی خدایی
- ۳۸۳- مرتضی صیدی
- ۳۸۴- مرجان جعفرزاده
- ۳۸۵- مرجان غفاری
- ۳۸۶- مرضیه خدیور
- ۳۸۷- مرضیه قوامی
- ۳۸۸- مریم بابایی
- ۳۸۹- مریم باقری
- ۳۹۰- مریم پایاب
- ۳۹۱- مریم پورمحمد
- ۳۹۲- مریم جعفرزاده
- ۳۹۳- مریم چالابه
- ۳۹۴- مریم حسنی
- ۳۹۵- مریم رازانی
- ۳۹۶- مریم رمضان‌زاده
- ۳۹۷- مریم زلفی
- ۳۹۸- مریم طالبی
- ۳۹۹- مریم نوری
- ۴۰۰- مژگان خدیور
- ۴۰۱- مستانه غفاری
- ۴۰۲- مسعود زینال‌زاده
- ۴۰۳- مسعود فرهیخته
- ۴۰۴- مسعود قنبری
- ۴۰۵- مسعود طاهری
- ۴۰۵- مسعود میری
- ۴۰۶- مسیب‌المحسن بیسی‌گلگه
- ۴۰۷- مصطفی خاتمندی
- ۴۰۸- مصطفی خسروی
- ۴۰۹- مصطفی عبدی نژاد
- ۴۱۰- مظاهر شهاخت
- ۴۱۱- مظفر خطایی
- ۴۱۲- معین کیانی
- ۴۱۳- ملیحه فروزش
- ۴۱۴- منصور بروجردی
- ۴۱۵- منصور دادگر
- ۴۱۶- منصور قره‌خانی
- ۴۱۷- منصور منصورنژاد
- ۴۱۸- منصوره بهکیش
- ۴۱۹- منوچهر جعفریان
- ۴۲۰- منوچهر دیواند
- ۴۲۱- مهدی بابادی
- ۴۲۲- مهدی حبیبی
- ۴۲۳- مهدی خراسانی
- ۴۲۴- مهدی صادقی
- ۴۲۵- مهدی کرجمانی

«پس از اخراج سفیر قبلی جمهوری اسلامی در تیران، سفارت آنها تلاش دارد مستقیماً با این افراد رابطه نداشته باشد.»

در سال ۲۰۲۰ نیز سه ایرانی به عنوان روزنامه‌نگار با ویزایی از سفارت آلبانی در آنکارا وارد تیران شدند که امنیتی از آب درآمدند. آنها رسماً برای تهیه گزارشی از جشن‌های نوروزی فرقه بکتاشی‌ها که در آلبانی پیروان بسیاری دارند به این کشور سفر کرده بودند. بنیانگذار فرقه بکتاشی یک درویش نیشابوری به نام حاجی بکتاش ولی زاهد خراسانی است که در قرن سیزدهم میلادی می‌زیسته است. پیروان این فرقه همزمان با عید نوروز در ایران مراسم «نوروز سلطان» را در آلبانی و دیگر کشورهای منطقه بالکان برگزار می‌کنند. این سه «خبرنگار» البته بیش از آنکه درگیر مراسم «نوروز سلطان» باشند از مکان‌هایی فیلمبرداری می‌کردند که محل رفت و آمد و ایستگان به سازمان مجاهدین بود. محمد علوی گنابادی، فیروز باقرنژاد و محمد حیدر علاءالدین پس از چند روز توسط مأمورین امنیتی آلبانی بازداشت و پس از ساعت‌ها بازجویی اخراج شدند.

پایگاه مجاهدین در آلبانی که به آن نام «اشرف ۳» داده‌اند (اشرف ۱ و ۲ در عراق بودند) در منطقه مانزا در نزدیکی شهر بندری دوس قرار دارد. در این پایگاه، به گفته یک مقام پلیس آلبانی، حدود ۲۰۰۰ نفر از ۲۵۰۰ نفری که در سال ۱۳۹۵ از عراق به آلبانی منتقل شدند، زندگی می‌کنند. همین منبع به کیهان لندن می‌گوید در «حقیقت شهرکی که آنها در مانزا ساخته‌اند یک منطقه خودمختار است.»

در این سال‌ها بنا بر آماري که پلیس آلبانی در اختیار دارد، ۴۰۰ نفر پایگاه مجاهدین در مانزا را ترک کردند که ۳۰۰ نفر از آنها توانستند به صورت غیرقانونی از راه‌های زمینی و دریایی راهی دیگر کشورهای اروپایی بشوند. طبق همین آمار، تقاضای مهاجرت قانونی ۱۳ نفر نیز پذیرفته شده و در انتظار ویزا هستند که البته به دلیل شرایط کرونایی به تأخیر افتاده است. در این سال‌ها، باز هم طبق همین آمار، ۳۵ نفر به دلایل مختلف جان سپردند، ۳۰ نفر هم به دنبال زندگی عادی بدون درگیری سیاسی هستند.

پلیس آلبانی معتقد است ۲۲ نفر از کسانی که مجاهدین را ترک کرده‌اند، با جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی‌اش همکاری دارند. یک مقام امنیتی به کیهان لندن می‌گوید «اگر سفارت ایران در تیران به آنها پاسپورت ایرانی بدهد آنها را اخراج خواهیم کرد، متأسفانه از نظر قانونی آنها بدون ملیت هستند و ما نمی‌توانیم آنها را به کشوری دیگری بفرستیم، بنابراین باید کلی وقت و پول خرج تحت نظارت قرار دادن آنها بکنیم.»

جمهوری اسلامی در رابطه با دیگر کشورها همیشه از زبان زور و خشونت استفاده می‌کند. در ارتباط با همین تحقیقات اخیر دادستانی ویژه آلبانی و اداره «مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم» که ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۲ گام به مرحله اجرایی گذاشت، جمهوری اسلامی پاسخ را به ارتش سایبری واگذار و در روز ۱۸ ژوئیه بسیاری از وبسایت‌های دولتی این کشور را هک کرد. در این حمله سایبری که مسئولیت آن را گروهی با نام «عدالت برای وطن» به عهده گرفت، برای مدتی روی وبسایت‌های دولتی آلبانی صفحه قرمز رنگی قرار گرفت که عقاب‌ی (نماد پرچم آلبانی) به ستاره داود (نماد اسرائیل) حمله می‌کرد و در کنار آن به انگلیسی نوشته شده بود «چرا باید پول مالیات‌دهندگان را خرج تروریست‌ها در دوس کرد!» در اداره «مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم» آلبانی شک ندارند که پشت این حمله سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار دارد.

متولد شده، در سال ۲۰۲۰ بازداشت شده است. اتهام بیژن پولادگر که برگزاری دادگاه او تا کنون دو بار به دلیل عدم حضور وکیل مدافع و مترجم به تعویق افتاده، «همکاری با سازمان‌های تروریستی»، «جاسوسی برای دولت خارجی»، «تعقیب و مراقبت غیرقانونی» که شامل شنود تلفن برخی از مسئولین سازمان مجاهدین نیز می‌شود، و همچنین «اختلال در سیستم‌های رایانه‌ای» است.»

در همین ارتباط یک قاضی دادگاه جرائم سنگین در تیران به کیهان لندن می‌گوید «هرکدام از این جرائم بین ۷ تا ده سال زندان دارد.»

حدس زده می‌شود که بیژن پولادگر در صدد جمع‌آوری اطلاعات برای ترور مهدی آبریز شمس‌ی از رهبران رده بالای سازمان مجاهدین بوده است. مهدی آبریز شمس‌ی با نام سازمانی «بهمن تهران» شناخته می‌شود که یکی از رهبران ارشد سازمان مجاهدین است.

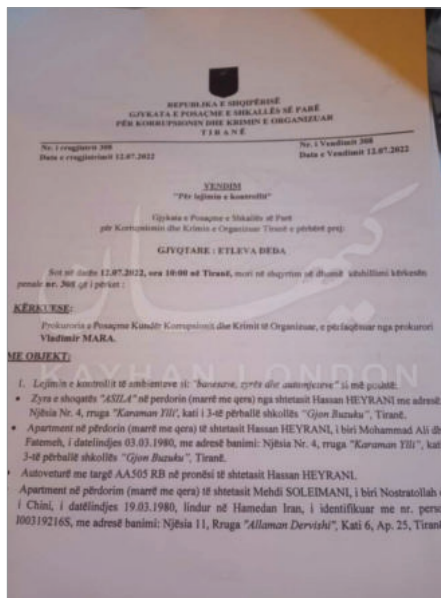
البته در این روزها پلیس آلبانی و اداره «مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم» درگیر پرونده دیگری نیز هستند.

دادستان اتلوا یددا (Etleva Deda) در تاریخ ۱۲ ژوئیه امسال در یک مدرک رسمی ۶ صفحه‌ای که کیهان لندن به آن دست پیدا کرده و فقط صفحه نخست آن در این گزارش منتشر می‌شود، نتیجه بازرسی مأمورین پلیس و اداره «مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم» از خانه و محل کار و اتومبیل‌های گروهی از اعضای سابق سازمان مجاهدین را که دارای روابط کم و بیش آشکار با سفارت جمهوری اسلامی در تیران هستند، به دادگاه ارائه کرده است. چنانکه در این گزارش ۶ صفحه‌ای اشاره شده، مأمورین SPAK از منازل حسن حیرانی، مهدی سلیمانی، غلام شکاری، مصطفی بهشتی، حسن شهباز، سرفراز رحیمی، محمود دهقان، محمدرضا صدیق، رضا اسلامی، علی هاجری و دفتر انجمن حمایت از ایرانیان مقیم آلبانی (آسیلا)، بازرسی چند ساعته به عمل آورده و این افراد را برای بازجویی به اداره پلیس برده و پس از ده ساعت با تعهد به اینکه محل اقامت خود را ترک نکنند آزاد کرده است.

در گزارش دادستانی آمده است که مأمورین کامپیوترها، هارد دیسک، سیم‌کارت‌های متعدد و تلفن‌های همراه این افراد را برای بازرسی دقیق‌تر ضبط کرده و برده‌اند. آنها همچنین در مورد پول‌هایی که در این منازل چه به لک (واحد پولی آلبانی) و چه یورو و دیگر واحدهای پولی پیدا کرده‌اند، توضیح خواستند. گویا مقدار پولی که در منازل برخی از این افراد یافته شده، متناسب با درآمد آنها و یا کمک هزینه‌ای که از «کمیساریای سازمان ملل متحد برای امور پناهندگان» دریافت می‌کنند نیست. برخی افرادی که خانه‌های آنها مورد بازرسی مأمورین SPAK قرار گرفته، در حین عکسبرداری در محله واکار، واقع در حومه تیران، که محل زندگی برخی از کادریهای سازمان مجاهدین خلق است شناسایی شده‌اند.

از کامپیوترهای برخی از این افراد مدارکی به دست آمده که مشکوک به نظر می‌رسد و در حال حاضر جهت بررسی بیشتر در اختیار دادستانی قرار گرفته‌اند و نه تنها باید از فارسی به آلبانیایی ترجمه شوند بلکه می‌بایست رمزگشایی نیز بشوند. در برخی از آنها از طرف مقابل در ایران با عنوان «حاجی» یاد می‌شود که دستوراتی را صادر می‌کند. نام دیگری که این «حاجی»، که بنا بر حدس مأمورین آلبانیایی افسر رابط گروه مستقر در تیران با نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده، استفاده می‌کند «پیمان» است. «پیمان» برای نیروهای امنیتی آلبانی، نام آشنایی است چرا که گروه دیگری که در گذشته شناسایی شده بود نیز با «پیمان» در

این گروه سه نفر را در بر می‌گرفت که یکی از آنها علیرضا نقاش‌زاده از اعضای سابق مجاهدین است که بارها با پاسپورت اتریشی با نام «اروین آرام» به آلبانی سفر کرده است. دو نام دیگری که در این تحقیقات که در سال ۲۰۱۸ آغاز شده به چشم می‌خورند، عبدالخالق ملک‌زاده و عبدالسلام تورگوت هستند. به گفته مقامات امنیتی آلبانی



صفحه نخست گزارش ۶ صفحه‌ای پلیس و اداره «مقابله با تبهکاری سازماندهی شده و تروریسم» که روز ۱۲ ژوئیه به دادگاه ارائه شده است

عبدالخالق ملک‌زاده یک مأمور اطلاعاتی جمهوری اسلامی با پاسپورت ترکیه‌ای است در حالی که عبدالسلام تورگوت یک بزهدار خطرناک اهل ترکیه است که در گذشته در آلبانی به جرم قاچاق مواد مخدر در زندان بوده است.

سفارت جمهوری اسلامی چه امروز و چه در گذشته با این گروه‌ها در تماس بوده است. در دسامبر سال ۲۰۱۸، دولت آلبانی غلامحسین محمدنیا سفیر وقت جمهوری اسلامی در این کشور و عضو سابق هیات مذاکره‌کننده اتمی را همراه با یک دیپلمات دیگر به عنوان «عناصر نامطلوب» که در «فعالیت‌های غیرقانونی ضد امنیت کشور» شرکت داشتند از این کشور اخراج کرد.

غلامحسین محمدنیا گویا با طراحان یک اقدام تروریستی هنگام سفر تیم فوتبال اسرائیل به آلبانی برای دیداری با تیم فوتبال این کشور در تماس بوده است. در این رابطه، در همان سال در آستانه این دیدار ورزشی ۲۰ شهروند آلبانی و کوزوویی نیز دستگیر شدند. در آلمان علی خامنه‌ای در واکنش به اخراج غلامحسین محمدنیا این تصمیم را به خیزش مردمی آبان ۹۸ ربط داد. رهبر جمهوری اسلامی گفته بود «قبل از وقوع قضایای آبان، یک عنصر آمریکایی با عده‌ای ایرانی مزدور و وطن‌فروش در یک کشور کوچک اما واقعاً شریر و خبیث اروپایی [آلبانی] دور هم جمع شدند و نقشه‌های قبلی خود را برای حوادثی که چند روز بعد اتفاق افتاد به‌روز کردند.»

یک منبع در دفتر دادستانی در تیران به کیهان لندن می‌گوید «کانال اصلی ارتباط نیروی قدس سپاه پاسداران با افرادی که در آلبانی دارند، تلگرام است و پیام‌های رمزگذاری شده بسیاری ما در این شبکه به دست آورده‌ایم که سرگرم رمزگشایی از آنها هستیم.» همین منبع در ادامه می‌افزاید

اوکراین همچنین موفق به پس گرفتن چندین روستا و شهر کوچکتر در این منطقه شده؛ مناطقی که تقریباً بطور کامل با خاک یکسان شده‌اند اما همچنان پیروزی‌های نمادین مهمی به شمار می‌رود و توجه زیادی را در رسانه‌های اوکراینی به خود جلب کرده‌اند.

در عین حال، اطلاعاتی وجود دارد که نشان می‌دهد که انواع خاصی از مهمات روسی در حال تمام شدن است.

به گفته ویتالیک کیم فرماندار میکولاجیف این شهر اخیراً با موشک‌های ضدهوایی C-300 مورد حمله قرار گرفت! موشک‌هایی که برای اهداف روی زمین نامناسب و نادقیق هستند. داده‌های سرویس اطلاعات نظامی اوکراین که توسط بریتانیا نیز تأیید شده است ادعا می‌کند که روسیه ۵۵ تا ۶۰ درصد از انبارهای موشک‌های نقطه‌زن خود را مصرف کرده و مجبور به استفاده از جنگ‌افزارهایی شده که کارایی دقیق ندارند. منابع دیگر ادعا می‌کنند که ارتش روسیه بطور فزاینده برای یافتن نیروی انسانی و برای پر کردن جای سربازان کشته‌شده و زخمی مشکل پیدا می‌کند.

این ادعا توسط ایگور گیرکین، یک افسر امنیت داخلی، که در طول جنگ دونباس در سال ۲۰۱۴ رهبر جدایی‌طلبان طرفدار روسیه بود نیز مطرح شده. او یک ناسیونالیست افراطی روس است، اما در عین حال از طریق کانال‌های مختلف، اطلاعات دقیقی را منتشر کرده و از جنگ روسیه علیه اوکراین انتقاد می‌کند. وقتی انتقال جریان گاز روسیه به عنوان ابزار تهدید علیه کشورهای اتحادیه اروپا به کار گرفته می‌شود تا بین آنها تفرقه بیندازد و همچنین وقتی شکست در انتخابات پاییز کناره آمریکا بایندن را تهدید می‌کند، پس باید به افکار عمومی غرب دلگرمی داد که اوکراین واقعاً می‌تواند در جنگ پیروز شود. اگر حمایت مردمی از اوکراین تحت فشار تورم و سرما در خانه‌های اروپا از بین برود، دولت‌های منتخب دموکراتیک ممکن است با دولت‌های دیگری جایگزین شوند که نسبت به مسکو بیشتر «مماشاتگر» هستند و یا دست‌کم توجیه فرستادن پر هزینه تسلیحات به کی‌یف برایشان دشوارتر باشد. و البته بدون این تسلیحات، اوکراین نمی‌تواند در هیچ جنگی پیروز شود.

به گفته ایگور گیرکین، نیروهای جدید جذب شده در ارتش روسیه نمی‌توانند جای خالی همه کسانی را که کشته می‌شوند یا قراردادشان به پایان می‌رسد پر کنند.

البته به همه این اطلاعات در مورد کامیابی‌های اوکراین و ناکامی‌های روسیه هنوز می‌بایست با کمی شک و تردید نگاه کرد. اینکه زلینسکی اکنون لحنی خوش‌بینانه دارد، صرف نظر از وضعیت جبهه، می‌تواند بخشی از «جنگ اطلاعاتی» نیز باشد. مردم اوکراین که پس از پنج ماه جنگ خسته شده‌اند، تشنه اخبار مثبت و امیدوارکننده هستند. اخباری که می‌تواند به مردم این احساس را بدهد که فداکاری‌های آنان بی‌هوده نبوده است. اما بیشتر از آن، این پیام رو به سوی متحدان اوکراین در غرب دارد.

*منبع: وبسایت «خبرهای روز» سوئد

*ترجمه و تنظیم: فرامرز نوروزی



سیستم چندموشکی یا توپخانه موشکی دوربرد «هایمارس» ساخت آمریکا

نامیدانه برای دریافت کمک شبیه بود. اما وی شامگاه پنجشنبه ۲۱ ژوئیه برخلاف گذشته پس از دیدار با رهبران ارتش نظامی کشور، درباره افزایش شدت ضدمحمله علیه نیروهای روسی سخن گفت و اعلام کرد: «در این نشست، ما توان بزرگی را که برای پیشروی در جبهه و وارد کردن خسارات گسترده جدیدی به اشغالگران داریم، هماهنگ کردیم.»

آنچه زلینسکی به آن اشاره کرد، حمله‌ای بود که البته مدت‌ها پیش در جنوب اوکراین با هدف پس گرفتن شهر بندری خرسون اعلام شده بود. اما پس‌زمینه خوش‌بینی جدید این است که اوکراینی‌ها بطور جدی استفاده از سامانه توپخانه چندموشکی دوربرد «هایمارس» را که از ایالات متحده تحویل گرفته‌اند آغاز کرده‌اند. دوازده سیستم از این دست در حال حاضر فعال است و چهار سیستم دیگر نیز به زودی وارد جنگ خواهد شد. به گفته رهبران ارتش اوکراین، در هفته گذشته، هایمارس‌ها با موفقیت در کوبیدن انبارهای مهمات و مراکز فرماندهی روسیه در اراضی اشغالی استفاده شده است. یک پل مهم استراتژیک بر رودخانه دنیپر در خرسون نیز در اثر موشک‌ها آسیب جدی دیده است.

دور از خط مقدم جنگ، در یک کنفرانس امنیتی در کلرادو، چندین نماینده غربی پیام خوش‌بینانه‌ی زلینسکی را تأیید کرده‌اند. ویلیام برنز رئیس سیا از جمله مدعی شد که ۱۵۰۰۰ سرباز روسی در این جنگ کشته و سه یا چهار برابر این تعداد زخمی شده‌اند. این بدان معناست که بیش از ۷۵۰۰۰ نفر توان پیکار ندارند- رقمی بسیار بالاتر از آنچه در گذشته از سوی آمریکایی‌ها اعلام شده بود.

ریچارد مور رئیس ام آی ۶ بریتانیا نیز به صراحت گفته است که حملات روسیه «در آستانه فروکش است». وی گفت: «نظر ما این است که روس‌ها در هفته‌های آینده به سختی بتوانند نیروی انسانی و مهمات تهیه کنند. این به اوکراینی‌ها فرصتی می‌دهد تا با ارتش روسیه ستیز بیشتری کنند.»

حمله روسیه در دونباس نیز متوقف شده؛ احتمالاً تا حدی در نتیجه تلفات سنگینی که روس‌ها هنگام تصرف شهرهای سیویرودونتسک و لیزیتیانسک در چند هفته پیش متحمل شدند.

نشانه‌های چرخش در جنگ اوکراین به زیان روسیه؛ نشانه‌هایی که کشاندن پای جمهوری اسلامی به جنگ پوتین را تأیید می‌کنند!

● نشانه‌هایی برای پیروزی وجود دارد اما نه قطعی؛ نشانه‌هایی مبنی بر اینکه بخت و اقبال در جنگ به نفع اوکراین تغییر می‌کند. تغییری که بیش از همه به این بستگی دارد که کشورهای غربی در حمایت از کی‌یف پا پس نکشند. ● پس‌زمینه خوش‌بینی جدید این است که اوکراینی‌ها بطور جدی استفاده از سامانه توپخانه چندموشکی دوربرد «هایمارس» را که از ایالات متحده تحویل گرفته‌اند آغاز کرده‌اند.

● داده‌های سرویس اطلاعات نظامی اوکراین که توسط بریتانیا نیز تأیید شده است ادعا می‌کند که روسیه ۵۵ تا ۶۰ درصد از انبارهای موشک‌های نقطه‌زن خود را مصرف کرده و مجبور به استفاده از جنگ‌افزارهایی شده که کارایی دقیق ندارند.

● منابع دیگر ادعا می‌کنند که ارتش روسیه بطور فزاینده برای یافتن نیروی انسانی و برای پر کردن جای سربازان کشته‌شده و زخمی مشکل پیدا می‌کند.

ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین پیام جدیدی برای جهان خارج دارد: اوکراین در راه پیروزی در جنگ است. ادعایی که با اظهارات مدیران اطلاعاتی بریتانیا و آمریکا همخوانی دارد. زلینسکی هر شب از دفتر کارش با مردم کشورش سخن می‌گوید و در سخنان اخیر بسیار خوش‌بین است و نوید پیروزی اوکراین در جنگی را می‌دهد که روسیه با حمله نظامی به مردم اوکراین تحمیل کرده است.

البته نشانه‌هایی برای پیروزی وجود دارد اما نه قطعی؛ نشانه‌هایی مبنی بر اینکه بخت و اقبال در جنگ به نفع اوکراین تغییر می‌کند. تغییری که بیش از همه به این بستگی دارد که کشورهای غربی در حمایت از کی‌یف پا پس نکشند. لحن زلینسکی در سخنرانی‌های روزانه او خطاب به ملت اوکراین از بدبینی به خوش‌بینی تغییر کرده؛ روزهایی که آمار تلفات سنگین تا ۲۰۰ سرباز اوکراینی در روز اعلام می‌شد.

تقاضا برای تحویل تسلیحات جدید از غرب که یکی از ویژگی‌های ثابت بیانیه‌های اوست بطور فزاینده به فریادهای

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in children
Barnardo's



تازه‌ترین فیلم جعفر پناهی در بخش رقابتی هفتاد و نهمین جشنواره سینمایی ونیز

کنند که از جمله می‌توان به دارن آرونوفسکی، آلخاندرو ایناریتو، فلوریا ولز، فلوریان زلر، لوکا گوادانینو و فردریک وایزمن اشاره کرد. البته برخی از منتقدین سینمایی معتقدند که با حضور لیلا حاتم‌ی در هیأت داوران و با توجه به زندانی بودن جعفر پناهی، شانس «خرس نیست» برای دریافت شیر طلایی و یا جایزه ویژه هیأت داوران کم نیست.

در این میان رسانه‌های داخلی جمهوری اسلامی به جوسازی پرداخته و چنین تبلیغ می‌کنند که فیلم پناهی به این دلیل در جشنواره ونیز قبول شده که او دستگیر و زندانی شده است! در ارتباط با اینکه فیلم پناهی ماه‌ها قبل برای شرکت در جشنواره پذیرفته شده بود، طاهره سعیدی همسر جعفر پناهی در اینستاگرام خود جوابیه‌ای منتشر کرده و از جمله نوشته است: «فیلم سینمایی «خرس نیست» زمستان سال گذشته ساخته شد و جعفر همان زمان و با اتمام کارهای فنی، یعنی اوایل سال ۱۴۰۱ از بین دو فستیوال مهم پیش رو، یعنی کن و ونیز، ترجیح داد دعوت رسمی فستیوال ونیز را قبول کند و چون متعهد به شرایط حرفه‌ای جشنواره‌ها بود، نمی‌بایست پیش از اعلام رسمی جشنواره ونیز این خبر را اعلام می‌کرد.» همسر پناهی همچنین افزوده: «اینها مال زمانی پیش از حالا بود. زمانی که جعفر حتا گمان نمی‌کرد چند ماه بعد، وقتی برای پیگیری و اعتراض به روند دستگیری همکارانش به مراجع رسمی مراجعه کند به فراقانونی‌ترین شکل ممکن دستگیر شود.»

جشنواره ونیز بلافاصله پس از بازداشت مجدد جعفر پناهی و انتقال او به زندان برای گذراندن دوران محکومیت ۶ ساله‌اش، با صدور بیانیه‌ای ضمن ابراز نگرانی از بازداشت سینماگران در ایران، «اقدامات سرکوبگرانه‌ی در حال اجرا» علیه هنرمندان را محکوم کرد و خواستار آزادی فیلمسازان زندانی در دفاع از حق آزادی بیان و آفرینش هنری شد.

جعفر پناهی کارگردانی بسیار شناخته شده در ایتالیا است و در سال ۱۳۸۹ هنگامی که در بازداشت بود در بسیاری از شهرهای ایتالیا تجمعات گسترده‌ای برای آزادی وی برگزار شدند که از جمله می‌توان به چند صد اکران فیلم «آفساید» در سینماهای شهرهای مختلف برای دانشجویان و گفتگو در مورد این کارگردان اشاره کرد. در شهر رم در همان سال مراسمی در یکی از بزرگترین سینماهای پایتخت ایتالیا برگزار شد که به صورت مستقیم از یکی از کانال‌های تلویزیون دولتی نیز پخش شد. در این مراسم که بسیاری از چهره‌های نامدار سینمای ایتالیا حضور داشتند، کارگردان فقید ایتالیایی، برناردو برتولوچی که سخت بیمار بود با صدلی چرخدار و همراهی یک پزشک حضور پیدا کرد تا شخصا پیامی را که جعفر پناهی از زندان فرستاده بود برای حاضرین بخواند.

به چشم می‌خورد. البته جشنواره بین‌المللی سینمای ونیز قبلا لیلا حاتم‌ی را نیز به عنوان یکی از داوران بخش اصلی و رقابتی این جشنواره معرفی کرده بود. ریاست هیأت داوران امسال با هنرپیشه سرشناس آمریکایی جولیان مور است.

در بخش رقابتی جشنواره امسال ۲۳ فیلم حضور دارند که در میان آنها نام دو فیلم از سینماگران ایرانی نیز دیده می‌شود: «خرس نیست» از جعفر پناهی و «شب، داخلی، دیوار» از وحید جلیلوند. هر دو کارگردان نه تنها سابقه حضور در جشنواره‌های سال‌های گذشته ونیز را دارند، بلکه هرکدام نیز با یک «شیر» به خانه بازگشته‌اند.

در سال ۲۰۰۰ میلادی جعفر پناهی توانست برای فیلم «دایره» تنها شیر طلایی تاریخ سینمای ایران را به دست آورد. در سال ۲۰۱۷ نیز که وحید جلیلوند برای دومین بار با «بدون تاریخ، بدون امضاء» به ونیز آمده بود و در بخش «افق‌ها» حضور داشت نه تنها «شیر نقره‌ای» بهترین کارگردانی را از آن خود ساخت، بلکه نوید محمدزاده هنرپیشه این فیلم نیز با جایزه بهترین بازیگر مرد به تهران بازگشت. وحید جلیلوند در سال ۲۰۱۵ میلادی با فیلم «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» نیز در جشنواره ونیز شرکت داشت.

در سال‌های گذشته دو سینماگر دیگر ایرانی نیز توانستند شیر نقره‌ای بهترین کارگردانی را به دست آورند: بابک پیامی در سال ۲۰۰۱ با «رای مخفی» و شیرین نشاط در سال ۲۰۰۹ با «زنان بدون مردان».

«افق‌ها» یکی دیگر از بخش‌های جشنواره سینمایی ونیز است. امسال در بخش رقابتی «افق‌ها» هومن سیدی با ششمین فیلم بلند خود «جنگ جهانی سوم» حضور دارد. در بخش غیر رقابتی «افق‌ها» نیز «بی‌رویا» اولین فیلم بلند آرین وزیردتری اکران خواهد شد. باید گفت که آرین وزیردتری در نگارش سناریوی «جنگ جهانی سوم» با هومن سیدی همکاری داشته است و هومن سیدی هم یکی از تهیه‌کنندگان «بی‌رویا» است.

از چند سال پیش بخش جدیدی به جشنواره ونیز با نام «کالج بیناله» افزوده شده است. در طول سال جشنواره ونیز چند صد طرح فیلم برای این بخش دریافت می‌کند، که ۱۲ طرح برای شرکت در یک کارگاه انتخاب می‌شوند. در نهایت ۴ طرح به صورت فیلم در جشنواره حضور پیدا می‌کنند. امسال یکی از این فیلم‌ها محصول مشترک جمهوری اسلامی و جمهوری آذربایجان است: «بانو» به کارگردانی تهیمینه رافائلا تنها کارگردان فیلم‌های بلند در جمهوری آذربایجان، و با تهیه‌کنندگی کتابیون شهابی بنیانگذار «نوری پیکچرز».

در بخش اصلی و رقابتی جشنواره فیلم‌های جعفر پناهی و وحید جلیلوند باید با ۲۱ فیلم و کارگردان دیگر رقابت

● در هفتاد و نهمین جشنواره سینمایی ونیز سینماگران ایران حضور چشمگیری خواهند داشت. لیلا حاتم‌ی یکی از داوران بخش اصلی جشنواره است. در این بخش «خرس نیست» از جعفر پناهی و «شب، داخلی، دیوار» از وحید جلیلوند اکران خواهند شد. بخش «افق‌ها» نیز میزبان «جنگ جهانی سوم» از هومن سیدی و «بی‌رویا» اولین فیلم بلند آرین وزیردتری خواهد بود. «بانو» محصول مشترک جمهوری اسلامی و جمهوری آذربایجان به کارگردانی تهیمینه رافائلا و تهیه‌کنندگی کتابیون شهابی نیز یکی از ۴ فیلم بخش «بیناله کالج» است.

● جعفر پناهی تنها کارگردان ایرانی است که با فیلم «دایره» توانست در سال ۲۰۰۰ میلادی با شیر طلایی از قدیمی‌ترین جشنواره فیلم جهان به خانه بازگردد. وحید جلیلوند نیز که دیگر کارگردان حاضر در بخش رقابتی جشنواره ونیز امسال است در سال ۲۰۱۷ برای کارگردانی «بدون تاریخ، بدون امضاء» شیر نقره‌ای ونیز را به دست آورده بود. نوید محمدزاده برای همین فیلم جایزه بهترین بازیگر مرد این جشنواره را دریافت کرد.

● آندرا باربرا مدیر جشنواره سینمایی ونیز کنفرانس مطبوعاتی اعلام فیلم‌های شرکت‌کننده در ۱۷۹مین جشنواره را با اشاره به زندانی بودن سینماگران در جمهوری اسلامی آغاز کرد. آندرا باربرا گفت جشنواره‌ها پنجره‌ای رو به جهان هستند و «ما نمی‌خواستیم هرگز از این پنجره شاهد دستگیری سه کارگردان، جعفر پناهی، محمد رسول‌اف و مصطفی آل‌احمد تنها به اتهام اعتقاد به آزادی بیان باشیم.»

احمد رأفت - سه‌شنبه صبح ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۲ در یک کنفرانس مطبوعاتی، آندرا باربرا فهرست فیلم‌هایی را که در ۱۷۹مین جشنواره ونیز، قدیمی‌ترین جشنواره سینمایی جهان، حضور خواهند داشت اعلام کرد.

آندرا باربرا مدیر جشنواره سینمایی ونیز کنفرانس مطبوعاتی اعلام فیلم‌های شرکت‌کننده در ۱۷۹مین جشنواره را با اشاره به زندانی بودن کارگردانان در جمهوری اسلامی آغاز کرد. آندرا باربرا گفت «جشنواره‌های سینمایی پنجره‌ای رو به جهان هستند و ما از این پنجره در ونیز چیزهایی می‌بینیم که هرگز نمی‌خواستیم ببینیم.» مدیر جشنواره ونیز پس از اشاره به حمله نظامی روسیه به اوکراین گفت «ما نمی‌خواستیم شاهد دستگیری سه کارگردان، جعفر پناهی، محمد رسول‌اف و مصطفی آل‌احمد تنها به اتهام اعتقاد به آزادی بیان باشیم.»

در فهرست فیلم‌هایی که از ۳۱ اوت تا ۹ سپتامبر در ۱۷۹مین جشنواره سینمایی ونیز حضور دارند نام چهار سینماگر ایرانی

«ایرانستان»، یکی از ایالت‌های امپراتوری روسیه پوتین؟!!



● یکی از بحران‌های خامنه‌ای، مسئله جانشینی ست که او ظاهراً قصد دارد با کمک پوتین آن را حل و فصل کند. روس‌های آشنا به امور ایران آشکارا در پژوهش‌های خود، روسیه را به عنوان ضامن استحکام جمهوری اسلامی، حتی پس از مرگ خامنه‌ای مطرح کرده‌اند.

● صاحبان قدرت در ایران نیز دست پُری برای عرضه به روسیه دارند. جمهوری اسلامی پذیرفته است که روسیه آن را از بازار نفت به حاشیه براند. اینکه بلندپایه‌ترین مقام جمهوری اسلامی که در فرودگاه مهرآباد از پوتین استقبال کرد، وزیر نفت بود، بیش از فقط یک عمل نمادین بود.

● محمدرضا شاه پهلوی زمانی هشدار می‌داد که اگر پادشاهی در ایران سقوط کند، ایران به ایرانستان تبدیل می‌شود. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی از سر ضعف و بی‌مایگی در راهی قدم گذاشته که در نهایت ایران را به یکی از ایالت‌های امپراتوری روسیه بدل خواهد کرد.

علی صدرزاده (ایران ژورنال) - سفر ولادیمیر پوتین به تهران نقطه عطفی در رابطه روسیه و ایران است. روسیه سعی دارد با تمام نیرو جمهوری اسلامی را در جنگ با اوکراین متحد خود سازد. صاحبان قدرت در تهران آماده‌اند که تسلیم همسایه‌ی ابرقدرت شوند. آنها قدرت خود را به دلیل بحران‌های بی‌شمار داخلی و خارجی در مخاطره می‌بینند. روسیه در قیامت قدرت تضمین‌کننده استحکام ملاحا، حتی پس از مرگ خامنه‌ای ظاهر شده است.

ائتلاف استراژیک کلیدواژه ولادیمیر پوتین در سفرش به تهران است. سخنگوی کرملین دیمیتری پشکو به همان میزان بر آن تاکید می‌کند که ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری اسلامی؛ همچنانکه تمامی رسانه‌های حکومتی به تکرار آن پرداخته‌اند. اقدامات متحد علیه تحریم‌های کشورهای غربی، عدم رقابت در بازار جهانی نفت با یکدیگر و پایه‌گذاری همکاری‌ها نظامی در چشم‌انداز درازمدت، نکاتی هستند که سخنگوی کرملین مطرح کرده و در انطباق کامل با نقطه نظرات علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی قرار دارند.

«ابتکار عمل شما در اوکراین باعث پیشی گرفتن از ناتو شد. اگر شما اقدام نکرده بودید، ناتو با بهانه کریمه اقدام به جنگ می‌کرد. اقدامات مخرب غرب باعث فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شد. اما رهبری مصمم شما قدرت روسیه را باز پس گرفت.» این جملات را علی خامنه‌ای خطاب به ولادیمیر پوتین در ملاقاتش با او بیان کرد. تا کنون هیچ سیاستمدار شاخصی در جهان بطور علنی چنین از جنگ اوکراین حمایت نکرده است، حتی دیکتاتور بلاروس و کره شمالی!

دشمنی علی خامنه‌ای با تمام مظاهر غربی رگه‌های بیمارگونه دارد. او تنفرش را از فرهنگ غربی طی بیش از سی سال رهبری خود تقریباً هر روز به نمایش گذاشته است. ما نمی‌دانیم که رهبر ۸۳ ساله جمهوری اسلامی چه مدت زمانی توان ادامه حکومت خود را دارد. بحران‌های بی‌شمار و خطرناکی، هم درونی و هم بیرونی از مرزهای کشور، قدرت او را به مخاطره انداخته‌اند. اینکه چه کسی جانشین او خواهد شد، محل بحث و جدل‌های فراوان پیدا و پنهان است.

تسلیم ابدی

یکی از این بحران‌ها، مسئله جانشینی ست که او ظاهراً قصد دارد با کمک پوتین آن را حل و فصل کند. روس‌های آشنا به امور ایران آشکارا در پژوهش‌های خود، روسیه را به عنوان ضامن استحکام جمهوری اسلامی، حتی پس از مرگ خامنه‌ای مطرح کرده‌اند.

اینکه آیا این ضمانت شامل حال مجتبی خامنه‌ای هم خواهد بود یا نه آینده نشان خواهد داد. مجتبی پسر دُرْدانه‌ی پدر است که فعلاً امور کشور را رتق و فتق می‌کند. او هم مانند پدر به صورت فنانیک ضدغرب، بی‌رحم و پر از شقاوت است. این مشخصات را کسانی در مورد مجتبی خامنه‌ای بازگو می‌کنند که رشد و نمو او را از نزدیک ناظر بوده‌اند. رفتار و کردار خامنه‌ای ادامه یک سنت مخرب در تاریخ حکومت‌های ایران است؛ هرگاه قدرت خود را در خطر می‌دیدند، به یک قدرت بزرگ خارجی پناه می‌بردند. اکنون روسیه پوتین است که قرار است حکومت متزلزل خامنه‌ای را استحکام بخشد.

صاحبان قدرت در ایران نیز دست پُری برای عرضه به روسیه دارند. جمهوری اسلامی پذیرفته است که روسیه آن را از بازار نفت به حاشیه براند. اینکه بلندپایه‌ترین مقام جمهوری اسلامی که در فرودگاه مهرآباد از پوتین استقبال کرد، وزیر نفت بود، بیش از فقط یک عمل نمادین بود.

تجربه دور زدن تحریم‌ها

جمهوری اسلامی از زمان تأسیس تا کنون زیر تحریم‌های خارجی به حیات خود ادامه داده است. درد زایمان و ظهور این «جمهوری» با اشغال سفارت ایالات متحده آمریکا و آغاز ورود ناهنجار آن به صحنه سیاسی جهان همراه شد. در چهار دهه گذشته با گسترش بحران‌های خارجی، تحریم‌ها هم افزون‌تر شدند. اقدامات تروریستی در خارج از کشور، برنامه اتمی مناقشه‌برانگیز و دخالت فعال و جنگ‌افروزی در منطقه خاورمیانه و فراتر از آن، جرمی از تحریم‌ها را بر جمهوری اسلامی تحمیل کرده که در تاریخ دیپلماسی جهانی بی‌سابقه است. اما حکمرانان جمهوری اسلامی تا کنون شیادانه قدرت خود را حفظ کرده‌اند. آنها شبکه‌ای جهانی جهت دور زدن تحریم‌ها به راه انداختند تا بتوانند

به نیازمندی‌های حداقلی خود در خارج از کشور دست یابند. دفاتر حقوقی در کشورهای عربی، در درجه نخست امارات متحده عربی، کاسبان بی‌وجدان اروپایی، ایرانیانی با تابعیت کشورهای خارجی، البته با انگیزه‌های کاملاً متفاوت، در سراسر جهان اعضای این شبکه هستند. آنها مؤسسين شرکت‌ها، دفاتر حقوقی و آژانس‌های متنوع با نام‌های خودرآوردی هستند که البته در سال‌های اخیر موفقیت‌های چشمگیری در دور زدن تحریم‌ها داشته‌اند. آنها شرکت‌های کشتیرانی را برای حمل و نقل نفت در بازار سیاه به خدمت گرفتند، تجارت تسلیحات را برای بسیاری از جنگ‌های داخلی، که جمهوری اسلامی در آن منافع دارد، سازماندهی کردند، اجناس ضروری را به ایران قاچاق کردند البته برای صاحبان قدرت و کالاهایی که مردم معمولی از راه‌های معمول به آن دسترسی ندارند.

بدین ترتیب طی ۴۰ سال گذشته گنجینه‌ای از تجارب را برای دور زدن تحریم‌ها به دست آوردند که می‌تواند برای پوتین تحریم شده نیز بسیار اهمیت داشته باشد.

روسیه و برجام

روسیه یکی از پنج طرفین توافق اتمی موسوم به «برجام» با جمهوری اسلامی ایران است. ما نمی‌دانیم که آیا پوتین قصد نجات برجام را دارد. شواهدی که از روسیه دریافت می‌شود، کاملاً متناقض است. رئیس دولت روسیه پس از حمله به اوکراین مجدداً خواستار رعایت حقوق ویژه کشورش و حذف تحریم‌های جهانی علیه روسیه در رابطه با توافق احتمالی حول محور برجام با جمهوری اسلامی ایران شده است. بعد از آن این گمان قوت گرفته که برجام در عمل مُرده است.

جو بایدن که دو روز قبل از سفر پوتین به تهران، سفر به خاورمیانه را پایان داده بود، گفته است: «هرگز اجازه نخواهیم داد که ایران بمب اتمی بسازد و نمی‌گذاریم جای خالی آمریکا در منطقه توسط چین و روسیه و جمهوری اسلامی ایران پر شود».

تهدید با بمب اتمی

هنوز جو بایدن در هواپیما در حال بازگشت به ایالات متحده بود که کمال خرازی مهمترین مشاور سیاست



فرودگاهی که هواپیمای جو بایدن در آن فرود آمده بود، سپاه پاسداران از یک ناو هواپیمابر رونمایی کرد که تعداد زیادی پهپاد روی عرشه آن مشاهده می‌شد و با تبلیغات فراوان آن را به عنوان «عملیات قهرمانانه و پراهمیت» در رسانه‌ها و وبسایت‌های خود بزرگ داشتند. چک سالیوان مشاور امنیتی جو بایدن کمی قبل از سفر بایدن و پوتین به منطقه خاورمیانه اعلام کرده بود که ایران قصد دارد، صدها پهپاد را به روسیه تحویل دهد. خبری که تقریباً در تمام رسانه‌های غربی بازتاب گسترده یافت.

از آنجا که جمهوری اسلامی از نیروی هوایی مؤثر محروم است، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تمام نیروی خود را برای تحقق یک برنامه گسترده موشکی و ساخت پهپاد هزینه نموده است. در مورد اینکه روسیه اصولاً به این پهپادها نیازمند است و واقعا قصد دریافت آنها را دارد، گمان‌های فراوانی مطرح می‌شود. افشار سلیمانی که سال‌ها سفير جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان و معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی بوده است و به عنوان فردی شناخته می‌شود که گویا با امور روسیه آشنایی خوبی دارد، پس از عزیمت پوتین از ایران به وبسایت «ایران دیپلماسی» گفت که روسیه تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد که پای ایران را به جنگ اوکراین باز کند.

فراموش نکنیم که پهپادها از کجا می‌آیند

در جمهوری اسلامی یکی از مؤثرترین پهپادها را «آبایل» نامیده‌اند. اگر بایدن و پوتین و زلینسکی می‌خواهند بدانند که معنی «آبایل» چیست، بهتر است به قرآن و سوره فیل ۱۰۵ مراجعه کنند:

«به نام خدای بخشنده مهربان

نتوانستی ببینی که خدای تو با مردمان فیل چه کرد؟

آیا نقشه آنها را خنثی نکرد؟

و پرندگان فراوان (آبایل) به سمت آنان اعزام نکرد و آنان

را با ریگ‌های آتشین همپاران نکرد؟

سپس آنجا را به زمین شخم‌زده تبدیل کرد.»

این یکی از داستان‌های قرآن است که فقط با خواندن ساده آن، مفهوم آن درک نمی‌شود. بدون اطلاعات پایه‌ای و تفاسیر قرآنی نه تنها در مورد این سوره بلکه در درک بسیاری از مطالب آن ناتوان خواهیم بود. وقوع داستان فوق به دوران ابراهیم در سرزمین‌های عربستان سعودی امروزی باز می‌گردد. یا دقیق‌تر در مکه که از جانب یک امپراتوری قدرتمند مورد حمله قرار گرفته بود. آبایل، گروه بزرگی از پرندگان، به آنجا پرواز کردند که هر کدام سنگی را با منقار و چنگال خود حمل می‌کردند. پرندگان بر فراز ارتش متخاصم به پرواز درآمدند و سنگ‌ها را بر سر دشمنان رها کرده و آنها را زخمی کرده و به قتل رساندند. فیل‌ها هم وحشت‌زده به هر سو گریختند.

منابع اسلامی هیچ شکی نسبت به وقوع این داستان ندارند و سال وقوع را نیز با نام «سال فیل» نامگذاری کرده‌اند. اینکه ولودمیر زلینسکی چه اقداماتی علیه «آبایل» می‌تواند انجام دهد، درهاله‌ای از ابهام قرار دارد.

ولی آیا این هشدار به واقعیت خواهد پیوست؟

محمدرضاشاه پهلوی زمانی هشدار می‌داد که اگر پادشاهی در ایران سقوط کند، ایران به ایرانستان تبدیل می‌شود. اکنون به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی از سر ضعف و بی‌مایگی در راهی قدم گذاشته که در نهایت ایران را به یکی از ایالت‌های امپراتوری روسیه بدل خواهد کرد.

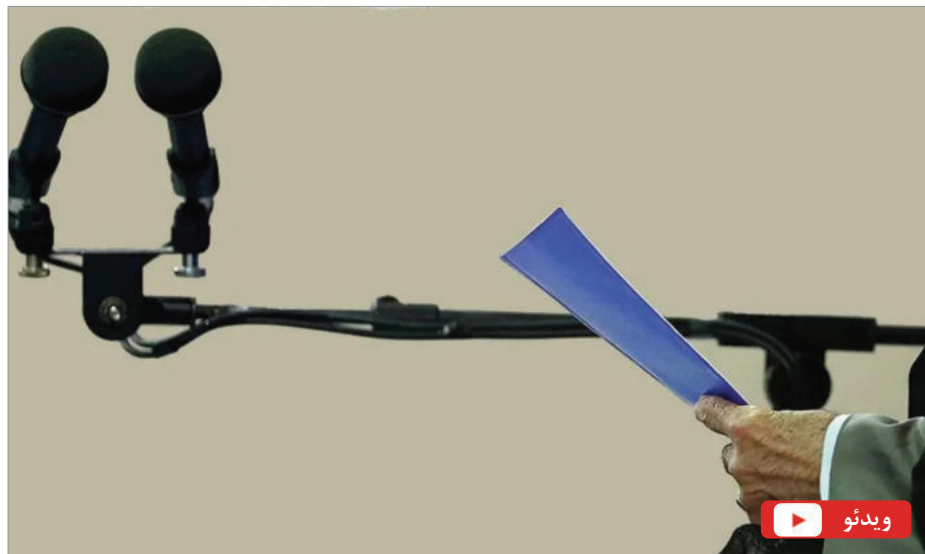
*منبع: وبسایت آلمانی «ایران ژورنال»

*نویسنده: علی صدرزاده

*ترجمه و تنظیم: حسام وثوقی

کابینه‌های مختلف، نمایندگان مجلس شورای اسلامی تا روحانیون، حقوقدانان، فرماندهان نظامی، نقشه‌ای از روابط پیچیده در ساختار قدرت ترسیم می‌کنند که تا عمق تمام موسسات مربوطه امتداد می‌یابد.

با وجود دشمنی‌ها اما تا ابد متحد



ویدئو

شاید برخی از اعضای این الیگارش و خانواده‌های وابسته بهم خود را اپوزیسیون، برخی اصطلاح طلب و برخی اصولگرا نیز بنامند، اما در نهایت گرد هم می‌مانند. با نفوذ و پر قدرت. چرا که همگی با یک یا چند رابطه و پیوند خانوادگی بهم متصل هستند! آنها دخترخاله و پسرخاله، عروس و داماد و یا به نحوی قوم و خویش هستند. چیزی که تغییر می‌کند فقط محل و حوزه نفوذ اعمال قدرت این افراد است.

نام افراد این باندهای خانوادگی را که بعد از انقلاب در مناصب مهم مختلف حکومتی در مصدر امور بوده‌اند همه ایرانیان می‌شناسند: خمینی، خامنه‌ای، خاتمی، خرازی، لاریجانی، رفسنجانی و یا علم الهدا. همگی قوم و خویش هستند. برخی پدربزرگ‌ها روزهای اول انقلاب مُردند، برخی به کوهلت رسیده‌اند، اما نوادگان آنها در ابعاد گسترده و لازم پراکنده هستند تا همچنان سکندار قدرت باقی بمانند. برخی از آنها در مراکز و دفاتر مشاوره و مراکز تحقیقاتی در پایتخت‌های کشورهای اروپایی به عنوان لابی نظام فعالانه مشغول انجام وظیفه هستند.

کمال خرازی ۸ سال وزیر امور خارجه و قبل از آن ده سال رییس خبرگزاری دولتی بوده و حالا خود را مدیر شورای سیاست خارجی می‌نامد. در واقعیت او اما مهمترین مشاور خامنه‌ای در سیاست خارجی است. خواهر او همسر یکی از چهار پسر خامنه‌ای است. برادر او، محسن، عضو مجلس خبرگان است. مجلسی که قرار است جانشین خامنه‌ای را تعیین کند. فرزندان او، برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌های او مقامات مهم وزارت امور خارجه هستند.

و یا محمدجواد لاریجانی که او هم در مورد بمب اتم که در راه است، سخن گفته، عضو یکی از خانواده پر شاخ و برگ و با نفوذ در جمهوری اسلامی است که از زمان به وجود آمدن این جمهوری عمودی سرنوشت ایران را رقم زده‌اند.

پیامی به نام پهپاد

درست همزمان با فرود هواپیمای جو بایدن که در سفر اخیرش به خاورمیانه به عربستان سعودی نیز رفت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با عملیاتی به جهانیان نشان داد که در این روزها جایگاه روسیه، اوکراین و ایران و بقیه جهان کجاست و مسئله چیست. در فاصله‌ای نه چندان دور از

خارجی علی خامنه‌ای در تلویزیون الجزیره اعلام کرد، ایران توانایی ساخت بمب اتمی را دارد اما هنوز تصمیمی در اینباره اتخاذ نشده است. یک روز بعد هم محمدجواد لاریجانی معاون سابق وزارت امور خارجه آنرا در گفتگویی در تلویزیون جمهوری اسلامی مفصل‌تر تشریح و تکرار کرد

با تاکید بر این نکته که حتی جنگ علیه ایران نیز مانع ساخت بمب اتم نخواهد شد.

اما دلیل این اظهارات جنجال برانگیز در چه نهفته است؟ و چرا این مطلب از زبان دو تن از بارزترین اعضای الیگارش حاکم بیان می‌شود که بیش از چهار دهه است که زمامداری و کنترل کشور را در دست دارند؟ یک الیگارش که از پیوندهای خانوادگی نسبی و سببی تشکیل شده است.

الیگارش ابدی خانوادگی

اشاره به این واقعیت وجودی سیستم قدرت حکومتی که در ایران خود را «جمهوری» می‌نامد به قصد تمسخر و یا سخیف کردن و توهین به آن صورت نمی‌گیرد. کافیسست که به پژوهشنامه ۸۵۳ صفحه‌ای دانشگاه Syracuse که در ایالت نیویورک با عنوان «Postrevolutionary Iran: A Political Handbook» منتشر شده است، نگاهی بیندازیم. این کتاب نتیجه پژوهش‌های ۱۴ ساله پروفیسور مهرزاد بروجردی و پژوهشگران همکار وی است. آنها می‌خواستند دریابند که چه کسی واقعا بر ایران حکومت می‌کند؟ این خانواده‌ها چگونه ثروت و قدرت را پس از انقلاب بین خود تقسیم کرده‌اند و انسجام این پیوندهای خانوادگی با وجود تمام رقابت‌ها و حسادت‌ها تا چه حد پایدار است.

در نهایت پژوهشگران به این نتیجه شگفت‌آور می‌رسند که نه انتخابات و نه پاکسازی‌ها و یا اختلافات فرقه‌ای هرگز این خانواده‌های حاکم را به مخاطره نینداخته و نمی‌اندازند. این پژوهش در نمونه‌های فراوان و قابل توجهی با مصادیق روشن به اثبات می‌رسد که با وجود بازداشت‌های جنجالی، خلع منصب‌ها و تبعید و توبیخ‌ها، به ساختار و فعالیت خانواده‌های حاکم هیچگونه آسیبی نمی‌رسد. مقام‌ها و مناصب تعویض می‌شوند، بدون اینکه یک چرخش واقعی قدرت صورت پذیرد.

این پژوهشنامه نه تنها گنجینه‌ای از آمار و ارقام در مورد زندگی سیاسی درون ایران بلکه گزارشی از ۴۰ انتخابات در سطح ملی و ۴۰۰ موسسه متنوع در امتداد پیوندهای خانواده‌هایی است که الیگارش این «جمهوری» نوظهور را تشکیل می‌دهند. همچنین پژوهشگران با نمودار کردن بیش از ۲۳۰۰ بیوگرافی از شخصیت‌های سیاسی، وزرای

بعد از سوریه قرار است اوکراین هم «عمق استراتژیک» جمهوری اسلامی شود؟!



دیدار خامنه‌ای و پوتین در تهران

می‌دادند مقامات جمهوری اسلامی هرگونه حضور نظامی در سوریه را رد می‌کردند. یکی از آنها که حضور نیروهای سپاه در سوریه را تکذیب می‌کرد محمدجواد ظریف وزیر خارجه رژیم بود. چند سال بعد اما حسین سلامی فرمانده سپاه تأیید کرد که جمهوری اسلامی در سوریه «حضور مستشاری» دارد. کمتر از پنج سال بعد از آغاز این جنگ علی خامنه‌ای گفت «سوریه عمق استراتژیک ماست!» وی گفت «حضور ما در این جنگ به معنای تقویت دوستانمان و تقویت هوادارانمان است. ما نباید کاری کنیم که دوستان و وفاداران به جمهوری اسلامی در منطقه تضعیف بشوند.» همین استدلال مبرگر نیز توجیهی برای اعزام نیروی بیشتر به سوریه زیر عنوان «مدافعان حرم» شد. غافل از اینکه همزمان به پیمان و نزدیکی اعراب و اسرائیل و شکل گرفتن «ناتو خاورمیانه» علیه خودش کمک می‌کند!

خامنه‌ای در بهمن سال ۱۳۹۴ اعلام کرده بود، «اگر در سوریه نمی‌جنگیدیم، دشمن می‌آمد داخل کشور، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استان‌ها با اینها می‌جنگیدیم و جلوی اینها را می‌گرفتیم.»

اتفاقاً حسین شریعتمداری نیز در توجیه لزوم همکاری جمهوری اسلامی با روسیه در جنگ اوکراین به دستاوردهای تخیلی حضور نظامی در سوریه اشاره کرده و می‌نویسد: «اگر حاج قاسم عزیز ما و هم‌زمان شهیدش به مقابله با داعش نمی‌رفتند، چه اتفاقی را در داخل کشور شاهد بودیم! تصور هم دردناک است، انبوه جوانان قتل عام شده، زنان و دختران به اسارت گرفته شده و به عنوان کنیز به ثروتمندان عیاش عرب فروخته شده...» این ادعا در حالیست که اوضاع مردم ایران با حکمرانی جمهوری اسلامی مشابه داعش است و به همین علت نیز حکومت را «جاعش» می‌نامند!

آنچه امروز جریان حامی همکاری رژیم ایران با پوتین در جنگ اوکراین برای آن زمینه‌سازی می‌کند، در واقع القای همان توجیهات دخالت در جنگ سوریه است که اگر از روسیه در این جنگ حمایت نشود، ناتو دست به حمله می‌زند! به نظر این جریان فکری، «اوکراین هم عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در مقابل ناتوست!» و البته فراموش می‌کند که مهمان دیگرش هم‌زمان با روسیه، ترکیه‌ی رجب اردوغان، عضو ناتو است!

حالا فقط مانده توجیه معنوی و الهی برای «عمق استراتژیک نظام در اوکراین» که در آن از حرم و اماکن مقدس اسلامی و شیعی خبری نیست تا بتوان دفاع از آنها را بهانه‌ی «حضور مستشاری» و دخالت نظامی جمهوری اسلامی قرار داد!

سخنان بی‌پایه خامنه‌ای را درباره وقایع سیاسی دنیا «نگاه ملکوتی» خوانده و می‌نویسد او «از واقعیت پشت پرده جنگ اوکراین با خبر است و تحرکات ناتو در منطقه را به دقت زیر نظر دارد و از آنجا که می‌داند در صورت پیروزی آمریکا در اوکراین، ایران یکی از اهداف بعدی و اصلی‌ترین آنها خواهد بود، مقابله روسیه با آمریکا و ناتو در اوکراین را بخشی از امنیت خود دانسته و بطور منطقی و طبیعی از آن حمایت می‌کند.»

همزمان علی‌اکبر ولایتی مشاور خامنه‌ای در امور بین‌الملل گفته روسیه و چین دوستان راستین ایران هستند! وی که به نظر می‌رسد اتحاد شوروی را فراموش کرده و «قدرت‌های مهم و مستقل» در «جنبش غیرمتعددها» (عین جمهوری اسلامی ظاهرانه شرقی نه غربی ولی تحت حمایت شوروی) و «پیمان ورشو» (رقیب بلوک شرق در برابر ناتو) را که به تاریخ پیوستند نیز به یاد نمی‌آورد، با تأکید بر اینکه «ایران، روسیه و چین سه قدرت مهم و مستقل در مقابل توسعه‌طلبی آمریکا و غرب» هستند حرف‌های خامنه‌ای در مورد ضرورت حمله روسیه به اوکراین را توجیه کرده است.

وبسایت «جهان نیوز» نیز با طرح این پرسش که «چرا رهبر ایران تحلیل نظامی خود از جنگ روسیه و اوکراین را شفاف بیان کردند؟!» با اشاره به ماجرای فروش پهپادهای انتحاری جمهوری اسلامی به روسیه می‌نویسد «آیت‌الله خامنه‌ای با وجود مخالفت با جنگ نظامی در اوکراین، نشان داد از تقابل هوشمندانه با بزرگترین پیمان نظامی دنیای غرب یعنی ناتو غافل نیست و در برابر مجموع اقداماتی که موجب عقب راندن هرچه بیشتر ناتو از خاکریزهای بین‌المللی دنیای شرق بشود، در اعلام موضع و عمل شفاف و با اعتماد به نفس هست.» این مطلب در روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز منتشر شد.

قابل پیش‌بینی بود که بخشی از اهداف پوتین در سفر به تهران کشاندن جمهوری اسلامی به جنگ اوکراین بوده و کیهان لندن در گزارش‌های خود به این نکته پرداخته است. به نظر می‌رسد تأیید حمله نظامی روسیه به اوکراین و تحسین پوتین به خاطر این جنگ‌افروزی توسط خامنه‌ای و توجیه و تبیین ضرورت همکاری با روسیه در مقابل ناتو در جبهه اوکراین توسط رسانه‌های حکومتی، زمینه‌سازی برای اقدامات بعدی جمهوری اسلامی است.

۱۱ سال پیش با شروع قیام داخلی در سوریه علیه رژیم بشار اسد وقتی رسانه‌های غربی در مورد حضور بی‌سر و صدای نیروهای سپاه پاسداران برای کمک به حفظ رژیم اسد گزارش

● حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه «کیهان» چاپ تهران که به «تریبون بیت رهبری» مشهور است نوشته خامنه‌ای «نگاه ملکوتی» به سیاست خارجی دارد و می‌داند در صورت پیروزی آمریکا در اوکراین، ایران یکی از اهداف بعدی و اصلی‌ترین آنها خواهد بود به همین خاطر از مقابله روسیه با آمریکا و ناتو در اوکراین حمایت می‌کند.»

● هم‌زمان علی‌اکبر ولایتی مشاور خامنه‌ای در امور بین‌الملل روسیه را از «دوستان راستین ایران» خوانده و حرف‌های خامنه‌ای در مورد ضرورت حمله روسیه به اوکراین را توجیه کرده است.

● وبسایت «جهان نیوز» نیز با طرح این پرسش که «چرا رهبر ایران تحلیل نظامی خود از جنگ روسیه و اوکراین را شفاف بیان کردند؟!» نوشته خامنه‌ای در برابر مجموع اقداماتی که موجب عقب راندن هرچه بیشتر ناتو از خاکریزهای بین‌المللی دنیای شرق بشود حمایت می‌کند که نشان می‌دهد با اعتماد به نفس است!

● آنچه امروز جریان حامی همکاری رژیم ایران با پوتین در جنگ اوکراین برای آن زمینه‌سازی می‌کند، در واقع القای همان توجیهات دخالت در جنگ سوریه است که اگر از روسیه در این جنگ حمایت نشود، ناتو دست به حمله می‌زند! به نظر این جریان فکری، «اوکراین هم عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در مقابل ناتوست!» و البته فراموش می‌کند که مهمان دیگرش هم‌زمان با روسیه، ترکیه‌ی رجب اردوغان، عضو ناتو است!

رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه که ۲۸ تیرماه در تهران صورت گرفت با حمایت تمام‌قد از حمله روسیه به اوکراین خطاب به پوتین ادعا کرد، «در قضیه اوکراین چنانچه شما ابتکار عمل را به دست نمی‌گرفتید، طرف مقابل با ابتکار خود، موجب وقوع جنگ می‌شد!»

علی خامنه‌ای با اشاره به اینکه «غربی‌ها با روسیه قوی و مستقل به کلی مخالف‌اند» ناتو را «موجودی خطرناک» دانست و در سخنانی بی‌سر و ته و بدون شواهد و مستندات گفت «اگر راه در مقابل ناتو باز باشد حد و مرزی نمی‌شناسد و اگر جلوی آن در اوکراین گرفته می‌شد، مدتی بعد به بهانه کریمه، همین جنگ را به راه می‌انداختند.»

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه «کیهان» چاپ تهران که به «تریبون بیت رهبری» مشهور است در سرمقاله این روزنامه با عنوان «ما و آنسوی جنگ اوکراین»، ادعاها و

در کشور بلکه در دنیا است و تمام سیستم‌های آن علمی و منحصر به فرد است».

آستان قدس رضوی مدعیست شرکت‌های «دانش‌بنیان» زیرمجموعه‌اش توانسته‌اند داروهای کمیاب و نایاب هموفیلی را تهیه و تولید کنند. یکی از این داروها، «فاکتور A انعقادی نو ترکیب ایرانی» با نام تجاری سافاکتو AF است که مجوز مصرف را از سازمان غذا و دارو هم گرفته است. پیشتر گزارش شده بود، کارخانه‌های شرکت «ثامن» در سه شیفت سرم تولید می‌کنند تا نیاز کشور را برطرف کنند و چنان بودجه‌ای دارند که به عنوان خیریه یک بیمارستان نیز برای بیماران کرونایی در مشهد اختصاص داده‌اند!

عین‌اللهی به عنوان مسئول سلامت شهروندان تولیدات زیرمجموعه علی‌خامنه‌ای را تأیید نموده و گفته که «تولیدات این شرکت در حوزه محلول‌های دی‌الیز صفاقی بطور مستقیم به دست بیماران می‌رسد که این امر خدمت مناسبی به بیماران محسوب می‌شود». هولناک‌تر از این نمایش‌های تبلیغاتی اما رونمایی از دانش فنی تولید دو محلول «جراحی قلب باز» از سوی عین‌اللهی است که «برای نخستین بار» توسط شرکت داروسازی ثامن تولید شده است.

کارشناسان می‌گویند، بطور رسمی این شرکت‌ها شامل یارا طب ثامن، کلر پارس، سانیا صنعت دارویی، داروسازی ثامن، فارما شیمی، تجارت دارو می‌کنند و در باندهای مافیایی خود داروی تقلبی به دست مردم می‌دهند. این شرکت‌ها که عمدتاً مسئولان وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو نیز مدیرعامل یا عضو هیئت مدیره‌شان هستند، در یک چرخش سودآور، سود را با امضای مسئول این وزارتخانه‌ها به جیب خود مسئول می‌رسانند.

شرکت‌های تولیدکننده دارو تحت عنوان «دانش‌بنیان» با وابستگی که به نهادها، ارگان‌ها و دستگاه‌های حاکمیتی دارند، با همدستی وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو، خیلی راحت مجوز عرضه و فروش داروهای خود را می‌گیرند. این نهادها مانند آستان «قدس رضوی» با شعار تحریم دارو، بازار داخلی را برای مصرف داروهایشان فراهم می‌کنند و بدین طریق به تهایی و در نبود حضور دیگر شرکت‌های دارویی داخلی و خارجی، یکه‌تازی می‌کنند.

اینهمه در حالیکه قیمت دارو نیز با حذف ارز دولتی، به شدت گران شده و کمبود دارو، خانواده‌ها و بیماران را به شدت دچار مخاطره کرده است. این روزها، تصاویر منتشر شده از شکایت بیماران از کمبودها و قیمت‌های گزاف دارو افزایش چشمگیری داشته است. پاسخ وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو اما به انتقادها، همواره تکیذیب حذف دارو و این تئوری بوده که شرکت‌های بیمه ارز را دریافت می‌کنند و افزایش قیمت برای بیماران محسوس نخواهد بود. حالا بر مبنای آنچه در سیستم چرخشی فساد دارو می‌گذرد، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بر حمایت از شرکت‌های «دانش‌بنیان» تأکید می‌کند. شرکت‌هایی که به واسطه و بی‌واسطه در زیرمجموعه او قرار دارند و تحت پوشش «آستان قدس رضوی»، «ستاد اجرایی فرمان امام» و نهادهایی چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با شعار «خودکفایی» و در خلاء استقلال وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو، هر دارویی را تولید و عرضه کرده و به فروش می‌رسانند.

نکته قابل توجه اینجاست که دیگر نهادها مانند وزارت صنعت و معدن نیز در روز داروسازی از این شرکت‌ها تقدیر می‌کنند. چنانکه با روز ملی صنعت و معدن، از شرکت «داروسازی ثامن» به عنوان واحد صنعتی نمونه کشور تقدیر شد.



وزارت بهداشت به طور رسمی واردات هرگونه واکسن را به ایران ممنوع کرد

احتمال بروز یک فاجعه انسانی دیگر را در موج هفتم به وجود بیاورد.

پس از ممنوعیت اعلام نشده ولی به اجرا درآمده واردات محدود واکسن‌های مجوزدار خارجی به ایران، که یکسال از آن می‌گذرد، بازار واکسن اکنون تمام‌قد در اختیار واکسن‌های نهادهای زیرمجموعه قدرت و باند بزرگ مافیای داروست. این واکسن‌ها که با بودجه‌های میلیارد دلاری از صندوق توسعه ملی با مجوز علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی تولید شده‌اند، برای تزریق به مردم در مراکز واکسیناسیون عرضه می‌شوند. آنهم در شرایطی که گزارش رسانه‌ها از انبارها و شهروندان از مراکز واکسیناسیون خبر از رسوب و انقضای تاریخ مصرف این واکسن‌ها دارد.

بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت امروز به رسانه‌ها گفت که شش شرکت تولید واکسن در داخل کشور فعالیت می‌کنند و اکنون ۴۰ میلیون واحد واکسن کرونا در کشور موجود است که بخشی از آن توزیع و بخشی دیگر ذخیره شده است. او که از شرکت دانش‌بنیان «سامان داروی هشتم» متعلق به آستان قدس «رضوی» در مشهد بازدید می‌کرد، بطور رسمی اعلام کرد، نیازی به واردات واکسن کرونا وجود ندارد و تولید واکسن‌های ایرانی در واحدهای نورا، فخر، برکت، رازی، پاستوکوک و سپناژن نیاز داخلی را تامین کرده است.

عین‌اللهی در حالی که زیرسویه اومیکرون به سویه غالب در دنیا تبدیل شده، مدعی شده است: «برکت به تازگی واکسن مقابله با ویروس اومیکرون را تولید کرده که در مسیر پیشگیری بسیار کارگشا بوده و نمونه آن را در کشور دیگری نداشتیم که شرکتی ویژه یک سویه خاص واکسن تولید کند.» وزیر بهداشت گفته که نه تنها به واردات نیازی نیست، بلکه «۵ میلیون دوز واکسن آماده صدور به دیگر کشورها بوده است و از جمله به ونزوئلا ۳۰۰ هزار دوز ارسال شده است.» او ابراز امیدواری کرده تا با صادرات واکسن جمهوری اسلامی در راستای رفع «ناابرابری» در واکسیناسیون در دنیا گام بردارد!

با وجود بحران واکسیناسیون ناقص، دستگاه‌های زیرمجموعه باند دارو به فعالیت خود ادامه می‌دهند و از تولید واکسن گرفته تا دارو برای بیماری هموفیلی تولید و عرضه می‌کنند. وزیر بهداشت در سفر خود به مشهد همچنین از شرکت «داروسازی ثامن» یکی دیگر از سرشاخه‌های بزرگ فساد اقتصادی و زیرنظر خامنه‌ای ستایش به عمل آورد و این شرکت وابسته به آستان «قدس رضوی» که در تحریم ایالات متحده آمریکا است گفت که از «شرکت‌های پیشرفته نه تنها

یکه‌تازی مافیای داروی زیر نظر خامنه‌ای و تجارت و کسب و کار با بیماری و درد؛ از واکسن کرونا تا داروی جراحی «قلب باز»!

● علیرضا شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی امروز جمعه اول مردادماه ۱۴۰۱ اعلام کرد، حدود ۳۰ درصد از جمعیت کشور و افراد جامعه هنوز اقدام به دریافت و تکمیل واکسن کرونا نکرده‌اند.

● بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت امروز به رسانه‌ها گفت که شش شرکت تولید واکسن در داخل کشور فعالیت می‌کنند و اکنون ۴۰ میلیون واحد واکسن کرونا در کشور موجود است که بخشی از آن توزیع و بخشی دیگر ذخیره شده است.

● عین‌اللهی در حالی که زیرسویه اومیکرون به سویه غالب در دنیا تبدیل شده، می‌گوید: «برکت به تازگی واکسن مقابله با ویروس اومیکرون را تولید کرده که در مسیر پیشگیری بسیار کارگشا بوده و نمونه آن را در کشور دیگری نداشتیم که شرکتی ویژه یک سویه خاص واکسن تولید کند!»

علیرضا شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در حالی گفته است «حدود ۳۰ درصد از جمعیت کشور و افراد جامعه هنوز اقدام به دریافت و تکمیل واکسن کرونا نکرده‌اند» که بازار واکسن در ایران عرضه‌کننده واکسن‌های نامعتبر داخلی با ادعاهای عجیب اثرگذاری بر سویه‌های جدید و پایان تاریخ انقضاست.

علیرضا شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی امروز جمعه اول مردادماه ۱۴۰۱ اعلام کرد، حدود ۳۰ درصد از جمعیت کشور و افراد جامعه هنوز اقدام به دریافت و تکمیل واکسن کرونا نکرده‌اند.

نقص فاحش واکسیناسیون عمومی در ایران، همزمان شده با افزایش شش برابری بیماران بستری در بیمارستان‌ها در موج هفتم شیوع و هشدار به اینکه تداوم عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی، فاصله‌گذاری و برپایی مراسم‌های مذهبی محرم و صفر منجر به مرگ‌های سه رقمی می‌شود. اما مردم تمایلی به تزریق دوز سوم واکسن‌های کرونا ندارند با اینکه صدواوسیمای جمهوری اسلامی و دستگاه‌های مذهبی وابسته به قدرت از جمله حوزه‌ی علمیه و آتش به اختیاران مانند اوایل به بازار آمدن واکسن‌ها، علیه واکسیناسیون تبلیغ می‌کنند، به خیابان‌ها می‌ریزند و ادرار شتر را به شهروندان توصیه می‌کنند. بی‌اعتمادی به استاندار بودن واکسن‌های داخلی در کنار تاریخ منقضی این واکسن‌ها و همچنین عدم آگاهی از سازگاری واکسن‌های آسترانکا و سینوفارم با واکسن‌های داخلی باعث شده تا واکسیناسیون در ایران برای جمهوری اسلامی به یک شکست بزرگ تبدیل شود و

● شعر بهار به قصاید کلاسیک فارسی سبک خراسانی و سبک بازگشت نظر داشت. اگرچه مثنوی و مستزاد هم می‌ساخت و در چند مورد- شاید به تأثیر از نیما- چندین چهارپاره‌ی جدید نیز سروده بود. بهار همچنین در وزن هجایی نیز ذوق ورزیده است.

امسال ۱۱۶ سال از ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ که پیروزی انقلاب مشروطه با امضای فرمان توسط مظفرالدین شاه قاجار به تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه پیروزی حقوقی خود را به ثبت رساند، می‌گذرد. شاعر گرامی محمد جلالی چیمه (م. سحر) کتاب خود با عنوان «درباره شعر مشروطیت ایران» را برای انتشار در اختیار کیهان لندن قرار داده است تا همزمان با سالگردی دیگر از انقلابی مترقی و آزادیخواهانه که راه زندگی ایرانیان را به سوی جهان مدرن و «ایران نوین» در دوران پهلوی‌ها گشود، منتشر شود. کیهان لندن این مجموعه را در بخش‌های مختلف در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

بخش چهارم

در بخش پیشین از شاعرانی همچون علی اکبر دهخدا و نیز از میرزاعلی اکبر صابر که با نام هوپ هوپ در قفقاز به ترکی آذری می‌سرود و از مدافعان مشروطیت در ایران بود یاد کردیم و نمونه‌هایی از شعرهای این دو چهره ادبی را مرور کردیم. همچنین به شعر سید اشرف گیلانی اشاره کردیم و درباره تأثیری که وی از اشعار ترکی میرزا علی اکبر خان صابر پذیرفته بود سخن گفتیم و نمونه‌ای از وی آوردیم. شاعران بزرگ دیگر دوران مشروطه یعنی بهار و ایرج و فرخی و عارف در تحول فرم چندان کوششی نداشتند و از همان شکل‌های کلاسیک شعر فارسی بهره گرفتند و مضامین جدید را در همان فرم‌های شناخته شده پیشین بیان کردند. در این میان، شعر بهار به قصاید کلاسیک فارسی سبک خراسانی و سبک بازگشت نظر داشت. اگرچه مثنوی و مستزاد هم می‌ساخت و در چند مورد- شاید به تأثیر از نیما- چندین چهارپاره‌ی جدید نیز سروده بود. بهار همچنین در وزن هجایی نیز ذوق ورزیده است:

أستا بابا بزّی داشت

یک بزّ خوش پزی داشت

هرکی می‌دیدش به صحرا

بهش می‌گفت ماشالا

پشتشه باش

زیرشه باش

پستان پرشیرشه باش!

نیز مستزادها و ترکیب‌بندهای مشهوری نیز در حمایت از مبارزان مشروطیت و در انتقاد و ضد محمدعلی میرزا قاجار و همدست مرتجع‌اش شیخ فضل‌الله نوری سروده و در مجله‌ی «نوبهار» که شاعر در مشهد انتشار می‌داد به چاپ رسانده و مردم خراسان را به یاری سرداران دیگر ولایات ضد استبداد صغیر برمی‌انگیخت. این شعر یادآور برخی سروده‌های سیداشرف گیلانی اما به مراتب از آنها محکم‌تر کوبنده‌تر و هنرمندانه‌تر است:

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست

کار ایران با خداست

مذهب شاهنشاه ایران ز مذهب‌ها جداست

کار ایران با خداست

شاه مست و شیخ مست و شحنه مست و میر مست

مملکت رفته ز دست

هردم از دستان مستان فتنه و غوغا بپاست

کار ایران با خداست

بلبل پرسته ز کنج قفس درآ

درباره شعر مشروطیت ایران (۴)



محمد جلالی چیمه (م. سحر)

هردم از دریای استبداد آید بر فراز

موج‌های جانگداز

زین تلاطم کشتی ملت به گرداب بلاست



ملک الشعراى بهار

کار ایران با خداست

پادشه خود را مسلمان خواند و سازد تباه

خون جمعی بی‌گناه

ای مسلمانان در اسلام این ستم‌ها کی رواست

کار ایران با خداست

...

باش تا خود سوی ری تازد ز آذربایجان

حضرت ستارخان

آنکه توپش قلعه‌کوب و خنجرش کشورگشاست

کار ایران با خدست

باش تا بیرون ز رشت آید سپهدار ستگ

فَر دادار بزرگ

آنکه گیلان ز اهت‌مامش رشک اقلیم بقاست

کار ایران با خداست

باش تا از اصفهان صمصام حق گردد پدید

نام حق گردد پدید

تا ببینم آنکه سر زاحکام حق پیچد کجاست

کار ایران با خداست

خاک ایران بوم و برزن از تمدن خورد آب

جز خراسان خراب

هرچه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست

کار ایران با خداست

علاوه بر اینها بهار به گویش مشهدی نیز چند غزل و یک قصیده‌ی بسیار عالی و زیبا سروده است:

امشو در بهشت خدا وایه پندری

ماهره ر عُرُسِ منن، شو آرایه پندری

او زهره گه میگی خَطری ماهه ره مَخه

و از موشتری به زهره خَطرخوایه پندری

این قصیده بسیار شیوا و پر است از نکات و شوخی‌های رندانه با دم و دستگاہ الهی و سرشار از نقد ظریف و طنز آمیز اعتقادات خرافی اهل زمانه.

به نمونه‌های دیگری از آیات قصیده‌ی «مشهدی» نظر کنیم:

اینا همش دوروغینی و پوچ، ای رفیق

از پوچ و از دُرُغ چه مَنّایه پندری

نزدیک اگر بری تو مبینی که هیچه نیست

او که ز دور گنبد مینایه پندری

از بس شنیده گوش تو کَلِپتزه و جفنگ

بالای آسمون خَته ی شایه پندری

هستیک خدا مثال یکی پادشای پیر

اَرگش دمین عالم بالایه پندری

...

لاپورت‌ها را هی موخونه، هی حُکم مِدّه

حُکمش دِحَقّ ما و تو مجرایه پندری

...

رزق خلیقا ره دِ صُنْدُق قَیم منه

بخشیدنش به خلق به دلخوایه پندری

از عاقلان مِکِیزه مِبَخْشَه به جاهلا

از بیخ عدوی مردم دانایه پندری

دانا پری دو پول در دِکُون مَعْطَلَه

احمق نشسته مین اُتل، شایه پندری

...

خِر گُس بُرو که یک به یک کار خِر گُسا

امروزشا نمونه ی فردایه پندری

بهـــــــــار در ضمن همزمان و به موازات احیاکننده و پایه‌گذار تصنیف اجتماعی و سیاسی در ایران، یعنی عارف قزوینی، چند ترانه و تصنیف بسیار زیبا به موسیقی ایران عرضه کرده بود که از آن میان، شاهکار تصنیف‌سرایی ایران

و یکی از زیباترین ترانه‌های ما که بحق جایگاه یک سرود ملی و مردمی را به خود اختصاص داده، یعنی تصنیف «مرغ

سحر» را سروده است:

مرغ سحر ناله سر کن

داغ مرا تازه‌تر کن

زآه شرربار، این قفس را

درشکن و زیر و زبر کن

بلبل پرسته ز کنج قفس درآ

نغمه‌ی آزادی نوع بشر سرا

عمر حقیقت بسر شد

عهد و وفا پی سپر شد

نالهی عاشق، ناز معشوق

هر دو دروغ و بی‌اثر شد

راستی و مهر و محبت فسانه شد

قول و شرافت همگی از میانه شد

از پی زدوی وطن و دین بهانه شد

دیده تر شد



ایرج میرزا، این شاعر روشنفکر و روشنگر رند و تسخرزن و طنزپرداز بزرگ که بحق از مشعلداران رشید خرافات‌ستیزی و تحریک‌مذهبی و جهل‌فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌رود، بیشتر از فرم مثنوی بهره گرفت و گاهی هم از قطعه و قصیده.

ترجمه و تلفیق‌هایی هم که ایرج از آثار اروپایی کرده، در قالب مثنوی بوده است. مثل چند داستان از لافونت و نیز داستان «زهره و منوچهر» که ترجمه‌ای آزاد از یک اثر شکسپیر است.

عارف و فرخی فرم غزل را برگزیدند و به‌خصوص فرخی مهم‌ترین بخش از کوشش‌های شعری خود را در فرم غزل ارائه داد.

این دو شاعر کوشیدند تا فرم غزل را در خدمت بیان عقاید و ترویج افکار خود قرار دهند و می‌توان گفت که در اثر کوشش این دو شاعر غزل از فضای سنتی خود خارج شد و کارکردی تازه یافت.

غزل در شعرهای فرخی و عارف، مضامین عرفانی خود را کنار گذاشت تا بیانگر مضمون‌های انتقادی سیاسی و اجتماعی روشنگرانه و برانگیزاننده باشد.

در شعر عارف غزل بیشتر جنبه‌ی وطنی و «ملی» یافت و در شعر فرخی ضمن تکیه بر آزادی، جنبه‌های سوسیالیستی و کارگری آن تقویت شد.

شاعر غزلسرای دیگری هم بود که فرم غزل را در خدمت انقلاب و افکار اجتماعی و سوسیالیستی خود نهاد که همان ابوالقاسم لاهوتی کردستانی ست. البته این شاعر از نظر فرم شعر، درمقایسه با دیگران تلاش‌های چشمگیری انجام داد و حتی در زمینه‌ی کوتاه و بلند کردن طول مصرع‌ها، پیش از نیما کوشش آغاز کرد. نمونه‌ی تلاش‌های لاهوتی رادر جهت نوآوری در فرم، می‌توان در ترجمه‌ای یافت که وی در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در مسکو از یک شعر ویکتور هوگو کرده است به نام «سنگ خونین»:

رزم‌آوران سنگر خونین شدند اسیر

با کودکی دلیر

به سن دوازده

- آنجا بدی تو هم؟

- بله!

با این دلاوران

- پس ما کنیم جسم ترا هم نشان به تیر

تا آنکه نوبت تو رسد منتظر همان!

و نیز در شعر دیگری از وی به نام «وحدت و تشکیلات» همین کوشش در ارائه‌ی فرم‌های نو دیده می‌شود:

سر و ریشی نتراشیده و رخساری زرد

زرد و باریک چو نی

سفره‌ای کرده حمایل، پتویی بر سر دوش

زنده‌ای بر تنِ وی...

از این بابت لاهوتی یک موقعیت استثنایی دارد به‌خصوص وی اینکه در دوران مهاجرت و تبعید خود کوشش‌های دیگری در بهره بردن از اوزان هجایی کرده و شعرهای بسیاری با مضامین رئالیسم اجتماعی در اینگونه وزن‌ها سروده است. البته مضامین اینگونه شعرها بیشتر جنبه‌ی تبلیغاتی دارند و در خدمت سیاست «سوسیالیزاسیون» است و تشویق و ترغیب کلخوزها (تعاونی‌های دهقانی) و بطور کلی در دفاع از انقلاب بلشویکی به رهبری استالین و تنها صدای مهمی است که به فارسی از سیاست‌های روز استالین در خاک شوروی حمایت می‌کرده است که البته اینجا محل بحث آن نیست.

چنانکه اشاره شد، از نظر کوشش در راه ایجاد فرم‌های جدید، می‌توان گفت که لاهوتی پیش از نیما و بیش

از دیگران تلاش کرده است. همچنین لاهوتی در برخی شعرهایش مثل سید اشرف گیلانی به «هوپ هوپ نامه» میرزا علی اکبر صابر هم نظری داشته است:

آمد سحر و موسم کار است بالام لای

خواب تو دگر باعث عار است بالام لای

لای لای بالالای لای

لای لای بالا لای لای

نگ است که مردم همه در کار و تو در خواب

اقبال وطن بسته به کار است بالام لای

برخیز و سوی مدرسه بشتاب

خاک تنِ آبی تو با خون شهیدان

بر گرد تو زان خاک حصار است بالام لای

گردیده غمین، مادر ایران

تو کودکِ ایرانی و ایران وطنِ توست

جان را تنِ بی‌عیب به کار است بالام لای

تو جانی و ایران چو تنِ توست

برخیز ساحشور، تو در حفظِ وطن کوش

ای تازه گل، ایران ز چه خوار است بالام لای

پس جامه‌ی عزت به بدن پوش.

جای تو نه گهواره بود، جای تو زین است

ای شیرپسر، وقتِ شکار است بالام لای

برخیز که دشمن به کمین است.

نگذار وطن قسمت اغیار بگردد

با آنکه وطن را چو تو پار است، بالام لای
ناموسِ وطن خوار بگردد!

مضمون در شعر شاعران مشروطیت

پس از اشارات مختصری که در باره‌ی تحول فرم و زبان شعری شاعران مهم دوران مشروطه طرح شد، اکنون می‌باید به کوتاهی در زمینه‌ی مضمون و دروهمایه‌ی شعر این شاعران نیز سخنی بگوییم.

چنانکه گفتیم، شاعران دوران مشروطه از نظر مضمون متکی بر نظریات و اندیشه‌هایی بودند که پیش از آنان از سوی گروهی از روشنفکران و متفکران که حامل و گزارشگر و مفسر اندیشه‌های نو بودند، کمابیش در جامعه‌ی ایران عرضه شده بود و افکار درس‌خواندگان و بسیاری از اهل ادب و دانش را تحت تأثیر قرار داده بود.

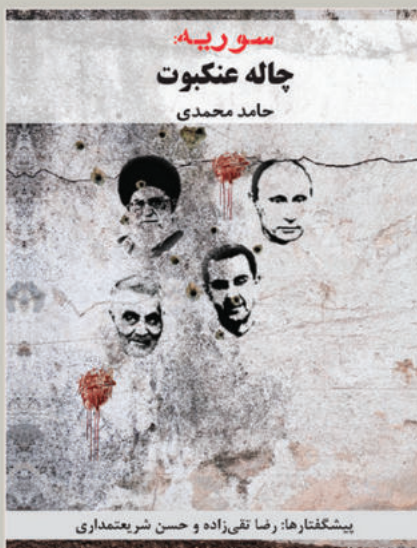
همه‌ی این شاعران، البته با توجه به دیدگاه و موقع اجتماعی و نگاه فکری و سیاسی خودشان، کمابیش بر مضمون‌ها و تم‌های زیر تأکید داشتند:

قانون، آزادی، حاکمیت ملی، وطن، فرهنگ و تعلیمات مدرن، نقد فرهنگ و اصول اخلاقی کهن و مبارزه با خرافات مذهبی و گاهی نیز مبارزه با مذهب.

البته چنانکه گفته شد، دیدگاه آنها و برداشتی که هریک از آنان از این مفاهیم جدید داشتند تا اندازه‌ای متفاوت بود.

[ادامه دارد]

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ایماس با کیهان لندن ads@kiyahan.london یا با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

اعتراف به غنی‌سازی ۹۰ درصدی اورانیوم و انتقاد از «سنگ‌اندازی» رافائل گروسی در مسیر توافق اتمی!



کنفرانس خبری رافائل گروسی در فرودگاه وین پس از بازگشت از تهران

بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جاسوسان موساد و سیا هستند. سختگیری‌های رافائل گروسی به عنوان ناظر اتمی سازمان ملل برای جمهوری اسلامی بسیار گران تمام شده است. تهران به آنچه «نفوذ سیاسی و لابیگری اسرائیل در تصمیمات آژانس» می‌خواند انتقاد دارد اما گروسی با صراحت به مقامات جمهوری اسلامی گفته تا موضوعات خاص حل نشود توافقی در کار نیست. منظور از موضوعات خاص مسائل مربوط به فعالیت‌های اتمی نظامی جمهوری اسلامی است که رژیم ایران تلاش می‌کند آنها را مخفی نگه داشته و وقتی هم لو می‌روند، انکارشان می‌کند.

در همین ارتباط، بیش از دو سال است رژیم ایران پاسخ معتبری درباره ذرات اورانیوم کشف شده با منشاء انسانی در سه سایت اعلام نشده نداده است و بارها آژانس بین‌المللی را برای بستن این پرونده با روش‌های مختلف زیر فشار گذاشته شده است. حال آنکه اگر فعالیت مخفیانه‌ای در کار نبوده، به آسانی می‌تواند به پرسش‌ها و ابهامات جواب دهد و خودش این پرونده را ببندد!

اما بجای همه این کارها، از آنجا که جمهوری اسلامی واقعا به دنبال ساختن و داشتن تسلیحات هسته‌ای بوده و هست، همین هفته پیش کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی در اعتراف ضمنی به بی‌فایده بودن توافق اتمی موسوم به برجام به الجزیره گفت «ما توانایی فنی برای ساخت بمب هسته‌ای را داریم اما تصمیمی در این خصوص نداریم... تنها در چند روز میزان غنی‌سازی اورانیوم را از ۲۰ درصد به ۶۰ درصد رساندیم و به راحتی می‌توانیم به ۹۰ درصد نیز برسیم!» مشابه این سخنان در روزهای بعد مقامات دیگر نظام از جمله محمدجواد لاریجانی تکرار کردند! همه این شواهد در عین اینکه می‌تواند بیانگر موضع سرسختانه جمهوری اسلامی باشد، اما احتمال جام زهر اتمی و موشکی را نیز نباید از نظر دور داشت! روح‌الله خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در «دهه شصت» که به تازگی علی خامنه‌ای رهبر کنونی نظام آندوره را به عنوان سرمشق یادآوری کرده، با فریادهای گوش‌خراش «جنگ جنگ تا پیروزی» بود که جام زهر قطعنامه ۵۹۸ و آتش‌بس را سر کشید!

برای نخستین بار است که یک مقام جمهوری اسلامی اعتراف می‌کند در ایران غنی‌سازی ۹۰ درصدی انجام شده است که فقط مصرف تسلیحاتی دارد.

رافائل گروسی در مصاحبه با روزنامه اسپانیایی «ال پائیس» که ۳۱ تیرماه منتشر شد گفت پروژه هسته‌ای تهران «بسیار فراتر از آنچه در سال ۲۰۱۵ بود توسعه یافته... این به معنای آن نیست که ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای است، اما هیچ کشوری که فعالیت اتمی نظامی نداشته باشد غنی‌سازی را به ۶۰ درصد نمی‌رساند!»

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۳ مرداد در یک نشست خبری گفت، «برای رسیدن به توافق خوب، جدی هستیم... گروسی سنگ‌اندازی نکند!» او توضیح داد: «اظهارات اخیر آقای گروسی، سازنده، دقیق و فنی نیست... ایشان را دعوت می‌کنیم که از بیان اظهارات با انگیزه‌های سیاسی خودداری کند. از سنگ‌اندازی در مسیر رفع تحریم‌ها و حصول توافق در این زمینه اجتناب کند.» پیش از اینهم مقامات جمهوری اسلامی مدعی شده بودند

● مدیرکل آژانس بین‌المللی گفته «کشوری که اهداف نظامی ندارد، غنی‌سازی ۶۰ درصدی نمی‌کند». در واکنش به این اظهارات، اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی گفته «در غنی‌سازی ۶۰ درصدی اهداف جمهوری اسلامی مکتوب است و ما با نظارت خود آژانس غنی‌سازی ۶۰ درصدی را آغاز کردیم.»

● محمد اسلامی تأکید کرده رآکتورهایی در ایران قبلاً اورانیوم را تا ۹۰ درصد غنی کرده‌اند!

● همه این شواهد در عین اینکه می‌تواند بیانگر موضع سرسختانه جمهوری اسلامی باشد، اما احتمال جام زهر اتمی و موشکی را نیز نباید از نظر دور داشت! روح‌الله خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در «دهه شصت» که به تازگی علی خامنه‌ای رهبر کنونی نظام آندوره را به عنوان سرمشق یادآوری کرده، با فریادهای گوش‌خراش «جنگ جنگ تا پیروزی» بود که جام زهر قطعنامه ۵۹۸ و آتش‌بس را سر کشید!

رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در واکنش به اظهارات اخیر مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر اینکه «کشوری که اهداف نظامی ندارد، غنی‌سازی ۶۰ درصد نمی‌کند»، مدعی شده «در غنی‌سازی ۶۰ درصد اهداف جمهوری اسلامی مکتوب است و ما با نظارت خود آژانس غنی‌سازی ۶۰ را آغاز کردیم!»

محمد اسلامی سوم امرداد در مصاحبه با ایسنا با تأکید بر اینکه «برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های مان مطابق پادمان عمل می‌کنیم»، افزود: «در گذشته همه این رآکتورها حتا رآکتورهای تحقیقاتی غنی‌سازی ۹۰ درصد داشتند؛ اگر که آنها باطل بوده، بقیه‌اش هم باطل است.»

رئیس سازمان انرژی اتمی تأکید کرد: «هر کشوری برنامه‌های خودش را دارد ولی چارچوب و ضوابط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر آن حاکم است.» اسلامی در حاشیه بازدید از یک نمایشگاه در پاسخ به این پرسش که «آیا مذاکرات پادمانی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنان در جریان است؟» گفت: «مذاکرات پادمانی نداریم بلکه موارد اتهامی مطرح است که آژانس باید خودش این موارد را بپذیرد و کنار بگذارد.»



تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم / اصفهان



پنج خطر موجود ناشی از عملکرد جمهوری اسلامی برای نسل‌های امروز و آینده ایران

ایران کشوری است که از نظر اقلیمی بر روی کمربند خشک و نیمه خشک جهان قرار گرفته و بیش از ۸۸ درصد مساحت کشور در معرض پدیده بیابان‌زایی قرار دارد. حفظ خاک به دلیل امنیت غذایی، ذخیره بزرگ ژنتیکی و ارائه خدمات اکوسیستمی اهمیت دارد. میزان فرسایش خاک به طور متوسط، سالانه حدود ۴/۱۶ تن در هکتار است که تقریباً ۳ برابر میانگین جهانی است.

اینهمه در حالیست که گزارش‌های زیادی نیز در رابطه به فروش و صادرات خاک ایران به ویژه خاک استان‌های شمالی به کشورهای حاشیه خلیج فارس منتشر شده است. فروش خاک ایران در روزهای گذشته دوباره به تیر مهم اخبار محیط زیستی تبدیل شد.

روزنامه دولتی ایران افرادی را که خاک را برداشت می‌کنند، «تعدادی سودجو» نامید اما بنا بر تأیید مقام‌های سازمان حفاظت محیط زیست و گزارش تکاندنده‌ای که توسط روزنامه «شهروند» منتشر شده، وزارت نیرو رسماً برای این عملیات مجوز صادر کرده است. در این گزارش، به نقل از مقام‌های محلی آمده است که هر کیلو خاک تا ۴۰ هزار تومان هم خریدوفروش می‌شود.

بر اساس این گزارش از چندوچون توافق میان شرکت آب منطقه‌ای و پیمانکاری که برنده مزایده شده است، اطلاعی در دست نیست.

به گفته یکی از فعالان محیط زیست منطقه، سود پیمانکار بی‌شک میلیاردری است اما از نرخ تعیین‌شده برای خاک اطلاعاتی موجود نیست. نرخ که عرف بازار، کاربری و میزان غنی بودن خاک آن را مشخص می‌کند.

همچنین در گزارش اتاق ایران با تأیید «ریسک در حوزه تغییر اقلیم، هوا، خاک و پسماند» آمده که از اواسط دهه هفتاد به دلیل نادیده گرفتن شاخص اکولوژیکی و پایداری در برنامه‌های توسعه منابع آب و سیر تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توأم با بروز پدیده تغییر اقلیم و کاهش بارندگی و افزایش درجه حرارت، منابع آب کشور کاهش قابل ملاحظه‌ای یافته است. میانگین پتانسیل آبی کشور برای دوره ۵ ساله ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ حدود ۱۰۴ میلیارد متر مکعب بوده که بیانگر کاهش قابل توجه منابع آبی کشور است و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۴۱۵ ایران به حد کم آبی یا همان «کمبود جدی آب» خواهد رسید.

اینهمه نشان می‌دهد جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته زیرساخت‌های زندگی در ایران را به سمت نابودی کشانده و حالا نه تنها نسل کنونی بلکه نسل‌های آینده در ایران نیز همچنان گرفتار ریسک‌های ناشی از عملکرد جمهوری اسلامی در اقتصاد ایران خواهند بود.

گذشته سبب شده نه تنها ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی ناکام بماند بلکه صاحبان سرمایه نیز تصمیم به خروج سرمایه‌های خود از اقتصاد کشور بگیرند.

افزایش تورم و بیکاری، در کنار انواع فشارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که طی سال‌های گذشته مردم ایران تجربه کرده‌اند، بدون شک سبب «سرخوردگی گسترده جوانان» می‌شود.

اتاق ایران در گزارشی تحلیلی از پنج ریسک مطرح شده برای اقتصاد ایران از سوی مجمع جهانی اقتصاد نوشته که «متوسط درآمد خانوار شهری به متوسط قیمت یک مترمربع زیربنای مسکونی در نقاط شهری نیز در سال ۱۳۹۸ کمترین رقم را در دهه ۱۳۹۰ داشته است و نسبت هزینه خالص مسکن به کل هزینه‌های خانوار شهری در فاصله ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹، ۱/۳ برابر شده است. افزایش هزینه‌های مسکن، توانایی خانوارها را برای انجام سایر مخارج ضروری زندگی کاهش می‌دهد و تأمین معیشت را دشوارتر می‌کند.»

نرخ بالای مهاجرت ایرانیان به ویژه جوانان از کشور نشان از «سرخوردگی گسترده جوانان» است که از سوی مجمع جهانی اقتصاد مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین افزایش نرخ طلاق، کاهش نرخ ازدواج، افزایش آمار خودکشی، حذف مواردی چون هزینه فرهنگی و هزینه تفریح از سبد مصرفی خانوار به دلیل گرانی و کاهش نرخ باروری نیز از دیگر شاخص‌هایی هستند که می‌توانند «سرخوردگی گسترده جوانان» را تأیید کنند.

مشکلات زیست محیطی که در گزارش مجمع جهانی اقتصاد در دو محور «بحران منابع طبیعی» و «از دست دادن تنوع زیستی و فروپاشی اکوسیستم» مطرح شده نیز سالهاست به دلیل سوءمدیریت مقامات جمهوری اسلامی ایران را دچار بحران‌هایی جدی کرده است.

سرازم مصرف نهایی انرژی در ایران از ۷/۳ بشکه معادل نفت خام در سال ۱۳۷۰ به حدود ۱۶/۸ بشکه معادل نفت خام در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. بر اساس گزارش بانک جهانی مصرف گاز طبیعی در ایران تقریباً معادل مصرف کشور چین و سه برابر کشور هند است و پیش‌بینی می‌شود ادامه این روند منجر به واردات انرژی در آینده نزدیک می‌شود.

در گزارش تحلیلی اتاق ایران به موضوع فرسایش خاک در ایران اشاره شده و آمده که «ایران دارای وسعتی حدود ۱۶۵ میلیون هکتار است. از این مساحت حدود ۸۹ میلیون هکتار فاقد خاک و ۷۶ میلیون هکتار دارای خاک است. برای تشکیل هر سانتیمتر خاک در ایران ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ سال زمان نیاز است که دو برابر میانگین جهانی است. همچنین

«بحران اشتغال و معیشت»، «رکود اقتصادی بلندمدت»، «سرخوردگی گسترده جوانان»، «بحران منابع طبیعی» و «از دست دادن تنوع زیستی و فروپاشی اکوسیستم» پنج ریسک اصلی اقتصاد ایران هستند.

رکود تورمی در سال‌های گذشته سبب شده نه تنها ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی ناکام بماند بلکه صاحبان سرمایه نیز تصمیم به خروج سرمایه‌های خود از اقتصاد کشور بگیرند.

کاهش نرخ بیکاری به دلیل ایجاد مشاغل پایدار و تمام وقت در کشور نیست و اغلب افرادی که در سال گذشته شغل پیدا کرده‌اند بطور نیمه وقت و ناپایدار مشغول به کار بودند.

مجمع جهانی اقتصاد در گزارش سال ۲۰۲۲، پنج ریسک اصلی و مهم را برای کشورهای مختلف عنوان کرده است. این ریسک‌ها شامل بحران رکود تورمی و اشتغال و همچنین سرخوردگی جوانان و بحران‌های زیست محیطی است.

«بحران اشتغال و معیشت»، «رکود اقتصادی بلندمدت»، «سرخوردگی گسترده جوانان»، «بحران منابع طبیعی» و «از دست دادن تنوع زیستی و فروپاشی اکوسیستم» پنج ریسک مطرح شده برای اقتصاد ایران از سوی مجمع جهانی اقتصاد هستند.

آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در پاییز ۱۴۰۰ نسبت به سال ۹۰ کاهش داشت. این آمار در حالی مطرح شده که به عقیده کارشناسان کاهش نرخ بیکاری به دلیل ناامیدی افراد جویای کار از پیدا کردن شغل مناسب و در نتیجه، خروج آنها از بازار کار بوده است.

از سوی دیگر کاهش نرخ بیکاری به دلیل ایجاد مشاغل پایدار و تمام وقت در کشور نیست و اغلب افرادی که در سال گذشته شغل پیدا کرده‌اند بطور نیمه وقت و ناپایدار مشغول به کار بودند. سهم شاغلان با ۴۹ ساعت کار در هفته به کمترین مقدار خود در دهه ۹۰ رسید. این شاخص در سال ۹۰ حدود ۴۹ درصد بود، اما در سال ۱۳۹۹ به ۳۵/۵ رسید.

همچنین شاخص فلاکت که از افزودن نرخ بیکاری به نرخ تورم به دست می‌آید، از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ بیش از دو برابر شده است. دو برابر شدن این شاخص در یک بازه پنج ساله نشان می‌دهد هم نرخ تورم و هم نرخ بیکاری روندی صعودی را سپری کرده است.

رکود اقتصادی که معمولاً به دلیل کاهش شدید تقاضا رخ می‌دهد در ایران که بیش از یک دهه است ادامه دارد و همواره با تورم همراه بوده است. رکود تورمی در سال‌های

ممنوعیت کسب و کار زنان در تبلیغات؛ رد پای کبری خزعلی در اجرای قانون ممنوعیت تبلیغات در ماهواره‌ها



تبلیغ یک بستنی توسط یک دختر جوان که شکایت ستاد امر به معروف از سازنده را به دنبال داشت

مقررات و بندهای هولناک و ضدانسانی مصوبات ارگان‌های «فرهنگی» و «مذهبی» بسیج شده‌اند و اینبار کسب و کار مردم و اشتغال زنان را هدف گرفته‌اند. همزمان با خشونت‌ورزی و بازداشت زنان در کوچه و خیابان‌ها، دفتر تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی در بیانیه‌ای با استناد به مقررات تبلیغات تجاری در جمهوری اسلامی، هرگونه «استفاده ابرازی از زنان، مردان و کودکان» را در تبلیغات غیرقانونی اعلام کرده است. پیشتر هم تبلیغ یک بستنی توسط زنان شکایت ستاد امر به معروف و نهی از منکر را به دنبال داشت. تیرماه امسال ستاد امر به معروف و نهی از منکر به دنبال انتشار گسترده دو فیلم تبلیغاتی «منافی عفت عمومی» توسط یک شرکت تولید بستنی، نسبت به این شرکت اعلام جرم کرده بود. غیرشفاف بودن تعبیر و تفسیر از «استفاده ابرازی» و تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده در حوزه «فرهنگ»، به معنای ممنوعیت کلی حضور زنان در این عرصه نیز می‌تواند باشد که افکار عمومی نیز برداشتی جز این ندارند.

با اینکه دفتر تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بیانیه‌ای تکمیلی تأکید داشته که اطلاعیه‌اش به معنای ممنوعیت حضور زنان در عرصه تبلیغات نیست و فقط اجرای «آیین‌نامه اجرایی ماده ۷ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان» در منع «استفاده ابرازی» را مد نظر دارد ولی تصویر نامه‌ای با امضای سرپرست اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز در برخی رسانه‌ها منتشر شده که بر اساس آن «هرگونه استفاده از زن در تبلیغات ممنوع است».

دستور ممنوعیت کسب و کار زنان در بخش تبلیغات، واکنش افکار عمومی را در فضای مجازی به دنبال داشته است. کاربران گفته‌اند، چنین اقداماتی که تحت عناوین جلوگیری از سوء استفاده از زنان صورت می‌گیرد، آیا شامل حوزه‌های تبلیغات دینی یا باروری نیز می‌شود که منافع و ایدئولوژی حکومت را تأمین می‌کنند؟ کاربران تصاویر تبلیغاتی از زنان باحجاب مورد پسند نظام از جمله الهام چرخنده

● صدور اطلاعیه‌ای مبنی بر ممنوعیت حضور زنان در تبلیغات محیطی و مجازی از سوی دفتر تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بطور گسترده واکنش‌ها را برانگیخته است. این محدودیت و ممنوعیت جدید در حالی در عرصه‌ای دیگر از فعالیت زنان در جامعه صورت می‌گیرد که همزمان حکومت با گشت‌های ارشاد اسلامی و انواع بازداشت‌ها و فشارها به بگیر و ببندهای دهه شصت برگشته تا فرمان و آرزوی علی خامنه‌ای برای «جمع کردن» هرآنچه مخالف و متفاوت با فرهنگ و مقررات تحمیلی رژیم است به اجرا درآید.

● بر اساس گزارش‌ها، کبری خزعلی رئیس شورای فرهنگی، اجتماعی زنان و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی نامه‌ی خطاب به صداسیماي جمهوری اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت صمت و قوه قضاییه را نوشته و چنین ممنوعیتی را ابلاغ کرده است.

● کاربران تصاویر تبلیغاتی از زنان باحجاب مورد پسند نظام از جمله الهام چرخنده را نشر داده‌اند که با حرکات اروتیک و لوند سرود «سلام فرمانده» را که یکی از مداحی‌های تبلیغاتی رژیم برای علی خامنه‌ای است تبلیغ می‌کند. آنها می‌پرسند مرزهای «استفاده ابرازی» از زنان برای نظام چه حدودی دارد؟ آیا این حدود، شامل استفاده نمایشی از زنان در «انتخابات‌ها» برای حفظ نظام و همچنین مراسم سوگواری برای قاسم سلیمانی و استفاده از اینفلوئنسرهای اینستاگرام توسط وزارت ارتباطات نیز می‌شود؟ یا اینکه این سوء استفاده‌ها نه تنها منع «شرعی» ندارد بلکه برای نظام خیلی هم خوب و سودآور است؟!

دفتر تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور بیانیه‌ای با استناد به ماده قانونی «ممنوعیت استفاده از ابرازی از زنان و مردان و کودکان»، حضور زنان در تبلیغات محیطی و مجازی را ممنوع اعلام کرده است. بررسی‌ها از نقش کبری خزعلی رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده جمهوری اسلامی در اجرای این قانون خبر می‌دهد





انتقال و گردآوری زندانیان سیاسی از فشافویه به اوین؛ نظارت بیشتر و سازمانیافته بر زندانیان سیاسی یا...؟!

● شمار زندانیان سیاسی و عقیدتی و امنیتی که دیروز از زندان فشافویه منتقل شدند، بیش از ۴۰ نفر اعلام شده است. هفته گذشته و در روز چهارشنبه ۲۹ تیرماه نیز تمامی زندانیان سیاسی زن محبوس در زندان قرچک ورامین به زندان اوین منتقل شدند.

● یک وکیل دادگستری به کیهان لندن می‌گوید: علت این انتقال هر چه باشد، کار مأموران امنیتی و ناظران را راحت کرده چون زندان قرچک ورامین و زندان فشافویه از تهران فاصله زیادی داشت ولی زندان اوین نزدیک است.

شماری از زندانیان سیاسی محبوس در زندان تهران بزرگ (فشافویه) به زندان اوین منتقل شده‌اند. هفته گذشته نیز شماری از زندانیان سیاسی زن محبوس در زندان قرچک ورامین به بند زنان زندان اوین منتقل شدند. هنوز از علت دقیق این جابجایی اطلاعی در دست نیست.

تعدادی از زندانیان محبوس در زندان تهران بزرگ معروف به زندان فشافویه روز یکشنبه دوم مرداد ۱۴۰۱ بدون اطلاع قبلی به زندان اوین منتقل شدند. تعداد این زندانیان بیش از ۴۰ نفر ارزیابی شده که همگی از محکومان پرونده‌های سیاسی، امنیتی و عقیدتی هستند.

این انتقال دست‌کم در دو نوبت صورت گرفته است. در نوبت نخست، ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه دوم مرداد چند تن از زندانیان سیاسی از جمله مصطفی عبیدی، عباس دهقان و محمد شریفی مقدم، سه تن از دراویش گنابادی زندانی در زندان فشافویه، را فراخوانده و آنها را به زندان اوین منتقل کردند. ساعتی بعد گروه دوم زندانیان سیاسی و امنیتی به زندان اوین منتقل شدند. شمار زندانیان سیاسی و عقیدتی و امنیتی که دیروز از زندان فشافویه منتقل شدند بیش از ۴۰ نفر اعلام شده و همگی این زندانیان به بند ۳۵۰ زندان اوین که بند عمومی زندانیان سیاسی در این زندان است منتقل شده‌اند.

یک منبع آگاه درباره انتقال زندانیان به کیهان لندن گفته که «روز یکشنبه کلیه زندانیان سیاسی زندان تهران بزرگ از جمله فرهاد سلیمانپور ظهیر، رضا مظاهری، پویا قبادی و جمعی دیگر از زندان بزرگ به بند ۳۵۰ زندان اوین انتقال یافتند.»

یک وکیل پایه یک دادگستری در ایران در گفتگو با کیهان لندن با بیان اینکه «هنوز علت دقیق این جابجایی رسماً اعلام نشده اما با توجه به اینکه جابجایی زندانیان محکومیت‌های مختلف از چند روز پیش در زندان‌های استان تهران شروع شده بود و متقابلاً برخی از متهمان کفبری و مالی که زندانیان غیرسیاسی بودند نیز از اوین به دیگر زندان‌ها منتقل شدند، ظاهراً به دنبال جمع‌آوری زندانیان سیاسی در زندان اوین هستند.»

او با بیان اینکه «شرایط بهداشتی و ساختمان زندان اوین بهتر از دیگر زندان‌هایی است که زنان و مردان در آنها محبوس هستند اما احتمالاً ساز و کارهای سخت‌گیرانه‌تری برای کنترل زندانیان سیاسی و شیوه ارتباط آنها با بیرون هم مد نظر مقامات قضایی بوده و به همین دلیل آنها به زندان اوین منتقل شدند.» این وکیل دادگستری همچنین گفته که «علت این انتقال هر چه باشد، کار مأموران امنیتی و ناظران را راحت کرده چون زندان قرچک ورامین و زندان فشافویه از تهران فاصله زیادی داشت

را نشر داده‌اند که با حرکات اروتیک و لوند سرود «سلام فرمانده» را که یکی از مداخلی‌های تبلیغاتی رژیم برای علی خامنه‌ای است تبلیغ می‌کند. آنها می‌پرسند مرزهای «استفاده ابزاری» از زنان برای نظام چه حدودی دارد؟ آیا این حدود، شامل استفاده غیبتی از زنان در «انتخابات‌ها» برای حفظ نظام و همچنین مراسم سوگواری برای قاسم سلیمانی و استفاده از اینفلوئنسرهای اینستاگرام توسط وزارت ارتباطات نیز می‌شود؟ یا اینکه این سوء استفاده‌ها نه تنها منع «شرعی» ندارد بلکه برای نظام خیلی هم خوب و سودآور است؟!

شماری از کاربران نیز دسته‌بندی کرده‌اند که تبلیغات کدام نهادها و ارگان‌ها با حضور زنان ممنوع نیست. آنان نوشته‌اند، زنان می‌توانند برای شرکت‌ها و مافیاهای نظام از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به راحتی تبلیغ کنند. بر اساس گزارش‌های رسانه‌های داخلی، تصمیم ممنوعیت حضور زنان در تبلیغات را شورای عالی انقلاب فرهنگی گرفته و آن را به وزارت ارشاد اسلامی پاس داده است. بر مبنای این گزارش‌ها، کبری خزعلی رئیس شورای فرهنگی، اجتماعی زنان و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی نامه خطاب به صداسیماي جمهوری اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت صمت و قوه قضاییه را نوشته و چنین ممنوعیتی را ابطال کرده است.

این در حالیست که بر اساس قوانین خود جمهوری اسلامی، حضور زنان در تبلیغات ممنوع نیست ولی خزعلی در قانون خودشان هم دستکاری کرده و نوشته «هرگونه استفاده از زنان در تبلیغات ممنوع است» و کلمه «ابزاری» را برای رسیدن به هدف اصلی که ممنوعیت فعالیت زنان در این عرصه است، حذف نموده است.

گفته می‌شود تفکیک جنسیتی در تبلیغات، در پی کمپین خبرگزاری «فارس» و ایستبه به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای تصویب ممنوعیت حضور زنان در تبلیغات است که اقدام به جمع‌آوری امضا کرده تا به «مجلس انقلابی» تحویل بدهد. گزارش‌هایی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه مجلس شورای اسلامی قصد دارد با الحاق ماده‌ای به قانون «ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره»، هرگونه تبلیغات محصولات ایرانی را در شبکه‌های ماهواره‌ای و بسترهای پهن‌بند غیرمجاز ممنوع اعلام کند. البته نظر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی محدود کردن این ممنوعیت تبلیغ تنها به شبکه‌های ماهواره‌ای «معاند» است تا در آینده ممنوعیت تبلیغ در پلتفرم‌های آنلاین خارجی نیز وضع شود!

تا کنون ممنوعیت‌های متعددی در استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان خارج از ایران وجود داشت که هیچکدام موفق نبوده است. ۲۷ نفر از نمایندگان «مجلس انقلابی» شهریورماه ۱۴۰۰ یک طرح جامع به هیئت رئیسه ارائه دادند تا دستورالعمل‌های تبلیغات ماهواره‌ای را به قانون تبدیل کرده و از این راه اعمال محدودیت کنند.

اکنون مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پس از تحقیق روی این طرح، بخش‌هایی را «دارای ابهام» اعلام کرده که باید رفع شوند و همزمان توصیه کرده «بهتر است بین بسترهای آنلاین تبلیغات و شبکه‌های معاند تمایز قائل شد و فعلاً فقط به شبکه‌های معاند پرداخت.»

طبق ماده الحاقی این طرح، تبلیغ کالا و خدمات ایرانی توسط شبکه‌ها، رسانه‌ها و پلتفرم‌های «غیرمجاز» که شامل بستر پهن‌بند هم می‌شود مشمول مجازات درجه ۵ تا ۷ مواد ۱۹ و ۲۰ قانون مجازات اسلامی خواهد بود. این در حالیست که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی باور دارد که عبارت «غیرمجاز» در این ماده، باید به «معاند» تغییر کند.

ولی زندان اوین نزدیک است. مثلاً دادیار ناظر محکومین امنیتی هر هفته باید از بند زندانیان امنیتی بازدید کند و وقتی همه در اوین باشند کارشان راحت‌تر و هزینه‌هایشان کمتر است.» هفته گذشته و در روز چهارشنبه ۲۹ تیرماه نیز تمامی زندانیان سیاسی زن محبوس در زندان قرچک ورامین به زندان اوین منتقل شده بودند. خبرگزاری هرانا علت این انتقال را «شیوع بیماری سل در زندان قرچک ورامین» عنوان کرده بود. در این گزارش به نقل از یک منبع آگاه آمده «حشمت‌الله حیات الغیب مدیرکل زندان‌های استان تهران به بند دو این زندان مراجعه کرد و دستور داد سالن دو این زندان را که در دوران کرونا قرنطینه محسوب می‌شد برای زندانیان جدید آماده کنند و تمامی زندانیان سیاسی را به زندان اوین منتقل کردند.»

اکنون انتقال زندانیان سیاسی، امنیتی و عقیدتی مرد از زندان فشافویه به زندان اوین نشان می‌دهد مقامات قضایی و امنیتی تصمیم به جمع‌آوری زندانیان سیاسی در یک زندان مشخص دارند اگرچه درباره هدف از این اقدام اطلاعی دقیقی در دست نیست. آرش صادقی فعال حقوق بشر نیز در توییتری درباره جابجایی زندانیان گفته که «امروز تمام زندانیان سیاسی تهران بزرگ به بند شش (۳۵۰) منتقل شدند از ۲ هفته پیش انتقال زندانیان کارگری بند ۶ به تهران بزرگ و بندهای دیگر زندان اوین آغاز شده بود. امروز نیز ۳۰ زندانی کارگری از بند ۶ به تهران بزرگ منتقل شدند. قرار است طبقه اول بند ۶ به زندانیان سیاسی تهران بزرگ اختصاص یابد.»

یک منبع نیز درباره انتقال زندانیان سیاسی مرد به زندان اوین به خبرگزاری هرانا گفته «امروز بیش از ۴۰ تن از زندانیان سیاسی زندان تهران بزرگ بدون اعلام قبلی و به یکباره به زندان اوین منتقل شدند. آنها در پروسه انتقال مشمول محدودیت‌هایی از قبیل برقراری تماس تلفنی با خارج زندان شدند؛ امری که بی‌خبری از وضعیت آنها را تا این لحظه در پی داشته است.» پیش از این گزارش‌های زیادی از وضعیت نابسامان بهداشتی و امکانات نامناسب و شرایط غیرانسانی زندان‌های فشافویه و قرچک منتشر شده بود.

در این میان مصطفی نیلی وکی دادگستری به اتهام «نشر اکاذیب» برای پرونده جدیدی این پرونده با اعلام جرم دادستان تهران دوم مرداد در جلسه دادگاه حضور پیدا کرد. او درباره این پرونده گفته که مصاحبه‌اش با پایگاه خبری «امتداد» در مورد وضعیت موکلین‌اش در زندان قرچک ورامین علت شکایت دادستان بوده است. سعید دهقان وکیل دادگستری نیز با انتشار توییتری به محاکمه همکارش واکنش نشان داده و نوشته که «اگر خبر مصطفی نیلی از وضعیت موکلین‌اش در قرچک واقعیت نداشت، چرا آنها را به اوین منتقل کرده‌اید؟ اگر واقعیت داشت، چرا نشر اکاذیب؟!»



گرماى بى سابقه در اروپا / بيشه‌هاى منطقه‌اى در شرق لندن در آتش گرما مى‌سوزد / ۱۹ ژوئيه ۲۰۲۲